

نبرد خلق

ویژه مطالعه روی کامپیوتر، تلفن دستی و ای پاد

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

شماره ۳۴۸، یکشنبه اول تیر ۱۳۹۳ (۲۲ ژوئن ۲۰۱۴)

سر دبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، لیلا جدیدی، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: لیلا جدیدی، منصور امان، زینت میرهاشمی، آناهیتا اردوان، جعفر پویه، مهدی سامع

در این شماره می خوانید:

- * این جام جهانی فیفاست و نه جام جهانی فوتبال - منصور امان...ص ۲
- تحولات و رویدادهای عراق، چالشها و دیدگاهها
- * تهدید اصلی: ولایت خامنه ای یا داعش؟ - مهدی سامع...ص ۵
- * بازی داعش و جمهوری اسلامی با کارتهای همدیگر - لیلا جدیدی...ص ۷
- * دخالت رژیم ایران در رویدادهای عراق به ضرر مردم ایران است - زینت میرهاشمی...ص ۷
- * هیولای فربه ای که روی طناب نازک داعش بندبازی می کند - منصور امان...ص ۸
- * آقای اوباما شما هیچگونه صلاحیتی در عراق ندارید! - لیلا جدیدی...ص ۹
- * شکست سیاست امپریالیسم و بزرگنمایی داعش - آناهیتا اردوان...ص ۱۰
- * رویدادهای چند وجهی عراق - شهره صابری...ص ۱۴
- * دیدگاه برخی از مخالفان نوری المالکی و مرزبندی آنان با داعش...ص ۱۵
- * انتخابات پارلمانی اروپا، گریز از مرکز - لیلا جدیدی...ص ۲۳
- * دم خروس برازنده تر است - امید برهانی...ص ۲۸
- * برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در خرداد ۱۳۹۳ - زینت میرهاشمی...ص ۲۹
- * چالشهای معلمان در خرداد ماه - فرنگیس بایقره...ص ۳۶
- * سلامت با کدام سوپه؟ - امید برهانی...ص ۴۰
- * رویدادهای هنری ماه - لیلا جدیدی...ص ۴۳
- * بیانیه جمع کثیری از زندانیان سیاسی در محکومیت اعدام غلامرضا خسروی...ص ۴۸
- * فراسوی خبرها...ص ۵۰
- * شهدای فدایی در تیر ماه...ص ۵۶

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

این جام جهانی فیفاست و نه جام جهانی فوتبال

منصور امان

فوتبال در ماه جاری یک میلیارد نفر در سراسر جهان را به ورزشگاهها، به پای رادیو و تلویزیون، اینترنت و رسانه های چاپی می آورد تا همچنان به عنوان توده ای ترین ورزش جمعی دنیا شناخته شود و نفوذ خود تا دور ترین زوایای جغرافیایی گره خاکی و عمیق ترین لایه های ذهنی ساکنانش را به رخ کشد.

برزیل، فرصتی برای یک نگاه عمیق تر

با این حال در بیستمین دوره جام جهانی فوتبال در برزیل نیز این فقط توپ نیست که بر جهان فرمان می راند. این واقعیت که دولتها و نفع برندگان از نظم ناعادلانه اجتماعی موجود، از جشنهای بین المللی ورزشی برای گسترش نفوذ سیاسی، به پیش بردن طرحهای اقتصادی دلخواه و مانع گذاری بر سر راه تحولات نامطلوب سود می برند، نکته پنهانی نیست. در تمام دوره هایی که میدان به روی رقابت صلح آمیز ملتها گشوده شده، گردانندگان صحنه هم بازی ویژه خود را در آن بازی کرده اند. برگزاری المپیک تابستانی (۱۹۳۶) توسط نازیها و جام جهانی فوتبال (۱۹۷۸) توسط ژنرالهای کودتاجی آرژانتینی فقط وقیحانه ترین و برجسته ترین نمودهای استفاده از ورزش برای پیشبرد و جا انداختن ایده و نقشه های بیگانه با آن است.

جام جهانی برزیل از این قاعده برکنار نیست، با این تفاوت که این بار از معدههای ورزشی فقط صدای کاهنان سرمایه و قدرت و طنین زنگ صندوق کسب آنها نیست که به گوش می رسد، صدها هزار معترض برزیلی از تابستان سال گذشته جام جهانی را به تریبون بیان خشم و امید و خواسته های خود بدل ساخته و به صدها میلیون مخاطب در سراسر جهان دست یافته اند. اگر در آفریقای جنوبی، میزبان دوره قبلی مسابقات، کاریزما و جذابیت نلسون ماندلا برای سایه انداختن بر ناهمگونی زنده بین ورزشگاههای عظیم و لوکس و فقر تلخ انسانها در همسایگی شان کفایت می کرد، جلوه های مناسبات ناعادلانه در برزیل بدون هیچ فیلتری در معرض نگاه کارورزان، حاشیه نشینها و تهیدستان قرار گرفته است. ژوئن ۲۰۱۳ زمان بازتاب یافتن مادی تاثیر مایوس کننده و برآشوبنده آنچه که بود که آنها می دیدند.

حرکتی که ابتدا در شکل جنبش اعتراض علیه افزایش بهای بلیط اتوبوس آغاز شد، به شتاب به شورش گسترده و کنترل نشده علیه قدرت حاکم بدل گردید و برزیل را یک ماه به آتش کشید. پس از این ماه شورش، به طور پیوسته بر شمار کانونهای درگیری "بالا" و "پایین" افزوده شده است. از مبارزه علیه بی خانمان سازی تا مقاومت در برابر سیاستهای ریاضتی دولت و از تقاضای افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار تا اعتراض به جنایات پلیس و نیروهای امنیتی، برآشفتگان از صف به خط شده استقبال از جام جهانی بیرون آمده و کنترل رسانه های کلاسیک سیاسی را پشت سر گذاشته اند.

مسابقات جام جهانی فوتبال با هموار کردن راه اقشار خاموش، نارضایتیهای سرکوب شده و فریادهای بدون پژواک برای ابراز موجودیت و به رخ کشیدن خود و - دردناک برای گردانندگان آن - با تشویق به حرکت و مداخله گری، یک فرهنگ جدید اعتراضی را در برزیل شکل داده است. این اعتراضی علیه فوتبال نیست، بلکه برآشوبی علیه پلشتیهای است که سرمایه با نفوذ در فوتبال و تبدیل آن به وسیله سوداندوزی، به ورزش محبوب و ارزان بخشهای متوسط و پایین جامعه ضمیمه کرده است.

آنها در تجربه روزمره خود با گوشت و پوست حس می کنند که چگونه سرمایه، پهنه های گوناگون کار و زندگی شان را به گونه فزاینده به ابزار کسب منفعت و ثروت بدل ساخته و از آب آشامیدنی تا مسکن و از بهداشت تا آموزش، هر نیاز پایه ای آنها را به ماشین ضرب سکه خود تغییر فرم و مضمون داده است. معترضان سائوپائولو و ریودژانیرو دریافته اند که اکنون نوبت به فوتبال در برزیل رسیده که مصادره شده و در نقش گاو شیرده به اصطبل سرمایه داری برده شود. آنها به درستی در "فیفا" (فدراسیون بین المللی فوتبال)، پیش قراول این تغییرات و جاده صاف کن آن را مشاهده می کنند.

جام جهانی فیفا

در تابلویی که فیفا زیر آن نشسته، فوتبال به عنوان وسیله پیوند دهنده ملتها معرفی می شود و خودش یک سازمان ملل دُوم که وظیفه نزدیک ساختن مردمان چارگوشه گره خاکی را رسالت اش قرار داده است. فیفا روی صحنه همچون پدر خیرخواهی ظاهر می شود که برای انسانیت نیکی و خوشبختی در شکل فوتبال، گل، دربیبل و هیجان ارمان می آورد. در واقع اما فیفا یک کُنسرن بین المللی است که با وجود شهرت دهها ساله به فساد و رشوه خواری، شهوت افزایش سود آن مساله ای فراتر از ثروت اندوزی فردی است و در چارچوب تهاجم اقتصادی و سیاسی سرمایه به جامعه برای گسترش نفوذ در همه بخشهای آن قرار گرفته و شکلی از انواع این یورش است. این کُنسرن در سال ۲۰۱۳ درآمدی در حدود ۱.۵ میلیارد دلار داشته و پیش بینی می شود که از محل جام جهانی فعلی بیش از ۴ میلیارد دلار درآمد کسب کند که نیمی از آن سود خالص خواهد بود. فیفا از جمله برای کسب چنین منافع کلانی است که در کشورهای میزبان مسابقات همچون یک قدرت استعماری وارد می شود و با شانناژ و تهدید، شرطهایش را دیکته می کند. هنگامی که دبیر کل فیفا، ژرمو والکه، دو سال پیش با لحنی وقیحانه به صورت علنی می گوید "برزیل برای پیش بردن تدارکات جام جهانی به آردنگی احتیاج دارد"، می توان حدس زد سطح گفتگو در پشت درهای بسته چگونه است.

در این میان از شواهد چنین برمی آید که دولت برزیل همه شرطهای فیفا را برآورده کرده باشد و این کُنسرن می تواند جام جهانی فوتبال خودش را داشته باشد. شاید از همین رو باشد که برزیلیها می گویند این جام جهانی فیفاست و نه جام جهانی آنها! در حقیقت نیز فیفا تمام تلاش خود را برای برگزاری یک نمایش لوکس برای تماشاچیان مرفه و دور کردن تماشاچیان سنتی فوتبال که اغلب به طبقه و اقشار پایین جامعه تعلق دارند، به کار بسته است. برای مثال، مکانهای ارزان سر پا در استادیومها حذف و به جای آن تریبونها و لژهای شیک و گران ساخته شده است. استادیوم مشهور و تاریخی "ماراکانا" در ریودژانیرو، جایی که ۲۰۰ هزار نفر در جام جهانی سال ۱۹۵۰ بازی فینال بین برزیل و اروگوئه را تماشا کردند، امروز پس از مدرن سازی، فقط گنجایش ۷۴ هزار تماشاچی را دارد. این در حالی است که هزینه ۵۴۰ میلیون دلاری تصفیه فُقر از این استادیوم براساس مدل فیفا را از جیب خود آنها، از خزانه عمومی برداشت کرده اند.

ورود و حضور تَهیدستان ممنوع!

قیمت ارزانتترین بلیطی که فیفا برای ورود به استادیومهای ویژه اش طلب می کند، حدود ۸۴ دلار است، یعنی یک چهارم حداقل حقوق رسمی در برزیل! به این ترتیب فوتبال دوستان واقعی برزیل، کسانی که در کوچه و کنار ساحل با پای برهنه فوتبال بازی می کنند و شور و هیجان شان استادیومها را زنده می کند و به خُروش می آورد، راهی به ضیافت میلیاردی فیفا ندارند. این نگاه کاسبکارانه و به طور انحصاری خیره شده به جنبه های تجاری و نه ورزشی، یکبار بیشتر در مخالفت شدید فیفا با دادن تخفیف ۵۰ درصدی ویژه دانش آموزان، دانشجویان و بازنشستگان برای استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی برای رفتن به استادیومها متجلی می شود. در حالی که تخفیف مزبور به صورت قانون در برزیل به تصویب رسیده، کُنسرن فیفا در عمل قانون را زیرپا می گذارد، یعنی همان عملی که مُعترضان را بدان مُتهم می کند.

"رُمارویو"، ستاره نامدار برزیلی و برنده جام جهانی ۹۴ که اکنون به عنوان نماینده "حزب سوسیالیست برزیل" در پارلمان این کشور حضور دارد، در این رابطه می گوید: "فیفا از این مسابقات میلیاردها دلار درآمد خواهد داشت، اما نمی خواهد یک صورت حساب ۷۴ میلیون دلاری را بپردازد. قانون قانون است و باید اجرا شود. برزیل باید دیگر به برده فیفا بودن پایان دهد. استقلال سرزمین ما باید مُحترم شمرده شود. درب استادیومها باید به روی همه طبقات و اقشار اجتماعی باز باشد و نه فقط هواداران مرفه فوتبال."

در یک اقدام دیگر، فیفا ایجاد یک منطقه حایل گرد استادیومها را به گُرسی نشانده است. این یک "منطقه سبز" دیگر نه در بغداد جنگ زده، بلکه در قلب شهرهای میزبان جشن بین المللی فوتبال است که فقط با یک هدف ایجاد شده و آن پاکسازی طبقاتی است. فیفا، سرمایه داری و دولت خود را از شر بخشهایی از جامعه که در چرخه کالایی بی استفاده شده اند و می توانند منبع ناآرامی باشند، رها می سازند. دستفروشهای اطراف استادیومها به همان گونه رانده شدند که ۲۵۰

هزار ساکنان محله های فقیرنشین مشهور به "فاولا" ها. پس از یک دوره مُحاصره و قطع آب و برق، خانه های مردم این محلات تخلیه و با خاک یکسان گردیده و رانده شدگان بدون سرپناه دایمی، به حال خویش رها شده اند. در همین حال برزیل طبق سفارش فیفا، برای انجام در مجموع ۶۴ بازی، ۱۲ استادیوم و مجموعه ورزشی ساخته یا براساس دستورالعمل فیفا مُدرنیزه کرده است که در معنا و مفهوم وجودی دستکم ۴ عدد از آنها ابهامات زیادی وجود دارد. هزینه نگهداری این استادیومها، سالانه یک عدد شش رقمی را در بر می گیرد؛ پولی که شهرهای فقیر برزیل توان پرداخت آن را ندارند. برای مثال در مانائوس، در قلب جنگلهای آمازون مجموعه چندمنظوره ای ساخته شده که بعد از مُسابقات محکوم به پوسیدن است. مردم این منطقه می پُرسند آنها به یک ورزشگاه نو و عظیم ۴۰ هزار نفره چه نیازی دارند در حالی که تیم فوتبال محلی این شهر در دسته چهارم بازی می کند و در بهترین حالت، بیش از هزار نفر به تماشای مُسابقات آن نمی روند؟

به نام فوتبال، به کام شرکتها

به این پُرسش شرکتها و موسسه های بزرگ و چند ملیتی که پشت سر فیفا وارد بازار جام جهانی شده اند، می توانند به خوبی پاسخ بدهند. لشکری از دلان زمین، شرکتهای بزرگ ساختمانی و راه سازی، شرکتهای تاسیساتی، دفاتر مشاوره و موسسات امنیتی و حفاظتی برای دریافت قراردادهای کلان صف کشیده اند و سهم خود از کیک فوتبال را طلب می کنند. فیفا در اینجا برای آنها نقش موسسه کاریابی و کار چاق گنی را ایفا می کند و به میزبان لیست بلند سفارشات خود را تحویل می دهد و روشن می کند که برگزار شدن نمایش بین المللی اش مشروط به ایجاد زیرساختهای ویژه آن است. فرودگاههای جدید یا بزرگتر، جاده، خطوط و وسایل حمل و نقل، ورزشگاهها، هتلها، شیک، پاساژهای خرید، تجهیزات الکترونیکی، موسسات امنیتی و جز آنها در این مجموعه جای می گیرد.

این یک معامله پُرمفیت برای شرکتها و کُنسرنهای داخلی و خارجی است؛ دولت به عنوان پشتیبان وارد می شود و در جهت علایق آنها سرمایه گذاری می کند. در این رابطه خسارت بار، آنچه که به دهان باز شده این موسسات سرازیر می شود، ثروت همگانی و مالیاتهای شهروندان است. براساس گزارش خبرگزاری اقتصادی "بلومبرگ"، دولت برزیل تا کنون نزدیک به ۱۵ میلیارد دلار از این صندوق به جیب شرکای فیفا ریخته است.

مبلغ کلان مزبور جُدا از یک میلیارد دلاری است که دولت برای راه اندازی یک دستگاه عظیم سرکوب سرمایه گذاری کرده که فقط در بُعد نیروی انسانی، صرف به خط کردن لشکری مُرکب از ۵۷ هزار سرباز، صد هزار پلیس و مامور امنیتی و بیست هزار پرسنل شرکتهای خصوصی امنیتی شده است. تنها وظیفه این قُشون، حفاظت از مُسابقات در برابر اعتراضهای اجتماعی و اعتصابات است.

برآمد

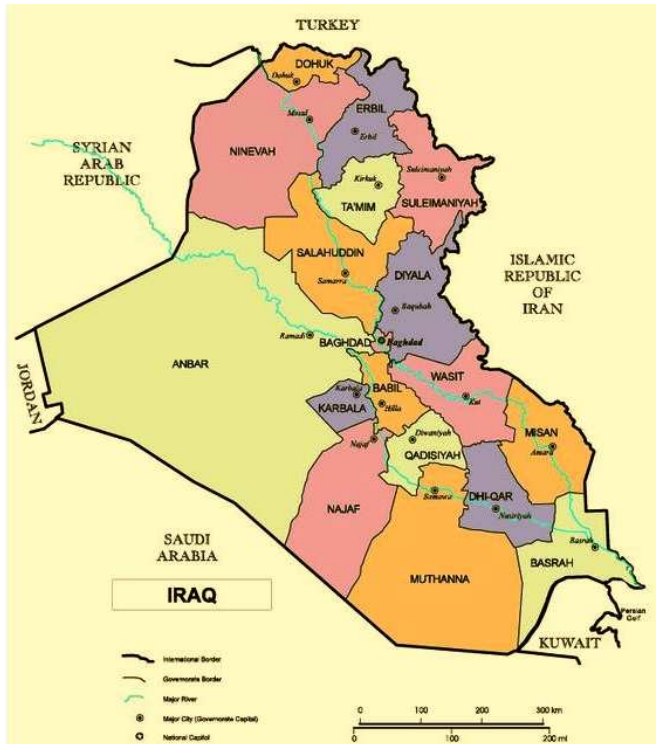
گفته می شود اروپاییها فوتبال را به وجود آوردند و برزیلیها به آن روح بخشیدند. اکنون باید به این جُمله افزود که "و سرمایه داری آن را به غنیمت گرفت و به انحراف کشید". با این حال از فوتبال نباید روبرگرداند زیرا چیرگی کنونی سرمایه بر آن به معنای نهفته بودن انحراف در نهاد این ورزش توده ای نیست. همچنان می توان از تماشا یا بازی فوتبال لذت برد و شادی آن را با هزاران، میلیونها نفر تقسیم کرد و در شادمانی آنها سهیم شد. همزمان باید به پشت پرده نیز نگرست و با عوامل و مُناسباتی که فوتبال را به چیزی تبدیل کرده اند که نه با علایق دوستدارانش سازگار است و نه به سود آنهاست، آشنایی پیدا کرد. باید با نگاه به رویدادهای بزرگ ورزشی، موسسات فاسدی همچون فیفا که چرخه کسب سود را در آنها می گردانند را شناخت و با تمام نیرو خواستار بیرون راندن کُنسرنها، شرکتها و اهداف تجاری محض و فریبکاریهای دولتی از فوتبال شد.

جام جهانی فوتبال در برزیل نشان داد پنهان کردن آنچه که در پشت صحنه جشن مُشترک فیفا و سرمایه می گذرد دیگر به سادگی مُمکن نیست و آخرین پیروزی هلهله مصنوعی هورا فوتبال بر ناله درد و رنج، به دورانی سپری شده تعلق دارد.

تحولات و رویدادهای عراق، چالشها و دیدگاهها

تهدید اصلی: ولایت خامنه ای یا داعش؟

مهدي سامع



نظم نوینی که امپریالیسم جهانی وعده آن را می داد و با فروپاشی دیوار برلین و اتحاد شوروی سابق کلید خورد، با آخرین جنگ تجاوزگرانه علیه عراق در سال ۲۰۰۳ و تحولات پس از آن با چالش جدی روبرو شده است. سودای بوش پدر و پسر در سرزمین به فلاکت کشیده شده عراق به کابوس تبدیل شده و ماحصل همکاری و رقابت بین رژیم ارتجاعی ایران و امپریالیسم آمریکا برای بلعیدن عراق، ویرانی عراق و پرشدن جیب انحصارات تسلیحاتی و البته قدرت گیری و گردن کشی سپاه پاسداران ولایت خامنه ای به طور عمده و ظهور برخی گروههای تروریستی دیگر است.

مقاومت مردم عراق علیه اشغال دو سویه از طرف آمریکا و رژیم ایران که کانون آن فلوچه بود بارها به خون کشیده شد. نیروی تروریستی قدس به سرکردگی قاسم سلیمانی که با تمام توش و توان خود از دیکتاتوری نوری المالکی حمایت می کند، به نیروی اصلی، بیشتر از جنبه راهبردی، برای

حفظ مالکی تبدیل شده است. سپاه پاسداران از طریق نیروی تروریستی قدس کمکهای نظامی، اطلاعاتی، لجستیکی و نیرویی در اختیار رژیم بشار اسد می گذارد که تاکنون شمار زیادی از اعضا و فرماندهان سپاه پاسداران در جنگ علیه مخالفان رژیم سوریه کشته شده اند.

جنگ تجاوزگرانه آمریکا علیه عراق در سال ۲۰۰۳ بهترین هدیه به ولایت خامنه ای بود. خامنه ای از این «فرصت» سود کلان به جیب زد. با این فرصت مرزهای امنیت و عمق استراتژیک برای ولایت خامنه ای که به طور عمده شامل عراق، سوریه و لبنان بود، گسترش پیدا کرد. سرکردگان سپاه در اظهارنظرهای بی دنده و ترمز خود این امر را با صدای بلند به همه جهان اعلام می کنند.

روز شنبه ۱۰ خرداد ۱۳۹۳، پاسدار حسین سلامی جانشین سرکرده کل سپاه در مراسم رونمایی از ۱۱ جلد نخست مجموعه «سپاه در گذر انقلاب» گفت: «سپاه امروز به نهادی معتبر تبدیل شده که قادر است معادلات سیاسی و امنیتی منطقه و حتی جهان را جابه جا کند... این که امروز سپاه بدون [بخوانید با] حضور مستقیم نظامی در منطقه و جهان سیاستهای قدرتهای بزرگ را متوقف کرده و به شکست می کشاند نشانگر عمق نگاه امام راحل در تاسیس این نهاد مقدس است... ارتفاعی که سپاه گرفته به میزان قابل ملاحظه ای بعد از دوران امام راحل مدیون هدایتهای رهبر معظم انقلاب است که افقهای بلندی از هدایتهای عمیق راهبردی و تخصصی را در اختیار می گذارند». (ایلنا، شنبه ۱۰ خرداد)

مُلا علی سعیدی نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران عصر روز شنبه ۱۰ خرداد در یک همایش در سالن بصیرت سازمان بسیج دانشجویی گفت: «سخنگوی یک حزب می گوید چرا هزینه فلسطین را باید ملت ایران بپردازد، مشخص است نگاه او اعتقادی و مبنایی نیست. کسانی که می دانند اگر سوریه از این گردونه خارج شود چه بلایی بر سر ما می آید می فهمند نقش ما در این معادله چه بوده است... در ادبیات امام جنگ نرم وجود نداشت و شبیخون فرهنگی هم نبود اما در دوره آقا

تهاجم، تهاجم فرهنگی است و مرز ما در زمان امام شلمچه و مهران بود، اما امروز مرزمان ساحل مدیترانه و آمریکای لاتین است... امروز این ما هستیم که آمریکا را به گوشه رینگ برده‌ایم و نمی‌دانم چرا برخی از خواص توجهی نمی‌کنند... دست بردن به نرم افزار انقلاب تهدید اسب.» (خبرگزاری تسنیم، شنبه ۱۰ خرداد)

روز دوشنبه ۱۲ خرداد، محمد هادی بهشتی پور، جانشین رئیس سازمان سیاسی عقیدتی «ناجا» اعتراف کرد که «بقای بشار اسد و موفقیت‌های نظامی اخیر او علیه مخالفانش مرهون فرمانده سپاه پاسداران، سردار قاسم سلیمانی و به ویژه رهنمودهای آیت الله علی خامنه‌ای است.» (راديو فرانسه)

خامنه‌ای با تکیه بر سپاه پاسداران برای دیگران خط و نشان می‌کشد. روز سه شنبه ۱۳ خرداد خامنه‌ای در ملاقات با امیر کویت با زیان تهدید صحبت کرد و گفت: «برخی کشورهای منطقه متوجه خطری که گروه‌های تکفیری، در آینده برای خود آنها ایجاد خواهد کرد نیستند و هم‌چنان در حال حمایت از این گروه‌ها هستند... اما در آینده نه چندان دور، این گروه‌ها بلای جان همان کشورهای حامی خواهند شد.» (سایت دفتر خامنه‌ای)

در این تردید نیست که گروه‌هایی مثل داعش، القاعده، سلفیها و... جریانهای تروریستی بوده و علیه منافع مردم خاورمیانه عمل می‌کنند. اما با تاکید و بنا به تجربیات دو دهه اخیر نباید خطر سپاه پاسداران را با هیاهو پیرامون داعش لاپوشانی کرد. نیروی تروریستی قدس نیروی عمده تروریستی در خاورمیانه است. همین نیرو است که در همسویی با جنگ طلبان اسرائیل در راه صلح بین اسرائیل و فلسطین مانع ایجاد کرده است. همین نیروی تروریستی قدس است که با حمایت از دیکتاتوری نوری المالکی و کشتار مردم عراق، مانع شکل‌گیری یک دولت فراگیر شده است. همین نیروی تروریستی است که با صرف هزینه‌های کلان از منابع ملی ایرانیان، رژیم بشار اسد را سرپا نگهداشته است.

از جنبه داخلی سپاه به مثابه بازوی نظامی - امنیتی خامنه‌ای علاوه بر سرکوب گسترده جنبش آزادیخواهی مردم ایران، در معادلات درون هرم قدرت به نیابت از خامنه‌ای مداخله موثر می‌کند. اعلامیه برخی از سرکردگان سپاه به شمول محمدعلی جعفری، سرکرده سپاه پاسداران علیه محمد خاتمی نمونه بارز چنین نقشی است.

سپاه پاسداران پس از توافق ژنو و اولین عقب‌نشینی ولی فقیه در همکاری با جریان مصباح یزدی درصدد برآمد تا بار این عقب‌نشینی را بر دوش دولت روحانی گذاشته و بدین وسیله مانع تضعیف خود در معادله قدرت و ثروت شود. کار مداخله سپاه به جایی کشید که حسن فیروزآبادی، رئیس ستادکل نیروهای مسلح خامنه‌ای، در اوج تهاجم سپاه به باند روحانی، در یک اظهار نظر شیگفت‌آور از رسانه‌های وابسته به سپاه خواست تا «رویگردشان» نسبت به دولت حسن روحانی را تغییر دهند. همچنان علی سعیدی، نماینده خامنه‌ای در سپاه که خود آتش بیار معرکه علیه دولت روحانی بود، از رسانه‌های وابسته سپاه انتقاد کرد و گفت: «برخی اخبار توسط خبرگزاریها و رسانه‌های وابسته به سپاه بیان می‌شود که دقت لازم را ندارد... انتظار می‌رود که خبرگزاری فارس و دیگر خبرگزاریها در بیان خبر جامعیت داشته باشند، زیرا گاهی برخی اخبار بدون دقت و ملاحظه روی آنتن می‌رود.»

این چالش بخشی از روند عقب‌نشینی ولی فقیه است که باید با مداخله بیشتر در عراق و سوریه و همزمان سرکوب گسترده داخلی جبران شود. نکته مهم این است که با وجود سپاه پاسداران که نقش بازوی نظامی امنیتی ولی فقیه دارد، خاورمیانه شاهد رشد بیشتر گروه‌هایی تروریستی همچون داعش خواهد بود که البته نیروی تروریستی قدس مستقیم و یا غیرمستقیم با این جریانات در ارتباط بوده و به میزانی که منافع ولایت خامنه‌ای ایجاب می‌کند این گروه‌ها نقویت می‌شوند.

از نگاه منافع ملی مردم ایران و بنا به دلایل گوناگون و منجمله حاکمیت استبداد مذهبی در ایران و جنایت‌های این حاکمیت علیه مردم ایران، جریان تروریستی داعش نمی‌تواند یک تهدید جدی برای مردم و کشور ایران باشد. تهدید اصلی در مقابل تحقق دموکراسی و عدالت در ایران رژیم ولایت فقیه و بازوی نظامی آن سپاه پاسداران است.

بازی داعش و جمهوری اسلامی با کارتهای همدیگر

لیلا جدیدی

فراسوی خبر... شنبه ۲۴ خرداد

جای شکی نیست که رویدادهای اخیر در عراق و ژرفش فروپاشی و ازهم گسیختگی جامعه مدنی این کشور و تبدیل آن به یک جامعه فرقه ای و قبیله ای، حاصل دخالتهای آمریکا و جمهوری اسلامی است. با این حال حسن روحانی، رییس جمهور حکومتی که در تروریسم دولتی نمونه و در حمایت نیرویی و مالی تروریسم منطقه ای شهره است، در سخنرانی خود با اشاره به حوادث اخیر عراق، مزورانه ادعا می کند که رژیم با "خشونت و تروریسم" در سطح جهان مبارزه می کند. یک روز بعد از این افاضات، منابع غربی از قشون کشی سپاه پاسداران به این کشور خبر دادند.

روزنامه وال ستریت از اعزام گردانهایی از نیروی قدس، واحد تروریستی سپاه پاسداران، به عراق خبر داده است. این امر پس از گفتگوی تلفنی روحانی با نوری مالکی، شریک جرم رژیم در تبهکاری علیه مردم عراق صورت می گیرد. وی به دیکتاتور عراق گفته است اجازه نخواهد داد "حامیان تروریستها با صدور تروریسم به عراق، امنیت و ثبات این کشور را برهم بزنند."

از سوی دیگر، بازی دوگانه رژیم در عراق هنگامی رسوا می شود و نشان می دهد رژیم و داعش با کارتهای همدیگر بازی می کنند که نخست یک سخنگوی این گروه بنام ابومحمد عدنانی، با سروصدای تبلیغاتی از نیروهای داعش می خواهد تا به سمت "کربلا و نجف" حرکت کنند تا اختلافات خود با دولت شیعی نوری مالکی را در آن شهرها حل کنند. به همین بهانه و زیر نام دفاع از "کربلا و نجف" که "شهرهای مقدس شیعیان" هستند، جمهوری اسلامی به این کشور وارد شده است.

جمهوری اسلامی همچنین از فرصت در صحنه نگاهداشتن داعش استفاده خواهد کرد تا دست بازتری برای ضربه زدن به نیروهای مجاهدین خلق در زندان لیبرتی داشته باشد. با این حال این مبارزین و انقلابیون مردم عراق هستند که سرنوشت سازند. آنها علیه دولت دست نشانده مالکی برخاسته اند و مبارزه آنها ربطی به تروریستهای دو طرف ندارد. در سوریه نیز همواره مبارزه انقلابی و مسلحانه اپوزیسیون سکولار و دموکراتیک این کشور با مطرح کردن اعمال تروریستی این و آن گروه که جهت همین دست بازیها و برای خدشه دار کردن مبارزه انقلابی از آنها استفاده می شود، نفی شده و تلاش می شود این نیروها را از میدان بدر کنند.

داعش شاخه نجات دیکتاتورهای حاکم بر سوریه، عراق و ایران از گردابی که در آن به دست و پا زدن افتاده اند نیست. مبارزات مردمی و انقلابی آنها را به زیر می کشد.

دخالت رژیم ایران در رویدادهای عراق به ضرر مردم ایران است

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر یکشنبه ۲۵ خرداد

دخالت در مسائل داخلی کشورهای همسایه برای توسعه بنیادگرایی اسلامی، همواره یکی از سیاستهای جمهوری اسلامی بوده است. رژیم ولایت فقیه با دخالت در رویدادهای منطقه با حمایت از تروریسم و نیروهای ارتجاعی از یک سو بحران در داخل را به خارج از مرز منتقل کرده و از سویی دیگر برای ادامه حیات خود زمان می خرد.

پاسداران جمهوری اسلامی که با ثروت مردم ایران در شهرهای عراق جولان می دهند، این بار دشمن را داعش می دانند و خود را برای «دفاع از بغداد» و در حقیقت برای حفظ قدرت نوری مالکی، آماده می کنند.

در حالی که پاسداران در شهرهای عراق جولان می دهند، پایوران رژیم در رابطه با دخالت در رویدادهای خونین عراق مواضع ضد و نقیض می گیرند. حسن روحانی روز شنبه ۲۴ خرداد گفت: «ایران تنها در چارچوب قواعد بین المللی به عراق کمک خواهد کرد.» به نظر می آید روحانی فرصت برای قانونمند کردن دخالتهای رژیمش را غنیمت می شمرد.

روزنامه گاردین دیدار پاسدار سلیمانی فرمانده شاخه برون مرزی سپاه پاسداران با گروه‌های شبه نظامی در عراق را منعکس کرده است. مرضیه افخم سخنگوی وزارت امور خارجه روحانی روز سنبه ۲۴ خرداد گفت «ایران مخالف هر گونه دخالت خارجی در عراق است». بر این منظر این سخنگو حضور پاسداران در عراق را در ردیف نیروهای داخلی و عراق را جزو مایملک ولی فقیه می‌داند و دیگران را خارجی.

جمهوری اسلامی پولهای هنگفتی برای حفظ نوری المالکی در قدرت هزینه کرده است. دیکتاتور مالکی با حمایت آمریکا و پولهای ولایت فقیه دست به کشتار مردم عراق زده و در رونق زندان ابوغریب با جمهوری اسلامی رقابت می‌کند. رشد نیروهای ارتجاعی برآمد خشونت دیکتاتوری است. از سویی دیگر دیکتاتوری مالکی و حامیانش بهانه را برای سرکوب نیروهای مخالف خود فراهم آورده اند. رژیم ولایت فقیه نگران اقدامات ارتجاعی داعش که می‌خواهد قوانین شریعت را پیاده کند نیست. چرا خود رژیم ایران حیات خود ارتجاعی ترین قوانین را بر مردم ایران تحمیل کرده است. نگرانی رژیم از این است که مردم تحت ستم عراق در شرایط کنونی بتوانند با غلبه بر نوری مالکی به دوران جدیدی وارد شوند که در تناقض با منافع ولی فقیه باشد. رژیم جمهوری اسلامی عراق را حیاط خلوت خود می‌داند و برای همین موضوع به طور کامل علیه منافع مردم عمل می‌کند.

هیولای فربه ای که روی طناب نازک داعش بندبازی می‌کند

منصور امان

فراسوی خبر... چهارشنبه ۲۸ خرداد

تردیدی نیست که رژیم مَلاها برای توجیه سیاست مُداخله گرایانه خود در عراق، تحریک احساسات مذهبی نیروهایش و نیز دلبری از غرب، گُریزی از زیر ذره بین بردن توحش سیاسی - عقیدتی داعش ندارد. این تاکتیک اما همزمان از گنجایش آن برخوردار است که شباهتهای رفتاری و خویشاوندی فکری حاکمان ایران با طرفهای مورد نقدشان را آشکار کرده و به معرض تماشا بگذارد.

چه، مُدل حُکومتی داعش، آنچه که در نُقاط تحت تصرّف خود به مثابه قانون و فرمانهای حاکمیتی به دست اجرا می‌گذارد و زیرساختهای ایدئولوژیک این رویکرد، با پراتیک روزانه دستگاه حاکم بر ایران و ساختار فکری شناخته شده آن نزدیکیهای زیادی دارد. این خطوط در پهنه نگاه به کرامت ذاتی انسانها، حُقوق فردی، زنان، کودکان، اقلیتها و جُز آن تا آنجا با یکدیگر همپوشانی دارد که می‌توان هر دوی آنها را شاخه های شیعه و سنی یک گرایش فکری یگانه به حساب آورد. سیستم آپارتاید و سرکوب رژیم ولایت فقیه با همان خُشونت و شدتی علیه دگراندیشان، پیروان ادیان یا گرایشهای دینی دیگر عمل می‌کند که داعش در مناطق به چنگ آورده اش در دستور کار دارد. دستگاه قهر رژیم ولایت فقیه همچون داعش ترور را به خیابانها، محلات، مراکز خرید، گردشگاه ها و کوه و بیابان کشانده و شکار و آزار دُختران، زنان، جوانان را به وظیفه روزانه و دایمی خود بدل کرده است.

فراتر از آن، این دو شاخه هم ساقه، مُدافع و مروج "اسلام سیاسی" و به بیان دیگر، تبدیل دین و دستورات شرعی به آیین دولت و تنظیم کننده ریز ترین زوایای حیات فردی یا اجتماعی "بندگان" هستند. هم آقایان حُمینی و خامنه ای و هم آقای ابوبکر البغدادی به صراحت خواهان برقراری حکومت الهی روی زمین هستند و در این جهت نیز با بُردن، شلاق زدن، سنگسار کردن، چشم درآوردن، به دار کشیدن و سر از تن جدا ساختن تلاشی خونبار و چندش آور را به پیش می‌برند.

آرزوها و اُفق سیاسی داعش، القاعده، الشباب، بوکوحرام و دیگر نمایندگان خود خوانده و وحشی شده آسمان بر زمین، همان ایده به واقعیت پیوسته جمهوری اسلامی و نظام دینی حاکم بر ایران است. مرزهایی که ویژگیها و شناسه های خلافت اسلامی حُمینی و خامنه ای را از خلافت اسلامی نوع ابوبکر البغدادی جدا می‌کند، بسیار باریک تر از آن است که هیولای فربه شده ای از خون و نکبت همچون رژیم ولایت فقیه بتواند روی آن بندبازی کند.

آقای اوباما شما هیچگونه صلاحیتی در عراق ندارید!

لیلا جدیدی

فراسوی خبر... شنبه ۳۱ خرداد

آقای اوباما از روی صندلی راحتی خود در کاخ سفید برای رژیم جمهوری اسلامی پیام می فرستد که با آمریکا پیرامون اوضاع عراق تنظیم رابطه کرده و "نقش سازنده" داشته باشد. دزد اولی از دزد دومی خواستار درستکاری شده! هیچیک از این دو که مسبب وضعیت کنونی عراق و به وجود آورنده آن هستند، صلاحیت این را ندارند که نقش ناجی در این کشور را بازی کنند.

بحران کنونی عراق، نخست نتیجه جنگ خانمان سوز آمریکا در این کشور و سپس جلوگیری از انتقال مسالمت آمیز و مدنی قدرت به اپوزیسیون سکولار و دمکراتیک که رای اکثریت را در انتخابات عراق به دست آورده بود است. گزینه آمریکا و جمهوری اسلامی به جای رای اکثریت مردم عراق، نشاندن نوری مالکی بر صندلی قدرت بود.

رئیس جمهور آمریکا از علاقمندی به حفظ ثبات بازار انرژی (نفت) می گوید و نگران به آشوب کشیدن بازار توسط تروریستهاست و با این وجود دست به سوی حامیان و جاده صاف کنهای تروریستها دراز کرده و می خواهد از آنها یاری و همکاری بگیرد.

آقای اوباما اگر نگران تروریسم است، به جای دعوت از جمهوری اسلامی، منشا اصلی تروریسم دولتی در منطقه، شر آن را از سر مردم عراق و سوریه کم کند. سیاست متناقض آمریکا به معنای تشدید بحران موجود و آفریدن بحرانهای تازه تر در منطقه است.

آقای اوباما با باز کردن کیسه تقسیم سهم برای همدست خود در بر پایی رژیم ظلم و ستم و تبعیض نوری مالکی، عدم صلاحیت اشغالگران و نفت دزدها برای خاتمه دادن به رنج و عذاب مردم جنگ زده عراق را به اثبات رسانده. رهایی عراق از وضعیت موجود هنگامی به وقوع خواهد پیوست که مردم این کشور بتوانند سرنوشت خودشان را بدون دخالت خارجی و مزدوران بومی آنها تعیین کنند. آقای اوباما اگر راست می گوید، برای ریشه کردن بحران از این پروسه سیاسی تحت نظارت سازمان ملل و نهادهای بی طرف بین المللی حمایت کند.

امریکا و جمهوری اسلامی مروج هرج و مرج، بی خانمانی، پراکندگی و از بین رفتن شان و حرمت و دوستی و همزیستی میان مردم عراق هستند. از این رو، از پیوند نقشه های ارتجاعی جمهوری اسلامی با سیاستهای امپریالیستی آمریکا هرگز "یکپارچگی" در این کشور زاییده نخواهد شد.

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز، دیدگاهها و رویدادهای

روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

شکست سیاست امپریالیسم و بزرگنمایی داعش

آناهیتا اردوان



خبر فتح شهر "موصل"، مرکز استان نینوا در شمال عراق، بزرگترین شهر بعد از بغداد، در روز سه شنبه ۱۰ ژوئن توسط شورشیان، در بحبوحه اعلام نهایی نتایج نمایش انتخاباتی و تشدید تضاد بین "حزب الدعوه" و احزاب سیاسی بر سر تقلبهای کلان توسط مالکی جهت غصب قدرت سیاسی، بحران پیچیده عراق را وارد مرحله بغرنج تری کرد و سرفصل نوینی را در روند تاریخی تحولات عراق، منطقه و جهان باز نمود. این رویداد، نقش مخرب و پیامدهای ناشی از سیاستهای امپریالیسم و استبداد ولایت فقیه در عراق و منطقه را بیشتر از پیش آشکار ساخت. براساس گزارش خبرگزاریها، شورشیان بنیادگرای مذهبی موسوم

به "داعش" بعد از موصل، شهر "تکریت" و بخشهایی از شمال کشور را نیز به تصرف در آورده اند. شبه نظامیان مزبور، در مرزهای شهر "تلعفر"، "بیجی" و بغداد در حال درگیری با نیروهای طرفدار دولت مرکزی عراق هستند. در هنگام نگرارش این مطلب، رسانه های جهانی از تشدید نبرد بین نیروهای "دولت اسلامی عراق و شام" (داعش) و نیروهای دولتی عراق از جمله شبه نظامیان شیعه بر سر پالایشگاه بیجی، بزرگترین پالایشگاه نفت عراق و فرودگاه شهر استراتژیک تلعفر خبر دادند.

تحولات اخیر عراق به اصلی ترین و مهمترین موضوع مورد بحث و مجادله محافل و نهادهای امپریالیستی، از هنگام سقوط سایگون، پایتخت ویتنام جنوبی به دست ارتش خلق ویتنام و جبهه آزادی ملی در تاریخ ۳۰ آوریل سال ۱۹۷۵ بدل گشته است. فروپاشی مفتضحانه ارتش نوری مالکی که توسط پنتاگون با خرج ۲۲ میلیارد دلار تشکیل، مسلح و طی یک دهه تعلیم و تربیت شد، نشان از شکست پروژه مداخله نظامی و انفجار مجموعه فرآیندها و سیاستهایی دارد که بیش از دو دهه بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱، توسط امپریالیسم آمریکا و همپیمانانش در عراق به مثابه کانون تشکیل "خاورمیانه بزرگ"، به جریان افتاد.

اکنون، نخبگان و مدافعان نظام سرمایه داری و تیوریسنهایی که از تصمیم تهاجم نظامی به عراق در سال ۲۰۰۳ تحت ادعای دروغین "صدور دموکراسی"، "مبارزه علیه تروریسم" و "انهدام تسلیحات کشتار جمعی" قاطعانه دفاع می کردند، انگشت اتهام را جهت لاپوشانی دلایل اصلی به سوی داعش نشانه گرفته اند. رویدادهای اخیر عراق، شکست تسلط سیاستهای نو - لیبرالیسم اقتصادی جهت افزایش سود و انباشت بیشتر سرمایه، انحصار منابع زیرزمینی نفت و گاز، تعیین و تنظیم دلخواه قیمت و میزان صدور نفت و در خاتمه حفظ و تثبیت تسلط امپریالیسم بر جهان که با حمله به عراق برای تشکیل "خاورمیانه بزرگ" آغاز گردید را آشکار ساخت. این شکست نشان داد که امپریالیسم قادر نیست پیوسته با

تاکتیک‌های همیشگی به چپاول نعمات مادی و معنوی کارگران و زحمتکشان کشورهای دیگر بپردازد. برخی مواقع شرایط دقیقاً عکس‌هدفی که سالها و دهه‌ها برایش سرمایه‌گذاری کرده‌اند و برخلاف ادعای بیسمارک مبنی بر اینکه "سرمایه داری منافعش را با آتش و دود به پیش می‌برد"، تغییر می‌کند.

یکی از نخستین استعاره‌های معروف جورج دبلیو بوش پس از حمله و اشغال کشور عراق، مثال دوچرخه و عراق بود. وی صدور دموکراسی را در عراق به آموزش دوچرخه‌سواری به کودکان تشبیه می‌کرد و گفت: "عراقیان درحال آموزش دوچرخه‌سواری و شما در حال تعلیم دوچرخه‌سواری به آنان هستید. ابتدا دو دستی پشت زین دوچرخه آنان را می‌گیرید، بعد یک دست، بعد دو انگشت و سپس یک انگشت به طوری که به سختی زین را لمس می‌کنید. در رابطه با صدور دموکراسی به عراق نیز همین‌گونه است؛ ما نمی‌دانیم چقدر زین دوچرخه آنان را می‌بایست نگاه داریم و در آینده چه گام‌هایی در این مسیر باید برداریم، این پرسش را نمی‌توانیم امروز به جهانیان پاسخ دهیم. ولی می‌توانیم بگوییم که آغاز خوبی داشتیم."

وقایع و رویدادهای اخیر عراق نشان می‌دهد که کلاس دوچرخه‌سواری مدعیان نظم نوین جهانی مختل گشته است. دولت دست‌نشانده آمریکا حتی قادر نشد قانون خصوصی سازی نفت و گاز عراق را برای حامیان خویش در پارلمان بقبولاند. اگرچه امپریالیسم از شکست‌هایش در تاریخ عبرت نمی‌گیرد و همواره تلاش می‌کند با تاکتیک دیگری، اهداف پیشین را دنبال کند، اما مبارزه ریشه‌دار و سازمان‌یافته مسلحانه خلق عراق، به ویژه جمعیت سنی مذهب که در برابر ساختار خودکامه مالکی و سیاست اشغالگران قد علم کرده، برخلاف تبلیغات مسموم و عوام‌فریبانه‌ای که این مبارزه را با قد و قامت داعش، به عنوان دستاویزی جهت راه‌اندازی مجدد کارناوال "مبارزه با تروریسم" اندازه می‌گیرد، پیش می‌رود.

داعش بازیچه دست امپریالیسم و رژیم ولایت فقیه

جارو جنجال دستگاه خبرپراکنی امپریالیستی و رژیم ارتجاعی ایران در بزرگنمایی داعش و نادیده گرفتن مبارزه بیش از دو سال شهروندان عراقی، مشابه عوام‌فریبی و ابهام‌سازی رسانه‌های مزبور در تبلیغ و ترویج پروژه ریاکارانه جنگ علیه "تسلیمات کشتار جمعی" در سال ۲۰۰۳ است. اینان تصمیم دارند تا با تلفیق فریبکارانه حقیقت و دروغ به اهداف مشخص دست یابند.

به بیان دیگر، اینکه داعش نیروی افراط‌گرای مذهبی و دارای ماهیتی تروریستی است، حقیقتی مشخص و معین است. اما، نیروی مزبور از آسمان به زمین نیفتاده، بلکه ریشه در "القاعده" به مثابه بخشی از مجموعه وسیعی از نیروهای بنیادگرای مذهبی دارد که توسط امپریالیسم آمریکا در طول جنگ سرد برای مقابله با کمونیزم بنیان‌نهاد شده. بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان رقابت دو اردوگاه شرق و غرب، به موازات حاکم شدن نو-لیبرالیسم بر مناسبات اقتصادی گلوبال، همکاری و همیاری قدرتهای جهان با دولت‌ها و گروه‌های بنیادگرای مذهبی شکل جدیدی پیدا کرد. بنیادگرایان مذهبی با ماهیت و ذات استثماری سرمایه‌داری تضاد بنیادی ندارند و خواستار تشکیل خلافت اسلامی و اجرای قوانین شریعت هستند.

این مساله پارادوکسی با خود حمل می‌نماید که در نافرمانی و سرپیچی گروه‌های مزبور از نظم نوین جهانی خود را نشان می‌دهد. از همین رو، طرف نزاع امپریالیسم، بعد از فروپاشی اتحاد شوروی "گروه‌های تروریستی اسلامی" است که امپریالیسم در دوران جنگ سرد آنها را خلق کرد.

عملکرد گروه بنیادگرای مذهبی موسوم به داعش در عراق نیز مانند رویکرد آن در سوریه می‌باشد که با گروه‌های دیگر اپوزیسیون می‌جنگد و از همین رو بطور غیرمستقیم در خدمت حفظ و تثبیت حکومت خودکامه بشار اسد قرار دارد. در مطلب "در دفاع از مارکسیسم" پیرامون تحولات عراق آمده است؛ "خبرنگاران مخالف رژیم سوریه به مزاح می‌گویند، هنگام حمله هوایی بشار اسد، بهترین و ایمن‌ترین مکان دفتر داعش است."

این طنز به خوبی ماهیت و عملکرد دوگانه داعش را بازگو می کند. نیروهای بنیادگرا از این دست، به سرعت به دستاویزی جهت پیشبرد منافع قدرتهای منطقه و جهان به ویژه رژیم استبدادی ولایت فقیه و آمریکا بدل می گردند. داعش به قدرتهای منطقه اجازه می دهد تا تحت واژه گل و گشاد و مبهم "مبارزه با تروریسم" با توسل به جنگ و سرکوب بر بحرانهای خودساخته غلبه کنند. در حقیقت، ابهام سازی مشترک رسانه های امپریالیستی، رژیم ولایت فقیه و دولت نوری مالکی در منحصر ساختن مبارزه به نیروی داعش کاملاً عمدی و هدفمند است. آنان با کارتی به نام "داعش"، حول یک محور یعنی سرکوب ددمنشانه قیام مسلحانه مردم عراق بازی می کنند. همسویی آمریکا با رژیم ولایت فقیه در عراق، و گسیل نیروهای سپاه قدس به عراق، به بهانه مبارزه با تروریسم، گواه همسویی نو - لیبرالیسم و رژیم ایران است که هر دو در تلاشند تا از «جنگ علیه تروریسم»، سود جویند تا بنیادهای محافظه کارانه خود را مستحکم سازند.

گذشت زمان و انتشار گزارشها و گفتگوهای تلویزیونی با شخصیتها و رهبران گروههای درگیر در مبارزه مسلحانه علیه ساختار خودکامه نوری مالکی، پرده از ابهام سازی پیرامون اختصاص مبارزه به داعش برگرفته است. در همین رابطه، "عبدالرحمن الراشد"، سردبیر "تلویزیون العربیه"، در مقاله ای مندرج در "الشرق الاوسط" نوشت: "داعش و القاعده در عراق حضور داشتند ولی عشایر "بیداری" آنان را در هم کوبیدند و ناپدید ساختند. عبدالستار ابوریشه اتحاد عشایر سنی عرب را به راه انداخت و شورای نجات الانبار را تاسیس کرد و تنها ظرف یکسال القاعده را که در استانهای سنی حضور داشتند، بیرون انداخت. القاعده توانست او را در سال ۲۰۰۷، ترور کند، اما اتحاد عشایر تا زمانی که آمریکاییها قدرت را به مالکی تحویل دادند، وجود داشت که مالکی به دلایل فرقه ای، دیگر حمایت دولت را از هزاران نفری که به صفوف "بیداری" پیوسته بودند قطع و آنها را در ارتش عراق منحل کرد! در این خلاء بود که چیزی به نام "داعش" خلق شد." آقای عبدالرحمن الراشد اضافه می کند که داعش در درگیریهای کنونی عراق حضور دارد، ولی نیروهای قیام کننده در اکثریتند و داعش بی تردید متحدی مطمئن برای مالکی و مانعی برابر انقلابیون عراق خواهد بود.

روزنامه آلمانی "فرانکفورتر آگمانیه" در گزارش تحلیلی نوشت: "در هجوم به شهرهای عراق داعش تنها نیست، بلکه سه گروه مهم سنی عراق برای نخستین بار با یکدیگر متحد شده اند."

"طارق الهاشمی"، معاون سابق و سنی المالکی که بعدها به طرفداری از تروریستها متهم و تحت تعقیب قرار گرفت و در ترکیه بسر می برد، قیام قبایل و مردم عراقی را "یک انقلاب علیه نوری مالکی و بخشی از بهار عربی" نامید.

به گزارش العربیه، "علامه دکتر رافع الرفاعی"، معروف به مفتی دیار عراق، در پیامی تلویزیونی درباره رویدادهای اخیر عراق گفت: "اینها داعش نیستند، اینها مردان آزاده ای هستند که از ظلم و ستم مالکی به ستوه آمدند. اما حکومت مالکی و همپیمانانش برای ایجاد اختلاف میان فرزندان شهرهای آزاد شده، به انقلابیون تهمت وابستگی به "داعش" و تروریسم می زند."

به گزارش وبگاه سازمان مجاهدین خلق ایران، "شیخ علی حاتم"، از رهبران مخالف نوری مالکی با اشاره به وجود رابطه بین داعش و نهاد دولت گفت: "در بین ما داعش وجود ندارد، ما عشایر هستیم و از روز اول هم گفتیم از داعش بیزاریم ولی هدف اصلی ما این است که استبداد مالکی را از بین ببریم و بعد می توانیم همانگونه که با داعش قبلاً جنگیدیم، بجنگیم."

شایان توجه است که مقاومت مردم عراق (به ویژه استانهای سنی نشین) نه به امروز و نه حتی به دو سال پیش بلکه به دوران اشغال عراق توسط آمریکا برمی گردد. "مایکل شوارتز"، جامعه شناس و نویسنده کتاب "جنگ بی پایان" می نویسد: "درک مردم عراق از چپاول و فریبکاری پیرامون صدور دموکراسی، به گسترش مبارزه علیه اشغالگران انجامید و هسته های پارتیزانی علیه اشغالگری را شکل داد."

او در همین کتاب پیرامون تشکیل هسته های چریکی در شهر فلوجه می نویسد: "عبدالله جنابی، از رهبران هسته های چریکی می گوید: بین مقاومت مردم عراق و تروریسم تفاوت فاحشی ست. ما خبرنگاران را تهدید نمی کنیم، ما پمپ بنزین و مراکز برق را منفجر نمی کنیم، ما علیه اشغال مبارزه می کنیم."

در همین رابطه روزنامه "تایمز"، ۱۲ ژوئن مصاحبه ای با یکی از شهروندان موصل را منتشر کرد که وی در آن می گوید: "وقتی شورشیان از هراس ما آگاه گشتند، به ما گفتند ما برای مبارزه با شما نیامدیم، ما اینجا هستیم تا با ارتش مالکی مبارزه کنیم."

مقایسه دو مثال بالا بیانگر رفتاری ست که با ماهیت "داعش" به هیچ وجه همخوانی ندارد.

دولت مستاصل مالکی بزرگترین مانع است

عراق نزدیک به ربع قرن به دلیل برخورداری از منابع غنی نفت، گاز و آب و جاذبه های ژئوپولیتیکی، گرفتار دخالت‌های نظامی - سیاسی امپریالیسم و ام القرای فساد حاکم بر تهران به همراه نیروهای ارتجاعی دست پروده آنها می باشد و در این مدت روی آرامش و ثبات را به خود ندیده است. در جریان دو جنگ خانمانسوز تحمیلی و تحریم اقتصادی، یک میلیون و نیم عراقی به قتل رسیدند تا یک سیستم فاسد امنیتی - نظامی و سکتاریستی به رهبری نوری مالکی برای تامین منافع استعماری سرمایه داری انحصاری به قدرت رسانده شود و بر پایه سیاست‌های کلان تعیین شده، جاده را با سرکوب مخالفان، اتخاذ سیاست‌های مذهبی فاشیستی و تصویب قوانین خصوصی سازی و ضد ملی و مردمی هموار نماید. تحولات اخیر عراق را نمی توان آنگونه که جهان نو - لیبرال در راستای پنهان سازی شکست سیاست صدور دموکراسی با توپ، تانک و بمبهای بیولوژیک و شیمیایی به جهانیان حُفته می کند، با حضور نیروی بنیادگرای داعش توضیح داد.

استدلال "جنگ فرقه ای" نیز دامی ست دیرینه که پیش از حمله نظامی ۲۰۰۳، جهت انحراف و جلوگیری از همه گیر شدن مبارزه علیه تجاوزگران و سیاست‌های نو - لیبرالیسم اقتصادی، روی میز طراحان پروژه خاورمیانه بزرگ قرار داشته است.

خانم "هایفا زنگنه"، نویسنده، پژوهشگر، هنرمند و فعال سیاسی عراقی در مطلبی مندرج در وبگاه "تحلیل سوسیالیستی"، سه سال بعد از حمله آمریکا به عراق در این رابطه چنین می نویسد: "تحمل و بردباری زیادی در جامعه عراق وجود دارد که اجازه همزیستی مسالمت آمیز بین اقوام و ملیتهای گوناگون را فراهم ساخته است. شمار جمعیت کرد در بغداد بیش از تعداد آن در شهرهای کردستان می باشد و اجتماعات شیعه نشین در سراسر عراق وجود دارند. یک چهارم جمعیت بصره، سنی هستند. تا هنگام حمله آمریکا، در تاریخ عراق به هیچ وجه جنگ فرقه ای وجود نداشته است، جنگ طبقاتی وجود داشته، ولی نه جنگ فرقه ای. جنگ فرقه ای توطیه ای کاملاً دست ساز اشغالگران است. آنها حتی قصد شکستن اجتماعات شیعه را دارند. عراق کشوری بنا شده بر اساس آپارتاید قومی و مذهبی نبود. جنگ فرقه ای پیش از حمله توسط "پاول برومر" طرح ریزی شد و سپس برای سرکوب مبارزه ای که از ابتدا علیه سیاست‌های آنان شکل گرفت، به کار گرفته شد. بیش از صد سال در کشور عراق جنگ فرقه ای وجود نداشت و پیشبرد چنین طرحی برای اشغالگران نیز بسیار مشکل است."

از همین رو، ریشه بحران اخیر عراق در ماهیت و عملکرد دولت مالکی، دست نشانده آمریکا و تحت فرمان رژیم استبدادی ولایت فقیه است که پاسخ بیش از دو سال مبارزه مردم عراق را با گلوله داغ، تجاوز، زندان و بشکه های انفجاری داد. مالکی تمام نهادهای مدنی، اتحادیه ها و تشکلهای کارگری را نابود ساخت، هیچکدام از بندهای قرارداد نشست اربیل از جمله تشکیل شورای ملی استراتژیک را بعد از رسیدن به قدرت اجرا نکرد. ساختار سیاسی، اجتماعات و حتی ارتش را به فرمان آمریکا بر پایه تقسیم بندی طایفی - عشیره ای بنا نهاد تا راه را برای تصویب سیاست‌های خصوصی سازی ارباب بزرگش باز کند. ساختار سیاسی خودکامه و سکتاریستی را بنیان نهاد که منافع رژیم ولایت فقیه و دستجات شبه نظامی را تامین می کرد. تمام نمایندگان که از مبارزات مردم دفاع کردند را تهدید نمود، به زندان انداخت و تحت وحشیانه ترین شکنجه ها قرار داد. مبارزه مسالمت آمیز جمعیت سنی نشین گرد آمده در میدانهای شهرهای کشور را با سرب داغ پاسخ داد و ماههای متمادی به بمباران شهر "فلوجه" و "رمادی" واقع در استان "الانبار" به بهانه مبارزه با تروریسم مبادرت ورزید. این در حالی بود که بیش از ۳۵ درصد مردم عراق زیر خط فقر بسر می برند که نشان از رشد فزاینده سالانه فقر در کشور دارد. (اخبار اقتصادی عراق، ۵ مارس ۲۰۱۴)

به گزارش رادیو "صوت الاخبار"، ۲۲ آوریل، براساس گزارش مرکز انرژی جهانی در ماه مارس ۲۰۱۴، تولید نفت عراق با ۳.۶۲ میلیون بشکه در روز، به بالاترین میزان از سال ۱۹۷۹ رسیده بود. مالکی در حالی به خاطر افزایش تولید و فروش ذخایر نفتی باد به غنغ می انداخت که فقر، گرسنگی و دیگر معضلات اجتماعی در عراق به دلیل سوومدیریت و چپاول ثروت کشور توسط وی و حامیانش در منطقه بیداد می کرد. مجموعه اقدامهای سیاسی و اقتصادی نوری مالکی در انحصار قدرت و ثروت، عراق را به ورطه نابودی کشاند و ثروتی که از فروش نفت کشور به دست می آید را بیش از هر چیز صرف تثبیت و حفظ پایه های حکومت خودکامه ای کرد که زندگی محروم ترین طبقات و اقشار جامعه را ویران ساخت. در چنین شرایطی بود که شهروندان عراقی به مقاومت مسلحانه روی آوردند و "شورای نظامی عشایر" تاسیس گردید. نارضایتی مردم با شدتی هر چه بیشتر نمایان می شد و زمانی فرا رسید که مقاومت در شکل پیکار به بار نشیند. بحرانی که امروز دامنگیر عراق شده، پیامد سیاستهای ضد ملی و ضد مردمی حکومت مالکی است و بنابراین راه برون رفت از آن، از مسیر سرنگونی مالکی و دستگاهش و تشکیل یک دولت کثرت گرایی می گذرد که به حقوق تمام خلقها و اقوام گوناگون عراق احترام گذاشته و دست اشغالگران، به ویژه رژیم ولایت فقیه که مثل اژدهای آتش دم در عراق و منطقه با فلسفهای خونین، دم می کوبد را کوتاه سازد.

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.co

رویدادهای چند وجهی عراق

شهره صابری

پیچیدگی اوضاع جهان در حدی است که اظهار نظر قطعی را با مشکل و تناقض روبرو می کند. سکوت آمریکا در برابر پیش آمدهای اخیر عراق، دستپاچگی روسیه در برابر تصمیم آمریکا در عراق، اعزام نیروهای رژیم ایران به عراق، مذاکرات اخیر رژیم ایران و آمریکا، حاکمیت فاشیستی در اوکراین و عقب نشینی روسیه از مواضع پیشین خود، همه پر از ابهام است.

با سقوط موصل منطقه ی تحت تسلط دولت اسلامی در عراق و شام (داعش) به وسعت ۳۸ هزار کیلومتر مربع و جمعیت تقریباً ۳ و نیم میلیون تن رسیده است. موصل به دلیل موقعیت جغرافیایی که دارد نقش ویژه ای برای رسیدن داعش به بغداد ایفا می کند. آنها قادر هستند از موصل به شمال بغداد به غرب از فلوجه و رمادی و از دیالی به شرق بغداد بروند و از طریق مناطق موجود در سوریه قلمرویی از شام تا عراق را تصرف کنند.

اکنون آمریکا بازگشت ارتش به عراق را بسیار دور می بیند و تنها فرستادن چند مستشار به عراق برای حل مشکلات را کافی می داند و ممکن است در نهایت امر عزمی دیگر کند که به نظر می آید جدیتی بیش از عزم قبلی در کار نباشد. البته جنگهای امپریالیستی رنگ و لعاب پیشین خود را حفظ کرده تفاوت چندانی نکرده و لیبرالیسم سیستم چندان بازی هم نیست. مضحکه های پست مدرن هم معلق و در خارج از میدان جاذبه ی زمین اسباب خوشی اربابان زور و سرمایه را فراهم می کند.

پیشنهاد اوباما به دوستان تازه به دولت رسیده ی رژیم ایران این بود که با حفظ آرامش، دولتی مناسب احوال عراق در نظر گیرند. اما آمریکا به مالکی پیام داده که در صورت استعفا از سمت خود، به عراق برای مبارزه با بحران کنونی کمک خواهد رساند. این پیشنهاد را مالکی تا کنون رد کرده است. همزمان رژیم ایران تمام توان خود را برای جلوگیری از سقوط مالکی به کار بسته تا شاید بتواند منافعش را در سوریه و عراق حفظ کند. روسیه هم هرگونه تصمیم گیری آمریکا را به شورای امنیت حواله داده است که شاید با استفاده از حق وتو حرکت آمریکا را مهار کند.

این رویدادها نشان می دهد که حاکمیت ایران ورای جناح بندیهای موجود ماهیتی ناخوانا با منافع امپریالیسم آمریکا دارد و باند دلالت‌های حکومتی در پی قدرت طلبی و سود و زیان خود است و سازش با جهان نفی ماهیت رژیم و شکست را در پی خواهد داشت. چنانچه اوباما عکس العمل خونسردانه ای را نسبت به اوضاع عراق نشان داده است. در این شرایط پیشنهاد همکاری آمریکا به ایران آنهم در نهایت امر و با شرایط ویژه پیشنهادی مزورانه و خنده آور از سوی آمریکاست.

اما در اینجا تقلیل عوامل به وجود آورنده ی شرایط کنونی عراق به جنگهای امپریالیستی، چشم پوشی از دیگر عوامل دخیل و همچنین چشم پوشی از خصلت دیالکتیکی تاریخ است. چشم پوشی از عامل اصلی پیشرفت جوامع و به وجود آورنده روحیه ی ملتی به طور تاریخی یعنی روابط اقتصادی و وضع نیروهای تولید است. حقوق اجتماعی، نظم دولتی و اخلاق هر یک از اقوام نتیجه ی مستقیم و بلاواسطه ی روابط اقتصادی ویژه همان قوم است. موضوع حائز اهمیت این است که در هر زمان معین بین طبقات مختلف یک اجتماع معین، احساسات و افکار به خصوصی رواج دارد و این نتیجه ی روابط اجتماعی است. (نقل به مضمون از پلخائف، تاریخ از نظر فلسفه ی مادی)

مردم عراق چندان میلی برای مقابله با داعش ندارند. در عراق که مدرنیزاسیون بسیار کند پیش رفته، هرگز ملتی واحد پدید نیامد و عراق بعد از صدام نتوانست به ارتشی منسجم دست پیدا کند و نیروهای ارتش تشکیل شده از عشایر و بادیه نشینان عراق هر یک ایدئولوژی مربوط را داشته و در عمل با یکدیگر اتحاد ندارند. همینطور رژیمهای سرمایه داری حامی تروریسم به تفرقه افکنی در عراق دامن زده اند. البته شکل گیری ملت واحد و جنبش آن به سمت مواضع خلقی دارای خصلتی دیالکتیکی است، گاهی در پس مواضع ناسیونالیستی منافع خلقی و گاهی هم عکس آن یعنی منافع امپریالیستی نهفته است. در عراق وجود سلسله مراتب خویشاوندی و سازمان اجتماعی مبتنی بر ویژگیهای نژادی و زبانی باعث جنگهای قومی و قبیله ای می شود که پایه ای برای سیاست ورزیهای امپریالیستی است و از این جخت از هم گسیختن ارتش متشکل از این عشایر و اقوام و بادیه نشینان جای تعجب ندارد.

محدودیت جغرافیای فرهنگی بین اقوام عراق و عقب ماندگی تاریخی و ایدئولوژی مربوط به اقوام مختلف همه در وابستگی به هم هستند. ایستایی فرهنگی و قوم گرایی در عراق سبب ساز دشمن پنداری در اقوام شده و مانع از عمل متحدانه است. هم چنین جدال کردها با نوری مالکی و مخالفت بارزانی با قدرت گرفتن نوری مالکی از دیگر عواملی است که کردستان را در مورد مداخله در اوضاع عراق و حمایت از مرید خامنه ای بی طرف می گذارد. پیش از این بارزانی از دریافت تسلیحات نظامی توسط نوری مالکی ابراز نگرانی کرده بود و آمریکا اکنون شرط اساسی برای کمک به عراق را کناره گیری مالکی می داند.

در هر حال نمی توان اظهار نظر قطعی کرد که در پس جریانهای اخیر در عراق چه می گذرد؟ هر دولت یا قدرتی می تواند به اقدامات تروریستی دست زند. اما مردم قربانیان اصلی این سناریو هستند.

دیدگاه برخی از مخالفان نوری المالکی و مرزبندی آنان با داعش

بخشی از پیام شیخ علی حاتم امیر عشایر الدلیم (عراق) و سفارشهای او به نیروهای انقلابی

منبع: تلویزیون التغيير چهارشنبه ۲۱ خرداد ۱۳۹۳ (۱۱ ژوئن ۲۰۱۴)

در مسیر آزاد سازی عراق از فرقه گرایان و قاتلان و تروریسم در تمامی اشکالش. یکم . حفاظت از پاکیزگی این انقلاب و تمسک به اصول دین حنیف و اخلاق حضرت رسول محمد بن عبدالله (ص) که در وصیتش به فرماندهان نظامی اش گفت؛ کودکان و پیران و زنان و بیماران را مورد آزار و اذیت قرار ندهید، درختی را قطع نکنید. به مردی که به صورت لفظی متعهد می شود چیزی را تحمیل نکنید. با کسانی که بر شما ظلم کرده و اموالتان را بسرقت بردند بجنگید و این باختصار حفاظت از جان همه شهروندان غیر نظامی و اموال عام و خاص و حفاظت از وحدت کلمه و اجتناب از فتنه انگیزی است.

دوم - عفو همه سربازان و کارمندانی که مالکی آنها را مجبور به جنگ طائفه‌گرانه کرده است. هدف از آن شعله‌ور کردن فتنه در بین مردم کشور واحد است. و عدم کشتار و اذیت کارکنان دستگاه‌های امنیتی و دوری گزیدن از روح انتقام‌گیری و فراهم کردن امکانات برای رفتن آنها به نزد خانواده هایشان، چرا که آنها هم فرزندان مردم شما و فرزندان عشایر تان هستند، چرا که برادران شما در استان الانبار از روز اول این اخلاق آنها بوده است.

سوم - به شما سفارش می‌کنیم که به هیچ شکلی از تروریسم اجازه ندهید تا چهره درخشان این انقلاب را خراب کند، چرا که مالکی و کسانی که با او هستند قصد آن را دارند که به این انقلاب جامه تروریسم بپوشانند.

چهارم - از همه نفرات دستگاه‌های امنیتی شریف و شجاعی که سلاح‌هایشان بر روی مردم نینوا و سایر مناطق بپاخاسته آتش باز نکرد تشکر می‌کنیم و بر ماست که به آنها به خاطر این موضع شجاعانه و جوانمردانه و ملی‌شان پاداش دهیم.

پنجم - پیام ما به علمای دین و برخی علمای دین که فتوا به مبارزه با داعش دادند این است که فقط در نقطه داعش نایستند، بلکه به آن شبه نظامیان طائفی دولتی را نیز اضافه کنند. همان کسانی که مساجد را ویران کردند و به آتش کشیدند، ائمه این مساجد را کشتند و اجساد نمازگزاران را بعد از کشتن آنها، به آتش کشیدند و همه کشتارهایی را که این شبه نظامیان مرتکب شدند.

ششم - بر همه جریان‌های سیاسی است که فوراً مالکی را بر کنار کنند و یک دولت موقت برای نجات آن چه از عراق باقی مانده تشکیل دهند. در صورتی که بر عکس آن عمل کنند، مسئولیت هر آن چه که در روزهای آینده به وقوع می‌پیوندد را برعهده خواهند داشت و شما مسئول از بین رفتن عراق خواهید بود. کما این که پارلمان را از تأیید خواسته مالکی که روز گذشته برای اعلان وضعیت فوق‌العاده فراخوان داد برحذر می‌داریم، چرا که او با این خواسته درصدد کشتار جمعی استان‌هایمان و قتل و ترور اهالی آن و باقی ماندن در رأس حکومت تا بی‌نهایت است. به ویژه این که عمر این پارلمان در آستانه اتمام است. و در نهایت از جامعه بین‌المللی و شورای امنیت، اتحادیه اروپا و جامعه عرب و شورای همکاری خلیج خواستار آن هستیم که بر ضد سیاست‌های مالکی و مشی فرقه‌گرایانه و خون‌ریزانه او بایستند چیزی که هدف از آن قرار دارد کشتار همه مردم عراق است. و به ویژه شش استان ما. از کشورهایی که مالکی را با سلاح و مهمات مورد حمایت قرار می‌دهند می‌خواهیم که این کمک رسانی را متوقف سازند چرا که مالکی این سلاح‌ها را علیه کسانی که عراقیان را می‌کشند مورد استفاده قرار نمی‌دهد، بلکه با آنها اهالی استان‌های ما را می‌کشد و در آخر به صورت مختصر می‌گوییم که اهالی عشایر از شوراهای نظامی و انقلابیون عشایر کاملاً آماده هستند تا پرونده امنیتی استان‌هایی که دولت مدعی است به دست تروریست‌ها ساقط شده را به دست گیرند و برای همه یادآوری می‌کنیم که انقلابمان از روز اول برای باز پس‌گیری حقوق و نه برای انتقام بوده و به همه کسانی که نفوذی هستند و به بهانه انقلابیون و یا شوراهای نظامی هشدار می‌دهیم کسانی هستند که تلاش می‌کنند در این انقلاب رخنه کنند و در چشم جهانیان این انقلاب را به عنوان کسانی که داعش هستند نشان دهند.

همه بر سر عدم همکاری و اجازه ندادن به داعش یا غیر داعش توافق دارند اما هم‌چنین از عراقیان می‌خواهیم که شبه نظامیانی که زشت‌ترین جنایات را انجام داده‌اند را فراموش نکنند و لذا ما با تمام صراحت می‌گوییم که آماده همکاری با مردم عراق هستیم به این شرط که به شبه نظامیان دولتی اجازه داده نشود باقی بمانند و خون و جان عراقیان را پایمال کنند. مسئول پرونده امنیتی باید از فرزندان مردم عراق و نه دولت مالکی که خودش تروریسم را آورده است باشد. به همه یادآوری می‌کنیم که ما از روز اول بر اساس حقوق سلب شده قیام کردیم و نه بر اساس سیاست انتقام و السلام علیکم ورحمه الله وبرکاته.

به رادیو پیشگام در آدرس زیر گوش کنید

www.radiopishgam.com

گفتگو با شیخ عبدالقادر نائل در مورد تشکیل دولت نجات ملی

منبع: تلویزیون التغيير چهار شنبه ۲۱ خرداد ۱۳۹۳ (۱۱ ژوئن ۲۰۱۴)

سؤال: روز گذشته استان نینوا توسط نیروهای مسلح از دست دولت درآمد و امروز هم استان صلاح‌الدین بود، شما در انبار این مسأله را چگونه تفسیر می‌کنید؟

شیخ عبدالقادر نائل یکی از شیوخ و شخصیت‌های شهر رمادی: کلام را تصحیح کنم که از دست دولت و شبه نظامیان آزاد شد و امروز هم به موصلیها تبریک می‌گوییم، امروز شما در امنیت هستید، فراموش کنید که در آن جا بسته های انفجاری بود و اسلحه صدافه کن و بازداشتها. امروز صلاح‌الدین آزاد می‌شود و به کاروان می‌پیوندد، بسته های چسبیده و خودروهای انفجاری و سلاحهای صدا خفه کن از آن دور می‌شود و شهروندان در آرامش خواهند خوابید، و خواب حملات شبانه ای را که شبه نظامیان و جنایتکاران مالکی که به جنایت عادت کرده بودند و به آن دست می‌زدند، نخواهند دید. انبار امروز غرش شیر را سر خواهد داد و هم‌چنین فلوجه. در عامریه ارتش مقرش را تحویل داد و عامریه هم به کاروان پیوست و امروز فلاحات تحت کنترل کامل درآمد، انقلابیون برق فلوجه را مجدداً وصل کردند. الان مذاکراتی با ارتش در اتوبان صقلایوه در جریان است. منطقه قادسیه و کیلومتر ۵ در استان تاملیم آزاد شده و تحت کنترل کامل انقلابیون درآمد است. ارتش مالکی و هم‌پیمانان خیانتکار نمی‌توانند با انواع هلی‌کوپترهایشان در این منطقه پرواز داشته باشند، چرا که آتش سلاحهای ضد هوایی در نزدیکی تیپ هشتم وجود دارد. امروز پادگانی که معروف به پادگان الهایس بود تمام شده است و او و خانواده اش به خارج از عراق گریخته اند، امروز اتوبان تحت کنترل قرار گرفت و انبار شاهد آزادسازی کامل خواهد بود چرا که کمر ارتش مالکی درهم شکسته است. آزادی در پیش است و عراقیان از دست شبه نظامیان مالکی به زودی آزاد خواهند شد و دیر یا زود عراق به این نعمت دست خواهد یافت و به دوران خودش و به دوران قدرتش باز خواهد گشت، ارتش ملی واقعی، ارتشی که از شهروندان دفاع می‌کند و به آنها حمله‌ور نمی‌شود را باز سازی می‌کند.

سؤال: شیخ عبدالقادر شما گفتید که نیروهای امنیتی در عامریه فلوجه و فلاحات خودشان را تسلیم کردند. آیا این به این معنا است که انقلابیون عشایر آنها را به عنوان اسرا در بازداشت نگه داشته‌اند؟ یا این که نیروهای امنیتی سلاح و تجهیزاتشان را مانند صلاح‌الدین و نینوا رها کرده‌اند؟

عبدالقادر: تعدادی از سلاحهایشان را در ازای گرفتن لباسهای غیر نظامی رها کرده و به مردم تحویل داده اند و در مواردی نیز فروخته اند، انقلابیون عشایر مقرر کرده اند که هرکسی که سلاحش و جنگ را ترک کند اسیر نخواهد بود. اما اگر کسی به جنگ ادامه دهد سلاحهای انقلابیون ابداً به او رحم نخواهند کرد. انقلابیون طرحهایی دارند. من از کانال شما برای اولین بار می‌گویم، امروز مردان قورباغه ای وابسته به شورای انقلابیون عشایر در نهر فرات هستند و جنگ در نهر علیه ارتش مالکی ادامه خواهد یافت...هیچ تانک و زرهی و توپخانه ای به بغداد برنخواهد گشت و همه آنها به غنیمت گرفته خواهند شد تا این که از انبار و از مرزهای عراق دفاع کنند. تا بعد از این که ارتش عراق از دست مالکی و شبه نظامیان و مزدورانش که بعد از ۲۰۰۳ به عراق آمده اند و اشغالگر آمریکایی آنها را آورد، رها شد مجدداً به ارتش تحویل داده شوند.

سؤال: شما به بعضی از مناطق اشاره کردید که تحت کنترل انقلابیون درآمد است، مناطقی که هنوز نیروهای دولتی بر آن در استان الانبار تسلط دارند کجاست؟

عبدالقادر نائل: نیروهای دولتی فقط بر تیپ هشتم تسلط دارند. به جز بعضی اماکن در منطقه غربی در بغدادیه بر هیچ نقطه دیگری کنترل ندارند. طرحی برای غالب شدن بر این مناطق نیز وجود دارد...و به همین خاطر تمامی واحدهای انقلابیون هم چنان در آماده باش درجه یک هستند. عملیاتی نیز در داخل مناطقی که شوراهای بیداری قرار دارند انجام خواهد شد و این آخرین فراخوان به بیداریها و پلیس است. این اماکن را ترک کنید و به سمت خانواده هایتان و کودکانتان

و همسرانتان بروید چرا که انقلابیون وارد این مناطق شده و از خارج آن نیز عملیات نظامی خونین و بسیار شدیدی خواهد بود.

سوال: امیر عشایر دلیم الشیخ علی حاتم امروز در بیانیه ای خواهان این شد که عشایر از اموال مردم و جانهایشان حفاظت نمایند، هم‌چنین خواستار این شد که عملیات انتقام‌گیری و کشتار نیروهای امنیتی و یا وابستگان به آنها انجام نشود و نیز تعدادی خواسته دیگر را مطرح نمود، اما خواسته اول و آخر او این بود که سیاسیها مالکی را برکنار کرده و یک دولت نجات ملی برای عراق تشکیل دهند، شورای عشایر چه پاسخی به این خواسته دارد و با آن چگونه رفتار خواهید کرد اگر دولت نجات ملی عراق تشکیل شود؟

عبدالقادر النایل: شکی نیست که در چنین دولتی سران عشایر و فرماندهان امنیتی که وابسته به اشغالگر آمریکایی نیستند و کسانی هستند که دستهایشان به خون عراقیان آلوده نشده و نیز تکنوکراتها و متخصصان عراقی حضور خواهند داشت. بایستی جلسه ای از عقلای عراقی باشد، بر عقلای عراق و مراجع دینی بالا از تمامی مذاهب موجود در عراق بایستی در این جلسه باشند و در این جلسه است که دولت نجات ملی تشکیل خواهد شد، این دولت یک دولت تکنوکرات عراقی را به دور از مذهب و طایفی بودن و نیز به دور از حزب‌گرایی و سمت‌گراییها نمایندگی خواهد کرد..... به مدت دو سال، تا این که توسط آن انتخاباتی سالم برگزار شود و یک سقف زمانی نیز برای آن در نظر گرفته شود.

سوال: شما به یک دولت تکنوکرات اشاره می‌کنید و دولتی مستقل و به دور از احزاب که به مدت دو سال عراق را اداره نماید تا این که امنیت و خدمات را برگرداند و بسیاری از خواسته‌های دیگر، آیا شما فکر می‌کنید که دو سال برای اینکار با توجه به آن چه که در عراق روی داده کافی است؟

عبدالقادر النایل: من تأکید می‌کنم و با کمال اطمینان می‌گویم با آن چه که در صحنه شاهد آن هستیم ما می‌توانیم، زیرا که ما یک ارگان امنیتی بزرگ داریم که به دلیل قوانینی که بعد از اشغالگری وضع شد منحل شد، ما ارگان اطلاعاتی داریم که دنیا از آن در وحشت بود، ما تمامی فرمانده‌های نظامی را داریم که دارای این صلاحیت هستند که یک ارتش عقایدی را تاسیس کنند که از عراق دفاع کند و آنها دارای تجاربی در دفاع از امت عرب هستند، هنوز هم پیکرهای شهدای ارتش عراق که در جنگ با اسرائیل به شهادت رسیدند هنوز هم در سوریه وجود دارند هم‌چنین در مصر، ارتش عراق یک ارتش عقایدی بود و لذا مطمئن باشید که فرمانده‌های نظامی در طی دو سال خواهند توانست امنیت را برگردانند و ارتش واقعی را تاسیس نمایند.

مفتی عراق با حمایت از آزاد سازی موصل، داعش را تروریست خواند

منبع: العربیه نت، فارسی جمعه ۲۳ خرداد ۱۳۹۳ (۱۳ ژوئن ۲۰۱۴)

علامه دکتر رافع الرفاعی، معروف به مفتی دیار عراق روز جمعه ۲۳ خرداد ۱۳۹۳ در یک پیام تلویزیونی در باره رویدادهای اخیر عراق گفت: «جای تعجب و شگفتی است "انقلابیون آزاده" را به وابستگی به گروه‌های تروریستی مثل داعش متهم کنند.»

وی افزود: «اینها داعش نیستند، اینها آزاده مردانی هستند که از ظلم و ستم مالکی به ستوه آمدند، اما حکومت مالکی و همپیمانانش برای ایجاد اختلاف میان فرزندان شهرهای آزاد شده و انقلابیون تهمت وابستگی به "داعش" و تروریسم را به آنها می‌زنند.»

مفتی دیار عراق، آزاد سازی موصل، تکریت و محاصره کرکوک را مبارزه برای رهایی ملت عراق به ویژه سنیها از ظلم و ستم مالکی توصیف کرد.

علامه رافعی "داعش" را یک گروه تروریستی خواند اما در عین حال از جوانان شهرهای عراق خواست که به مبارزان مسلح عشایر کمک کنند تا کشور را از "ظلم مالکی" رها سازند.

مفتی عراق از کسانی که اسلحه شان را تسلیم انقلابیون کردند تشکر کرد. وی خطاب به آنها گفت: «این انقلابیون برادران شما هستند و هیچگونه گرایش فرقه ای ندارند و به هیچ یک از اماکن مقدس شیعه یا سنی و یا مسیحی تعدی نخواهند کرد.»

شیخ علی حاتم سلیمان امیر عشایر الدلیم: داعش ساخت ایران است

تلویزیون العربیه الحدث شنبه ۲۴ خرداد ۱۳۹۳ (۱۴ ژوئن ۲۰۱۴)

همه می دانند که وقتی عشایر الانبار و مشخصاً رمادی شروع کردند، داعشی وجود نداشت. بلکه عشایر بودند که برای به دست آوردن حقوق حقه خود قیام کردند. من به صراحت می گویم که عشایر هرگز تا زمان سقوط بت مالکی یا دیکتاتوری مالکی متوقف نخواهند شد. ما خواهان حقوق خود هستیم، ما برای انتقام نیامده ایم. در ضمن داعش عبارت از تعدادی از افراد هستند، داعش ترکیب اجتماعی نیست در این یا آن منطقه داعش ممکن است به صورتی وجود داشته باشد، اما این طور نیست که داعش بتواند این شهرها را تسخیر کند. تمامی فرماندهیهای نظامی و لشکرها و تیپها مناطق خود را رها کرده و فرار کردند. بنابراین تأکید می کنم که انقلاب ما یک انقلاب پاک باقی خواهد ماند ما دارای هدف هستیم المالکی نمی تواند ما را به این سمت براند که با داعش بجنگید تا ثابت کنید عراقی هستید. جنگ با داعش مسئولیت مالکی و ارگانهای امنیتی شکست خورده است و ما اجازه نمی دهیم که مالکی بیاید سنیها و فرماندهیهای عشایری را تحت بهانه تروریسم تعقیب کند.

مجری: چند درصد از افراد داعش در بین صفوف شما هستند؟

شیخ علی حاتم: ما در بین خودمان داعش نداریم تا بتوانم درصد بدهم که چند درصد در بین ما داعش هستند، ما عشایر هستیم و از روز اول هم گفتیم که جنگ تمام نخواهد شد و اجازه نخواهیم داد که مالکی در سرزمینهای ما بماند، به صراحت بگویم که بین داعش و ارگانهای دولتی ارتباط وجود دارد. در خود رمادی دلایل زیادی در این مورد هست. در شهری که تماماً محاصره بود آنها با خودروهای مشخص آمدند برخی از آنها لباس نظامی داشتند. این را ما همه می دانیم که داعش به چه طرفی وابسته است، داعش ساخت ایران است و در نتیجه دولت می خواهد از آن به عنوان بهانه مبارزه با تروریسم استفاده کند در حالی که تروریسم حقیقی در عراق همان تروریسم مالکی است. ما در مقابل خدا و مردم دنیا از داعش بیزاریم جسته ایم. هدف اساسی ما این است که استبداد مالکی را از بین ببریم و بعد می توانیم با داعش همان گونه که قبلاً جنگیده ایم بجنگیم.

مجری: امروز چه کسی بر موصل کنترل دارد؟

شیخ علی حاتم: من فکر می کنم که شوراهای نظامی اطلاعیه رسمی داده اند و فرماندهی انقلابیون عشایر در همین رابطه اطلاعیه های رسمی داده اند. داعش و پرچمهای طائفی که الان بلند کرده است مثل آن چه که در سوریه اتفاق افتاد است. این به خاطر مخدوش کردن جنبش است و مالکی لباس سیاه می پوشاند و می گوید که این سیطره سیطره داعش است. در حالی که این طور نیست بیش از دو میلیون عراقی در موصل هست. آیا معقول است که داعش بتواند بر موصل کنترل داشته باشد؟ داعش در برخی مناطق تحصیل حاصل است ظاهر می شود و برخی کلیپها را پر می کند و رژه می رود، این برای ما مهم نیست. ما تلاشهایمان را متمرکز کرده ایم که انقلابمان را در مکانی که انشاءالله می خواهیم به آن برسیم کامل کنیم حل مسأله داعش بسیار ساده است.

مجری: مشخصاً در کدام مناطق داعش است؟

شیخ علی حاتم: در برخی مناطق ساده در استانها هستند ولی انقلابیون شامل انقلابیون عشایر و شوراهای نظامی و گروههای مقاومت اولیه و افسران ارتش سابق هستند همه اینها تحرک دارند این کلام که چهار استان به وسیله عشایر سقوط کرده است و بعد صحبت از داعش می‌شود، این داعش کجاست؟ توان نظامی آن در روی زمین چقدر است؟ یعنی موصل دومین شهر بزرگ عراق در طی یک روز بوسیله داعش سقوط کرده است؟

مجری: من از کلام شما می‌فهمم که انقلابیون بر شهرهایی که سقوط کرده است کنترل دارند؟

شیخ علی حاتم: من هم در تلویزیون شما و هم بقیه تلویزیونها گفته‌ام؛ آن نیروئی که دائماً نیرویش در حال افزایش است انقلابیون عشایر هستند این جنگ تمام نمی‌شود، اینها اهل حقوق خودشان هستند. ما قبلاً هم وقتی که مالکی گفت با تروریسم بجنگید، ما به وی نامه نوشتیم و گفتیم که این ساده است اول ارتش خودت را از استان بیرون ببر ما بقیه را ساقط می‌کنیم به شرط این که هیچ کنترل نظامی از نیروهای مالکی در استان وجود نداشته باشد. شما در روزهای آینده خواهید دید که مالکی چهره واقعی خودش را بیشتر نشان خواهد داد. مالکی می‌خواهد که استانهایی را که ضد طغیان او قیام کردند، له کند و بنابراین می‌خواهد ما را با نام تروریسم بخوایم یا نخواهیم در برابر جامعه بین‌المللی و کشورهای همسایه قرار دهد و ما حق داریم که از حقوق خودمان دفاع کنیم. یکسال ما در خیابان بودیم و خواستار حقوق خودمان بودیم و بعد راه حل نظامی را که مالکی شروع کرد به این جا رسید که می‌بینید

مجری: شما گفتید که این انقلاب را به صورت نظامی کامل خواهید کرد تا به حقوق خود رسیده و حتماً مالکی را سرنگون خواهید کرد این به معنای این است که شما در روزهای آینده به سمت بغداد خواهید رفت؟

شیخ علی حاتم: من اول همه را مطمئن کنم. اولاً ما مراجع شیعی را فرا می‌خوانیم که سخنان عاقلانه و آرامبخش بگویند، ما جنگ طائفی نداریم و به خودمان اجازه نمی‌دهیم که این کار را بکنیم. هزاران تن از سربازان را که گرفتیم آزاد گذاشتیم و آنان را اسیر نگرفتیم، بلکه به عنوان برادر با آنان برخورد کردیم و آنان را آزاد کردیم. داعش که کسی را آزاد نمی‌کند. ثانیاً مناطقی را که گرفته ایم می‌خواهیم از شر برخی ارگانهای امنیتی فاسد پاکسازی کنیم. من به صراحت می‌گویم که نیروهای سوات ایرانی وجود دارند، مؤسسات نظامی همه از افراد شبه نظامی هستند که وارد این مؤسسات کرده اند به صراحت بگویم که هدف عملی ما سقوط مالکی است، هدف ما اشغال بغداد نیست متأسفانه تبلیغات دولتی می‌گوید که داعش می‌آید و بغداد را می‌گیرد. خیر چنین نیست هدف اول و آخر ما سقوط مالکی است.

مجری: شما نمی‌توانید مالکی را ساقط کنید و الان می‌گوئید که نمی‌خواهید او را به صورت نظامی ساقط کنید پس چگونه او را ساقط خواهید کرد؟

شیخ علی حاتم: خیر خیر ما تلاشی نکرده ایم که او را به شکل سیاسی ساقط کنیم، ما ارتباطی با روند سیاسی نداریم. برخی افراد خائن سیاسی سنی هستند که با مالکی رفته اند، این به معنای آن نیست که قادر به اسقاط او نیستیم ولی آن چه که سیاسیون از انجام آن عاجزند را عشایر انجام خواهند داد. ما به صورت نظامی او را ساقط می‌کنیم، ما به او گفته ایم که مالکی نمی‌تواند در سرزمین ما پایداری کند، او گفت که یکماهه تمام می‌شود، به هر حال ما می‌توانیم او را به شکل نظامی ساقط کنیم و به انتظار روزهای آینده خواهیم بود.

مجری: چگونه شما او را به شکل نظامی ساقط خواهید کرد؟

شیخ علی حاتم: وقتی مالکی ۱۴ لشکر به الانبار فرستاد خداوند سبحان او را به خواری افکند و در نتیجه از دور خارج شد و بقیه استانها نیز وقتی شروع کردند خیلی ساده شروع کردند. الان روی زمین مالکی توان نظامی برای مقابله ندارد. موضوع بعدی این است که هدف ما اشغال بغداد نیست هدف ما یک نقطه اساسی در بغداد است و کسی که بخواهد از مالکی دفاع

کند بایستی با انقلابیون و مردم عراق مقابله کند. مالکی الآن تبدیل به دیکتاتور شده است، او با سیاسیون شیعی و سنی و افراد عهد شکنی کرده است، کسی را باقی نگذاشته است که بتواند با او به تفاهم برسد. بنابراین ما حق خودمان را خواهیم گرفت، ما اجازه نخواهیم داد که در یک کشور دموکراتیک همان گونه که می‌گویند و با قانون اساسی یک فرد ظالم مثل مالکی بر آن حکومت کند.

مجری: آیا شما سلاح کافی برای این کار دارید؟ ما می‌دانیم که مالکی شروع به استفاده از هوا نیروز کرده و تکریت را با هلی کوپتر کوبیده است.

شیخ علی حاتم: مالکی غیر از مقداری پاره آهن چیز دیگری ندارد و در الانبار همه اش منهدم شد. تانکهای ابرامز و هلی کوپترهایی که آورده بود. آمریکا بایستی یک موضوع مهم را بفهمد این مهمات و سلاحی که به مالکی داده است مثل هلفایر و غیره را مالکی برای مبارزه با تروریسم استفاده نکرده است. من قسم می‌خورم که فقط علیه ما به کار گرفته است، علیه خانه ها و مساجد و مدارس و پلها و غیره. بنابراین این موضوع برای ما مهم نیست، ما توانستیم هلی کوپترها را سرنگون کنیم تانکها و هاورها را ساقط کردیم و همه اینها تبدیل به آهن پاره شده است.

مجری: شما از آهن صحبت می‌کنید اما همین آهن نمی‌گذارد که انقلاب سوریه پیروز شود، آیا نمی‌ترسید که سناریوی انقلاب سوریه تکرار شود؟

شیخ علی حاتم: فرقی در این مورد هست. متأسفانه انقلاب سوریه در معرض یک توطئه بزرگ قرار گرفت. حتی از سوی برخی دولت‌های همسایه. ولی وضعیت ما فرق می‌کند ما به عنوان عشایر الآن صحبت از این می‌کنیم که چه کسی زمین را در دست دارد، واقعیت این است که ما خوشبختانه سلاح داریم و توانسته ایم سلاح جمع کنیم و از ماه ششم سال گذشته ما شروع به آماده کردن خودمان برای عملیات نظامی کردیم و فهمیدیم که مالکی هدفش تهاجم به میدان تحصن است و روی این موضوع سرمایه گذاری کرده بود. بله ما توان نظامی داریم و توان این را داریم که به هر منطقه ای برسیم تا آن را آزاد کنیم. اما طرف دیگر باید بداند که جنگ ما طائفی نیست و اجازه نمی‌دهیم که جامعه عراق بین سنی و شیعه و کردها تقسیم شود هدف ما فقط مالکی است اگر فراکسیونهای سیاسی مالکی را اخراج کنند و حقوق ما بازپس گرفته شود ما ادعای دیگری نداریم و اوضاع عادی می‌شود. اما اگر فراکسیونهای سیاسی ناتوان از اخراج مالکی باشند و یا با او معامله کنند در این صورت من فکر می‌کنم که اوضاع عادی نخواهد شد.

مجری: اخباری امروز بود که نیروهای ایرانی وارد عراق شده اند آیا این به شما را کمک می‌کند؟
شیخ علی حاتم: ما این را حساب کرده ایم و طبعاً کمکهای ایرانی دائماً برای بخشی از ارتش بوده است. ایران مدتهاست که در امور عراق دخالت می‌کند، حتی ما نگران طرحهای ایران هستیم. هدف قرار دادن دو امام در سامرا یک طرح ایرانی است که مالکی می‌خواهد اجرا کند و هدفش هم این بود که وقتی انقلابیون وارد سامرا می‌شوند مراقد دو امام را منفجر کند و باعث ایجاد مشکل شود ما الآن از ایران نمی‌ترسیم و نه برای ایران اهمیتی قائلیم من به ایران نصیحت می‌کنم که اگر دنبال منافع خودش در عراق است بایستی با واقعیت موجود مردم رفتار کند، ما اجازه نمی‌دهیم که از الآن به بعد اراده و دیکته اجنبی در عراق انجام شود باید بگویم تصمیم را کسی می‌گیرد که زمین را در اختیار دارد و نه ایران.

مجری: چه کسی زمین را در اختیار دارد؟

شیخ علی حاتم: انشاءالله در روزهای آینده خواهیم دید. به یکی دو ماه نمی‌کشد. طرحهای مربوط به انقلابیون عشایر و گروههای دیگر وجود دارد و هدف پایه ای به دست آوردن حقوقمان است.

مجری: چه کسانی استانداران در نینوی و صلاح الدین را تعیین کرده است؟

شیخ علی حاتم: این به شوراهاى نظامى برمی‌گردد، برای هر استانی خصوصیت ویژه‌ای وجود دارد. ما در الانبار استاندار تعیین نکرده ایم. الانبار با بقیه استانها فرق دارند. شوراهاى نظامى و شوراهاى سیاسى وجود دارد که این کار را می‌کنند. شش استان به پاخاسته تصمیم گرفته اند که ابزار عملیات سیاسى در بغداد نباشند. ما نمی‌خواهیم در این بازی باشیم ما می‌خواهیم به‌عنوان عراقى زندگى کنیم، نمی‌خواهیم به‌عنوان شهروند درجه دوم باشیم ما حق داریم که استاندارمان را خودمان تعیین کنیم.

مجری: یعنی داعش استانداران را تعیین نکرده است؟

شیخ علی حاتم: مگر داعش می‌داند که عملیات سیاسى چیست، داعش مگر می‌داند دموکراسى چیست، داعش یک برنامه دیگری دارد که ما با آن کارى نداریم. به همین دلیل هم می‌بینیم که تبلیغات دائماً داعش داعش می‌کنند. گروههاى جهادی ایران را بگوئید، گروههاى شیعه را بگوئید. گروههاى طرف دیگر را ول کرده اید و همه اش داعش داعش می‌کنید. داعش یا غیر داعش را نمی‌توان جز با نیروى عشایر بیرون کرد. اما مشکل اساسى داعش نیست مشکل این است که شبه نظامى با لباس ارتشى می‌آید و اقدام می‌کند.

ما حساب طولانى شدن جنگ را هم کرده و در مورد آن آمادگى داریم و دامنه درگیرها گسترده تر خواهد شد و ما قبلاً هم گفته ایم که به دورترین نقطه در عراق هم خواهد رسید. تعیین تکلیف جنگها کمی وقت می‌برد، مالکى الان سیاست بشار الاسد را به کار می‌گیرد، ضربه به شهرهاى بی‌دفاع با بشکه‌هاى انفجاری و توپخانه، او اهداف نظامى را نمی‌زنند. جهت اطلاع شما بیشتر تهاجماتى که به فرماندهى عشایر صورت می‌گیرد از طریق هواپیماهاى بدون سرنشین انجام می‌شود و موشکهاى هم آمریکائى است. اما وقتى این فرماندهیها به جای دیگر منتقل و گروههاى تندرو جای آنها را می‌گیرند این گروهها مورد تهاجم قرار نمی‌گیرند و بنابراین ما فکر می‌کنیم که در برخى مناطق تعیین تکلیف جنگ کمی طول خواهد کشید. اما در بقیه شهرها انشالله به‌زودى تعیین تکلیف می‌شود و پاکسازى می‌شود. هدف مالکى این است که زیر ساختهاى این استانها را ضربه بزنند.

مجری: آیا سپاه پاسداران ایران در عراق حضور دارد؟

شیخ علی حاتم: بله حضور دارد و یک ماه یا یک ماه و نیم پیش با آنان در منطقه گرمه درگیری صورت گرفت و از آنان کشته گرفتیم. فقط در رمادى و گرمه بودند و نه در جاهاى دیگر و فکرمى کنم که فیلم آن در اینترنت پخش شد. برخى بودند که به دیدار سفیر ایران در بغداد رفتند و بعد او را هم به فرماندهى عملیات الانبار بردند و این توطئه‌اى از جانب سیاسيون سنى بود.

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز، دیدگاهها و رویدادهای

روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

سازماندهی جنبشهای عصر جدید پس از جنگ سرد (۳۱)

انتخابات پارلمانی اروپا، گریز از مرکز

لیلا جدیدی

در این شماره می خوانید:

- تحولی بزرگ، یونان حزب چپ سیریزا را برگزید

- پیروزی و امتیازات چشمگیر برای جنبش "بر آشوبید" در اسپانیا



انتخابات در نظام پارلمانی اروپا به روال معمول با رقابت بین دو حزب مسلط، راست میانه و چپ میانه پیش می رود. این دو اگرچه اختلافاتی با هم دارند، اما در واقع سیاستهای مشابهی را نیز پیش گرفته و در نهایت حول مرکز، رویکردهای خود را آرایش می دهند.

در انتخابات ماه مه سال جاری، رای دهندگان، مردم جوامعی که عاصی از سیاستهای ریاضت اقتصادی در اروپا هستند، با رویگردانی از مرکز و تمایل به راست افراطی یا چپ رادیکال از این مرکز فاصله گرفتند.

نزدیک به ۴۰۰ میلیون نفر واجد شرایط رای در این انتخابات بودند که تنها ۴۳ درصد از این فرصت استفاده کردند. جنبش "رای نه" را می شود برنده اصلی در سراسر اروپا به شمار آورد. مردمی که هیچیک از گزینه های موجود را مدافع حقوق خود نمی دانستند، به پای صندوقهای رای نرفتند.

رای دهندگان در بیشتر کشورهای اروپایی با فرستادن نمایندگان بسیار متفاوتی به پارلمان اروپا، دولتهای وقت را که از سیاستهای بانک مرکزی اروپا و صندوق بین المللی پول پیروی می کنند، تنبیه کردند. این انتخابات را بیشتر می توان رای منفی به اروپای ضد دموکراتیک و سرمایه داری که از مطالبات و نیازهای مردم روی برگردانده، به حساب آورد.



در بخشی از اروپا، سیاستهای ریاضت اقتصادی و آنچه که بانکداران و سرمایه

داران در دستور کار خود قرار داده اند، راه را برای احزاب دست راستی باز کرد تا در انتخابات پارلمان اروپا اکثریت آرا را به دست بیاورند. برای نمونه، بیشترین رای در بریتانیا نصیب "حزب مستقل بریتانیا" (UKIP)، حزبی نژاد پرست، ضد مهاجران و مخالف اتحادیه اروپا شد. در نتیجه، این حزب اولین حزبی بود که در بیش از یک قرن توانست دو حزب اصلی، "کارگر" و "محافظه کار" را به گوشه براند.

در فرانسه نیز "جبهه ملی" (NF)، راست افراطی، بیشترین رای را نصیب خود کرد. جبهه ملی یک سوم کرسیهای سهم فرانسه در پارلمان اروپا را اشغال خواهد کرد. در دانمارک و اتریش نیز احزاب راست اکثریت آرا را بدست آوردند.

پیروزی "جبهه ملی" در فرانسه نشاندهنده بحران سیاسی و نارضایتی مردم از سیاستهای حکومتی است که به طور متناوب صندلیهای شان را باهم عوض کرده اند و سیاستهای کمابیش یکسانی داشته اند. این بار، حزب حاکم سوسیالیست



در فرانسه با شکست در این انتخابات بهای سیاستهای مدافع کارفرمایان در دو سال اخیر را پرداخت. این در حالیست که حزب پیروز نیز راه حل مناسبی برای حل مشکلات ندارد و از گزینه راهگشایی برخوردار نیست. از همین رو می توان وخامت بیشتر شرایط موجود را پیش بینی کرد.

با این حال در یونان، "سیریزا" که ائتلافی از چپهای رادیکال است، به پیروزی چشمگیری دست یافت. آنها که در دو انتخابات پیشین به دومین قدرت در صحنه سیاسی یونان تبدیل شده بودند، این بار پیروزی حتمی

و بدون شبهه ای را به دست آوردند. "الکسی زیپراس"، رهبر سیریزا پس از این موفقیت خواستار برگزاری انتخابات زودهنگام پارلمان یونان شد و گفت که ترکیب فعلی قدرت سیاسی به رهبری راست میانه، "دمکراسی نو"، هر گونه مشروعیت خود را از دست داده است.

در این نوشتار به انتخابات در دو کشور اسپانیا و یونان پرداخته می شود. در این دو کشور نیروهای چپ و رادیکال با سازماندهی، تلاشها و مبارزات پیاپی و پیگیر علیه سیاستهای ریاضت اقتصادی، به پیروزیهای چشمگیری دست یافتند.

تحولی بزرگ، یونان ائتلاف چپ سیریزا را برگزید

پیروزی سیریزا می تواند به معنی پایان دولت ائتلافی یونان به رهبری جریان میانه راست "دمکراسی نو" و نخست وزیر آن "انتونیس ساماراس" و شریک کوچکترش "پازوک" از حزب میانه چپ به رهبری "اونجلوس ونیزولوس" که زمانی نیروی سیاسی مسلط در یونان بود، است.



وخامت بحران اقتصادی یونان در سال ۲۰۰۸، به چنان شدتی بود که توجه جهان را به سوی خود جلب کرد. سیاستهای ریاضتی

کمرشکنی از سوی "ترویکا" (اتحادیه اروپا، بانک مرکزی اروپا و صندوق بین المللی پول) بر مردم این کشور تحمیل شد. در مقابل، نیروی کار بزرگ و قدرتمند یونان در برابر این بی عدالتی به مبارزات سختی دست زد. مبارزه علیه ریاضت اقتصادی، شکلی از جنگ طبقاتی است که طبقه حاکمه از آن گریزی ندارد. این جنبش کارگری است که نتیجه این نبرد را تعیین خواهد کرد. در یونان، طبقه کارگر با پایداری و تصمیمات رادیکال آمادگی خود را برای مبارزه نشان داد.

سیریزا با سازماندهی اعتصابات عمومی، ترک محل کار و اشغال مراکز عمومی با گردهماییهای توده ای که به نام "جنبش میدانها" شهرت یافت، توانست این مبارزات را سازماندهی کند. در بهار سال ۲۰۱۲ سیریزا با کسب جایگاه دومین قدرت سیاسی یونان، سراسر اروپا را شوکه کرد.

سیریزا از ائتلاف ۱۳ گروه شامل گروههای سوسیال دمکرات، سبزه‌های چپ، مائویست و تروتسکیست، تعدادی از سیاستمداران مستقل و سازمانهای کمونیست اروپایی و تعدادی از سیاستمداران مستقل تشکیل شده است.

در انتخابات سال جاری، انتخابات محلی و همچنین پارلمانی اروپا، سیریزا به بزرگترین اپوزیسیون در پارلمان یونان تبدیل شد. این حزب با به دست آوردن ۲۶/۵ درصد آرا، از دمکراسی نو که ۲۲/۷ درصد آرا را به دست آورده بود، پیشی گرفت. در انتخابات محلی بیشترین آرای سیریزا با ۵۰/۸ درصد در "اتیکا" بود و کمترین آرا در آتن برای انتخاب شهردار این شهر با ۴۸/۶ درصد آرا در برابر ۵۱/۴ درصد رقیب بود.

اهمیت پیروزی سیریزا بیشتر در این است که یک دولت چپ که به طور جدی تلاش کند روند سیاستهای ریاضتی را معکوس کند، جرقه ای می شود که می تواند آتشی در سراسر اروپا بر پا کند. "سورتیریز مارتالیز"، یکی از کاندیداهای



سیریزا برای انتخابات پارلمانی اروپا که از گروه "کارگران چپ بین الملل" و همچنین یکی از بنیانگذاران سیریزا است، در این زمینه می گوید: "رخنه جنبش و پیروزی ما به سراسر اروپا به دو پیش شرط بستگی دارد. نخست آنکه ما به طور جدی بتوانیم روند سیاست ریاضت اقتصادی را در یونان را معکوس کنیم. چپ میانه در ایتالیا و فرانسه چنین قصدی داشتند، اما نتوانستند آن را به چالش بکشند زیرا کارگران در

سراسر اروپا متوجه شدند که آلترناتیو ارائه شده از سوی آنها کارایی نخواهد داشت. دوم اینکه، رهبری سیریزا این توانایی را داشته باشد که بی درنگ سیاستهای اروپا را با برنامه ها و اهداف چپ خود به چالش بکشد."

وی می افزاید: "سیاستهای وحشیانه نو - لیبرالیسم تمامی نهادهای اروپایی را زیر سلطه گرفته است. قراردادهایی که به تازگی بسته شده نشان می دهد که اعضای اتحادیه اروپا هر چه بیشتر به سمت رسمیت بخشیدن به استانداردهای نو - لیبرال حرکت می کنند. این به ما ثابت می کند که اتحادیه اروپا نمی تواند با اصلاحات آرام و نرم تغییر کند."

مارتالیز تاکید می کند: "چپ باید خود را متعهد به مبارزه علیه سیاستهای ریاضت اقتصادی در تمام کشورها، هر جا که جنبشی است با هر وسیله ممکن کند. شعاری که ما از آن حمایت می کنیم این است: "حتی یک نفر هم نباید در اروپا رنج بکشد". من بعد از حوادث رخ داده کاملا به مبارزه "به هر شکل و با همه ابزارها" معتقدم و باید مبارزات مان را گسترش دهیم. البته نه اینکه اولین انتخابمان گسستن از منطقه اتحادیه اروپا باشد. ما قصد نداریم پاسخ ناسیونالیستی به بحران بدهیم، آنچه که بر آن پا می فشاریم، معکوس شدن روند ریاضت اقتصادی است. تعهد ما به رهایی و جامعه سوسیالیستی باید تردید ناپذیر باشد."

وی در پاسخ به این سوال که بحثها و اختلافات درونی در سیریزا چه هستند، می گوید: "رققای ما در "شبکه سرخ" و "پلاتفرم چپ" معتقدند که در سیریزا باید موج تازه ای از رادیکالیسم به وجود آورده شود. ما بر اینکه در اتحادمان سیاست روشنی داشته باشیم پافشاری می کنیم. ما خواهان بیانیه ای مشترک، روشن و مشخص در شرح تشکیل دولت چپ هستیم که با هرگونه ائتلافهای بورژوازی متفاوت باشد. در مناظره پیرامون بیانیه انتخاباتی سیریزا، ما از بخشهای چپ و رادیکال حمایت کردیم و خواهان پلمیک روشن علیه اتحادیه اروپا و سیاستهای آن شدیم. در پروسه انتخاب کاندیداهای سیریزا ما تا آنجا که می توانستیم برای دموکراسی بیشتر و کاربست روشهای جمعی پافشاری کردیم."

در میان نیروهای سیریزا اختلاف نظرهای بسیاری وجود دارد، اما همه ما برای انتخابات متحد هستیم، زیرا پیروزی در انتخابات نخستین هدف ماست. بی شک بحثهای درونی بیشتر در راه خواهد بود. البته که دشمن طبقاتی ما در برابر مقاومت اجتماعی قوی و گذار از ریاضت اقتصادی شرایط خطرناکی را به وجود خواهد آورد، اما برای چپ اکنون یک فرصت تاریخی به وجود آمده است."

اگرچه سیریزا در این انتخابات به پیروزی چشمگیری دست یافت، اما تامین این شرط که زیر فشارهای بورژوازی کمر خم نکند و بتواند یک دولت چپ و انقلابی با برنامه های سوسیالیستی و دموکراتیک به عنوان تضمینی برای بیرون رفتن از

منجلا ب اقتصادی تشکیل دهد، کلید پیروزی واقعی خواهد بود. اشتغال، دستمزد مناسب و بهبود شرایط عمومی مردم از جمله خدمات درمانی، نخستین گامهایی است که بایستی برداشته شود.

پیروزی و امتیازات چشمگیر برای جنبش "بر آشوبید" در اسپانیا

نتایج انتخابات سراسری به پیروزی "حزب مردم"، حزب راست میانه محافظه کار به رهبری "ماریانو راجوی" انجامید. از این رو پس از هفت سال تکیه زدن بر کرسی قدرت، دولت سوسیالیست "خوزه لوئیز زاپاترو" به پایان راه رسیده و صحنه سیاسی این کشور دگرگون گشت.

اگرچه این دو حزب در انتخابات سال ۲۰۰۹ بیش از ۸۰ درصد آرا را به دست آورده بودند، اما این رویداد فصل جدیدی را در این کشور گشود، زیرا آرای این دو در جمع به نصف تعداد دارندگان حق رای هم نمی رسد. در واقع سیاستهای هر دو حزب و عدم توانایی در برآوردن مطالبات مردم سبب شد حزب مردم با ۲۶/۱ درصد رای (از دست دادن ۲/۶ میلیون رای) و ۱۶ کرسی که ۸ کرسی کمتر از دور قبل است و "حزب کارگران سوسیالیست" با ۱۴ کرسی، ۹ کرسی کمتر از انتخابات پیشین (از دست دادن ۲/۵ میلیون رای) به پس رانده شوند. در مقابل، احزاب کوچک مخالف از هر ۵ رای، ۲ رای را به خود اختصاص دادند.

بدین ترتیب دو حزب اصلی این کشور، حزب حاکم محافظه کار و حزب اپوزیسیون سوسیالیست تسلط مطلق خود را از دست دادند. رسانه ها این رویداد را "تنبیه" دو حزبی که سالها قدرت را قبضه کرده بودند، خواندند.

احزاب کوچکتر، به ویژه احزاب چپی که علیه سیاستهای ریاضت اقتصادی مبارزه می کردند، به جلو رانده شدند. ائتلاف اتحاد چپ، که ریشه هایی در حزب کمونیست سابق اسپانیا دارد، با ۱۰ درصد آرا سوم شده و کرسیهای خود را از ۲ به ۶ عدد و "توسعه و دموکراسی" از ۱ به ۴ کرسی رساند.

نکته قابل توجه این است که حزب "پودموس" (ما می توانیم) که تنها سه ماه پیش از انتخابات بنیان گذاری شده و ریشه در جنبش "بر آشوبید" دارد، ۵ کرسی (۱/۲ میلیون رای) به دست آورد.

حزب پومودس با اتحادیه اروپا مخالف نیست، اما با شیوه سازماندهی ساختار سیاسی آن مخالفت می ورزد. "پابلو ایگلسیاس" که رهبر این حزب است، می گوید، اسپانیا دیگر نباید "مستعمره" آلمان باشد و تروییکای اروپایی (آلمان، فرانسه و بریتانیا) آن را کنترل کنند. پودموس در واقع شرایط مالی تحمیل شده از جانب آنان را نمی پذیرد. در سراسر کشورهای عضو اتحادیه اروپا، اسپانیا با نرخ بیکاری ۲۱ تا ۲۶ درصد دارای بیشترین میزان بیکاری است.

نخست وزیر آینده، ماریانو راجوی در پیام خود پس از انتخابات به مردم گفت، "بر هیچکس پوشیده نیست که ما قرار است در خاص ترین وضعیت اسپانیا در ۳۰ سال اخیر حکومت کنیم. از نظر من هیچ دشمنی وجود ندارد جز بیکاری، قرضهای زیاد، کسری بودجه، رکود اقتصادی و هر چیز دیگری که کشورمان را در این شرایط بحرانی قرار داده." او به کاهش مالیات برای شرکتهای کوچک و متوسط که ۹۰ درصد کل شرکتهای اسپانیا را دربرمی گیرند، اشاره کرد، اما برنامه ای برای رهایی مردم از کابوس بیکاری در این کشور ارائه نداد.

در مقابل، رهبر پودموس می گوید: "این شروع یک پایان است؛ پایان حکومت دو حزب. این دو حزب کشور ما را نابود کرده اند."

در باره پودموس، جنبش میدانها

بیش از یک میلیون نفر رای خود را به حزبی دادند که تنها سه ماه پیش با شعار "آری ما می توانیم" تشکیل شد. نامزدهای پودموس برای پارلمان، خود از کارورزان کم درآمد جامعه، یک معلم مدرسه، یک دانشمند و یک مدرس دانشگاه بودند.

آنها معتقدند که همه شهروندان این کشور باید از حداقل دستمزدی که بتواند فقر را کاهش دهد، برخوردار شوند، معتقدند افراد پردرآمدی که از پرداخت مالیات فرار کرده اند، مجازات شوند و سیاستهای ریاضتی کنار گذاشته شود که این به معنی

عدم پرداخت بدهی به بانکها است. لازم به ذکر است که سه نماینده این حزب در پارلمان قول داده اند هرگز حقوقی بیش از سه برابر حداقل دستمزد نداشته باشند.



سازماندهی این حزب مانند "جنبش وال ستريت" و دیگر جنبشهای میدانی از طریق فعالان جنبش و با تجمع در میدانها صورت می گیرد. همین امر پودموس را از دیگر احزاب متمایز کرده است. آنها اعلام می کنند که مرکز فعالیتهایشان همه

میدانهای شهرها و روستاها خواهد بود و "پایان ریاضت" مطالبه اصلی باقی خواهد ماند. نمایندگان این حزب می گویند که هرگز مانند سیاستمدارانی که حرف می زنند و عمل نمی کنند، نخواهند بود.

تلاشهای آنان موفقیتهای چشمگیری نیز تاکنون داشته است. برای نمونه، در مادرید خصوصی سازی بیمارستانها را متوقف کردند، از تخلیه اجباری خانه های مستاجران بدهکار به بانکها جلوگیری کرده اند. آنها با سازماندهی اعتصاب معلمان، مانع اجرایی شدن اصلاحات سیستم آموزشی که خلاف منافع آنان بود شده اند و توانسته اند دست بوروکراسی اتحادیه های فرمایشی را کوتاه کنند.

یکی از نمایندگان پودموس در پارلمان به نام "جیسوی گاستیلو" می گوید: "طبقه حاکم تلاش می کند چهره جدیدی به دولت اسپانیا بدهد. پادشاه را عوض کند، سیستم فدرالی ایجاد کند، اما آنها خواهند دید که اوضاع برایشان خیلی فرق کرده، زیرا هم مردم سازمان یافته اند و هم بحران بسیار عمیق است."

وی در ادامه می گوید: "تا همین اواخر تصور می شد جنبش "بومیها" سوخته، اما روز انتخابات یک حزب از زیر خاکستر گرم سر بیرون آورد و نشان داد که این تصویری بیهوده بوده است.

گاستیلو زمانی که از آماجهای حزب حرف می زند می گوید که هدف آنها بسیار بزرگ تر از به دست آوردن رای است: "ما نمی خواهیم فقط بخشی از سیستم سیاسی این کشور که متلاشی می شود باشیم. اسپانیا کمبود احزاب سیاسی ندارد، آنچه که کم دارد، دخالت شهروندان در سیاست است و ما می خواهیم ابزاری برای رسیدن به این هدف باشیم."

پیروزی چشمگیر پودوموس و سیریزا بار دیگر ضرورت شکل و سازماندهی از پایین برای پیشبرد خواستههای جامعه را یادآوری می کند. این موفقیتها تاکید دوباره ای است بر ضرورت پرداختن زحمتکشان، مزدبگیران و سازمانهای چپ به بازسازی و سازماندهی تشکلهای خود که رو به منافع مزدبگیران و علیه سیاستهای راست آرایش بگیرد و به توده ناراضی و عصیان زده آلترناتیوی کارا و عینی برای شرایط موجود ارایه کند.

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.co

دم خروس برانزده تر است

امید برهانی

هنوز اثر انگشت رای دهندگان به تدبیر و امید خشک نشده و هنوز فیلم ساز "من روحانی هستم" از زندان آزاد نشده که قهرمان بنفش در چند گاف پیاپی چند گام به عقب می نشیند و آب یخ بر سر تدبیر خواهان و امیدواران خالی می کند؛ _کوتاه آمدن در برابر هجوم هرم دلواپسان و ناراضیان از مماشات و سازشهای هسته ای با غرب، و جایگزینی ترانه ی "ما همه با هم دوستیم" با رجزخوانی احقاق حق هسته ای در برابر "دشمنان و زورگویان" _سخنرانی در سالگرد آزادی خرمشهر و ادعای ساختن خرمشهرها و آرمانشهرها و حفظ آنها از گزند "دشمنان" (از نظر ایشان خرمشهر یعنی آرمانشهر!) _سخنرانی در اتحادیه رادیو و تلویزیونهای کشورهای اسلامی با محوریت "آمادگی برای نبرد عظیم فرهنگی با کشورهای صنعتی و مدرن".

در تمام این موارد روحانی بر طبل تکرار دو باره ها و صد باره های دلیل وجودی نظام مطبوعش، یعنی پارانویای دشمن انگاری، دشمن ستیزی و حالا هم مدرن ستیزی می کوبد. روضه خوان ما چندان حرفه ای و خوش حافظه نیست و فراموش کرده که در نمایش تبلیغات کاندیداتوری اش از تعامل و سازگاری با همه ی جهان دم زده و با حمایت پدرخوانده های فکری اش و تقلید ناشیانه و مینیاتورگونه از آنها آرای منفعل و دقیقه ی نودی بخشی از جامعه را جلب کرده بود. گرچه برگزاری اجلاس اخیر با تمام هزینه های صرف شده و بی فایده، از سوی حکومت و رسانه حکومتی بوده و حضور رئیس دولت جنبه ی تشریفاتی داشته است، اما روحانی از همین منبر عاریه ای هم بهره برده و روضه اش را برای مصرف داخلی و برای جلب رضایت مخاطب "دلواپس" می خواند. او به خوبی می داند که هر چه بیشتر از غرب و جنگ با این دشمن همزاد، به خصوص جنگ فرهنگی دم زند، متحجران را بیشتر خوش می آید و مدارا با آنها مهم تر از دعوای بچه گانه بر سر بهشت بردن یا نبرد مردم است. آن که چندی پیش برای خوش آیند طرفداران خود ادعا می کرد که نمی توان مردم را به زور شلاق به بهشت برد، با لحنی پدرسالارانه و قیم مآبانه از "حراست از نسل امروز و فردا" در برابر تخلیه و تسلیم فرهنگی در برابر دنیای مدرن (دیگر نه حتی دشمن) دم می زند و دم خروس تفکر متحجر و کدخدا گونه ی خود را بیرون می اندازد و تازه برای گرم کردن روضه و گریاندن مخاطب، به جای صحرای کربلا به "بعثت محمد" و جاودانه سازی آن در دل جوانان (که به سان همه ی روضه ها نا مرتبط با موضوع است) گریز می زند.

ملای ما چشم بر این حقیقت تلخ بسته است که نسلهای مورد اشاره ی وی به خاطر رشد و بالندگی تکنولوژیک و به تبع آن فرهنگی و همچنین در ستیز گفتار و رفتار مرتجعانه ی و تحمیلی دهه های اخیر، اساساً گوشش بدهکار این گزافه گوئیها نیست و نهایت حرف شنوی اش، حضور در پای صندوق رای به امید کورسویی از تغییر و بهبود اوضاع است، وگر نه رد پای محکم تر این نسلها در تابو شکنیهای گوناگون مثل مخالفتهای مدنی، مبارزه با پوشش اجباری، مهاجرت، موسیقی و هنر زیر زمینی، خانواده های تک نفری، زندگیهای مشترک بدون ازدواج و متاسفانه در اشکال نا خجسته ی اعتیاد، الکلیسم و تن فروشی به وضوح به چشم می آید. و اینها دم خروس دیگری ست که امثال روحانی ناتوان از درک و پنهان ساختن آن هستند.

روحانی هم مانند جنتی، احمد خاتمی، علم الهدی، قرائتی و جماعت دلواپس، نگران رویکرد هیچ انگارانه ی این نسل به ایشان است. او عاجز از درک این واقعیت تلخ است که این هیچ انگاری، همان جای پای سنگین توسعه و مدرنیته بر گل سست و خیس خورده ی ارتجاع و انحطاط اخلاقی و عقلانی همین ناپدریها ست.

رئیس دولت برکشیده در تشخیص دلیل دعوای اصلی نظام مطبوعش با جهان غرب هم به جاده خاکی زده و این چالش را نه در تقابل ساختاری واپس گرایی و مدرنیته و نه به خاطر فرو افتادن بی هنگام و بد شگون گوی تحجر در زمین دنیای نوین، که در اشاعه ی مصرف گرایی و لذت گرایی در میان جوانان می داند و فراموش می کند که ۳ دهه جنگ، سرکوب، بی لیاقتی، فساد، ناباوری به همان دین مورد ادعا، اختلاس، خاصه خرجی، رانت خواری، تاراج منابع ملی و واردات بی حساب و کتاب و بی فایده، سبب ساز واقعی مصرف گرایی و لذت گرایی مورد اشاره ی وی بوده اند.

ادعای انحصاری کردن فن آوریهای مدرن توسط غرب و عقب راندن جهان اسلام و در حال توسعه هم اساساً از جنس فرا فکنیهای کلی گویانه است که با واقعیت موجود و مشهود در دنیایی که هر گوشه‌ی آن از تکنولوژی روز بهره می برد هم خوانی ندارد.

و آخرین دغدغه‌ی روحانی، جایگزینی بتهای جدید به جای "توحید"! در صورت تغییر سبک زندگی در جوامع اسلامی به سبک غربی ست. این امر به واقع ریشه در نگرانی از کثرت گرایی جامعه در برابر وحدت گرایی کور و دستوری طبقه‌ی حاکمه دارد که با توجه به ساز و کار و تاریخچه‌ی این طبقه چندان عجیب به نظر نمی رسد.

آقای روحانی و هم فکran او با توجه به پس زمینه و ماهیت متصلب شان و نیز برای حفظ منافع طبقاتی خود نمی توانند حتی در میان مدت گریم حق به جانبی رفورمیستی و اعتدال گرایانه را حفظ کرده و انتظار مقبولیت از سوی مردم داخل و جهان خارج داشته باشند. همان بیرون انداختن دم خروس بر ایشان برازنده تر است تا نمایش قسم و آیه‌ی زورکی به بهای ائتلاف ۴ یا ۸ سال عمر و امید یک ملت.

کارگران و مزدبگیران.....

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در خرداد ۱۳۹۳

گردآوری و تنظیم: زینت میرهاشمی

۸۹ حرکت اعتراضی

* کارگران کارخانه سیمان جغتای در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق معوقه و حق بیمه خود در روز سه شنبه ۳۰ اردیبهشت دست به اعتصاب زدند. به گزارش نسیم جوین، کارگران مقابل سوله‌های محل کار خود تجمع کردند. در روز پنجشنبه ۱ خرداد با اعتصاب رانندگان بونکر حمل سیمان، اتفاقات کارخانه وارد فاز جدیدی شد، رانندگان در اعتراض به خاکی بودن ۲ کیلومتر از جاده فراشیان به کارخانه که از بین مزارع هندوانه و خربزه کشاورزان این روستا عبور می کند، از بارگیری سیمان و حمل آن امتناع کردند.

* روز شنبه ۳ خرداد، کارگران کارخانجات نورد پروفیل ساوه برای دستیابی به مطالبات خود و در اعتراض به تعرض مداوم کارفرما به معیشت و زندگیشان دست از کار کشیده و اعتصاب کردند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، این اعتصاب با استقبال و حمایت کارگران کارخانجات نورد لوله صفا که در نزدیکی آنان بوده و همواره ارتباط و منافع مشترکی داشته اند، روبرو شده است. حدود ۴۰۰ تن از کارگران اعتصابی ساعت ۳ بعدازظهر و در هوای گرم حدود ۳ کیلومتر راه پیاده به سمت شهر پیمودند. قبل از رسیدن به فرمانداری، نیروی انتظامی در محل پارک جنگلی راه را بر کارگران بست و از آنها خواست که در همین محل بمانند تا فرماندار به اینجا بیاید. کارگران نپذیرفتند و به راه خود بسمت محل فرمانداری ادامه دادند و در محل فرمانداری ساوه تجمع کرده و خواستار ملاقات با فرماندار این شهر شدند.

* کارگران کارخانه پروفیل ساوه روز یکشنبه ۴ خرداد، برای دومین روز متوالی در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان در محوطه کارخانه دست به تجمع زده‌ند.

به گزارش ایلنا، با وجود آن که شخص فرماندار تمایلی برای حضور در جمع معترضان برای پاسخ دادن نشان نداد، اما چند تن از مسئولان بخشهای زیر مجموعه وی، با تشکیل جلسه ای با حضور نمایندگان کارگری قول مساعد برای پی گیری دادند.

*روز یکشنبه ۴ خرداد، کارگران کارخانه تولید مواد غذایی شهرستان خرم بید، در محل بخشداری مرکز بخش مشهد مرغاب تجمع کردند. به گزارش ایرنا، به تعویق افتادن دو ماه حقوق و ۱۵ ماه حق بیمه از جمله مطالباتی است که کارگران این واحد تولید کننده مواد غذایی از آن یاد کردند

*حدود ۳۰۰ پزشک متخصص زن در اعتراض به طرح خدمت در مناطق محروم به مدت ۱۲ سال، در روز یکشنبه ۴ خرداد، مقابل ساختمان وزارت بهداشت تجمع کردند. به گزارش فارس، طرح تعهد خدمت در مناطق محروم برای متخصصان مرد، دو سال است اما برای متخصصان زن ۱۲ سال در نظر گرفته شده است.



*کارکنان وزارت جهاد سازندگی سابق که اراضی واگذار شده ماهدشت استان البرز به آنها با مشکلات حقوقی مواجه شده، روز یکشنبه ۴ خرداد در مقابل وزارت جهاد کشاورزی تجمع کردند. به گزارش ایسنا، چند دقیقه پس از آغاز تجمع در مقابل وزارت جهاد کشاورزی در خیابان طالقانی، یکی از مسئولان حراست این وزارتخانه از تجمع کنندگان خواست با نگارش و امضای نامه به تجمع خود خاتمه دهند و ادامه پیگیری مطالبه خود از وزارت جهاد کشاورزی را از طریق اداره کل حراست انجام دهند.

*روز یکشنبه ۴ خرداد دهکداران روزنامهها و مجلات در اردبیل در محوطه اداره کل فرهنگ و ارشاد تجمع کردند. به گزارش فارس، در این تجمع اعتراض آمیز دهکداران خواستار دیدار با مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اردبیل برای حل مشکلات خود شدند. مشکلی که امسال گریبانگیر دهکداران شده، تمنای بیش از حد شهرداری از قبیل تعیین اجاره ماهانه برای تمامی دهکداران است در حالی که بسیاری از آنها توان پرداخت این اجاره ماهانه را ندارند.

*اعتصاب کارگران نورد و پروفیل ساوه وارد سومین روز خود شد. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، بیش از ۴۰۰ تن از کارگران نورد و پروفیل ساوه بعد از دو روز اعتصاب، روز دوشنبه ۵ خرداد برای سومین روز به اعتصاب خود ادامه دادند.

*به گزارش همبستگی ملی، کارگران کارخانه لبنیات کوه‌رنگ در اعتراض به وضعیت موجود کارخانه و پرداخت نشدن حقوق عقب افتاده خود و بلا تکلیفی ۷۰ تن از همکارانشان، روز دوشنبه ۵ خرداد در مقابل سالن تولید این کارخانه دست به تجمع و تحصن زدند.

*اعتصاب کارگران معدن بافق برای لغو خصوصی سازی در روز سه شنبه ۶ خرداد وارد دهمین روز خود شد. به گزارش ماین نیوز، در این روز معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار یزد، نماینده مردم بافق در مجلس شورای اسلامی، امام جمعه، فرماندار، اعضای شورای شهر و مدیرعامل شرکت سنگ آهن مرکزی بافق، در جمع کارگران معترض شرکت سنگ آهن بافق حضور یافتند.



*حدود ۴۵۰ تن از کارگران سد بنیر در ۵ کیلومتری روستای نگل از توابع مریوان واقع در استان کردستان روزهای سه شنبه ۶ خرداد و چهارشنبه ۷ خرداد دست از کار کشیدند. به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، کارگران در اعتراض به عدم پرداخت دو ماه حقوق بهمن و اسفند و همچنین عیدی و پاداش سال ۹۲ و عدم پرداخت حقوق فروردین و اردیبهشت سال ۹۳ دست به اعتصاب زدند. قسمتهای تونل، مخزن، دیوار و حمل و نقل در اعتراض به این وضعیت در اعتصاب به سر می برند.

*کارگران نورد و پروفیل ساوه روز چهارشنبه ۷ خرداد در مقابل درب کارخانه اقدام به تجمع اعتراضی کردند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، در ادامه ی اعتراضات کارگران نورد و پروفیل ساوه از روز شنبه ۳ خرداد، کارگران روز چهارشنبه ۷ خرداد نیز برای ادامه اعتصاب خود به محل

کارخانه مراجعه نمودند، اما با درب بسته محل کار خود مواجه شدند. کارگران در مقابل درب کارخانه تجمع اعتراضی خود را بر پا نمودند.

*روز چهارشنبه ۷ خرداد، کارگران و کارمندان شرکت ایران تیر در محوطه کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایرنا، بنا به گفته تعدادی از کارگران و کارمندان شرکت ایران تیر از بهمن ماه ۹۲ تاکنون تعدادی از کارگران این کارخانه اخراج شده اند و حق تولید کارگری و حق جذب کارمندان نیز پرداخت نشده است. به رغم تجمع کارگران و کارمندان در محوطه کارخانه هیچ یک از مدیران این شرکت در محل کار خود حاضر نشدند تا پاسخگوی مطالبات معترضان باشند.

*روز شنبه ۱۰ خرداد در پی اعتصاب کارگران نورد پروفیل ساوه، مدیرعامل کارخانه در جمع کارگران اعتصابی حضور یافت و به خواسته ها و صحبت کارگران گوش کرد و با آنان به گفتگو پرداخت. به گزارش ایرنا، تجمع چهار روزه کارگران پروفیل ساوه در حالی خاتمه یافت که مدیرعامل کارخانه با حضور در بین کارگران معترض وعده کرد که حداکثر تا پایان تیر ماه سال جاری همه مطالبات معوقه کارگران را پرداخت کند.

*تعدادی از کارشناسان حوزه کشاورزی و منابع طبیعی مازندران در روز شنبه ۱۰ خرداد با تجمع در برابر ساختمان استانداری مازندران خواستار اجرای مصوبه قانونی مجلس مبنی بر استخدام خود شدند. به گزارش فارس، این کارشناسان که از سال ۱۳۸۲ در راستای طرح خودکفایی گندم به عنوان کارشناس در اداره کل منابع مازندران و سازمان جهادکشاورزی استان مشغول به کار شدند به دلیل عدم اجرای مصوبه قانونی مجلس مبنی بر استخدام این نیروها با وجود ابلاغ به استانها از سوی دولت و مجلس خواستار پاسخگویی مسئولان این بخش و استانداری مازندران شدند.

*روز یکشنبه ۱۱ خرداد، کارگران کارخانه ایران تیر در مقابل وزارت کار تجمع اعتراضی کردند. به گزارش ایسنا، این حرکت اعتراضی در پی اخراج ۴۰۰ تن از کارگران کارخانه ایران تیر و کاهش حقوق، دستمزد و همچنین افزایش ۵۰ درصدی ساعات کار از هشت ساعت به ۱۲ ساعت در روز صورت گرفت.

*روز یکشنبه ۱۱ خرداد، اعتصاب شش روزه کارگران سد بنیر مریوان با موفقیت نسبی پایان گرفت. به کمیته هماهنگی اعتصاب حدود ۴۵۰ تن از کارگران سد بنیر در اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه و عیدی و پاداش سال ۹۲ و همچنین حقوق معوقه دو ماه اول سال ۹۳ صورت گرفت و این حرکت اعتراضی با وعده کارفرما مبنی بر پرداخت دو ماه حقوق معوقه سال ۹۲ و همچنین پرداخت مابقی طلب کارگران به ترتیب در روزهای آینده پایان گرفت.

*بیش از ۵۰ کارگر پیمانی پتروشیمی شازند اراک در اعتراض به شیوه اجرای قانون طرح طبقه بندی مشاغل و نحوه محاسبه دستمزدها در روز یکشنبه ۱۱ خرداد در مقابل ساختمان اداری این واحد تولیدی تجمع کردند. به گزارش ایلنا، نزدیک به دو هزار کارگر پیمانی و حدود ۷۰۰ کارگر قرارداد مستقیم در پتروشیمی شازند کار می کنند.

*جمعی از کارمندان دانشگاه آزاد سوادکوه روز یکشنبه ۱۱ خرداد در اعتراض به تاخیر در پرداخت حقوق خود در این دانشگاه تجمع کردن. به گزارش خبرگزاری دانشجو، پس از این اقدام، احمدی، رئیس دانشگاه با حضور در جمع متحصنان، به دنبال آرام کردن اوضاع و بازگردان کارکنان به دفاترشان بود که این اقدام نیز نتیجه ای در بر نداشت.

*به گزارش ایرنا، کارگران مترو اهواز وابسته به شرکت کیسون روز یکشنبه ۱۱ خرداد در جنب هتل اکسین اهواز تجمع اعتراضی کردند. این حرکت اعتراضی در روزهای بعد هم ادامه پیدا کرد. به گزارش ایلنا، روز سه شنبه ۱۳ خرداد کارگران پیمانی قطار شهری اهواز در مقابل سایت مرکزی واقع در خیابان اقبال تجمع کردند. بدین ترتیب حرکت اعتراضی حدود ۲۰۰ تن از کارگران قطار شهری اهواز که در بخشهای «حمل و نقل» و «حفاری تونل» کار می کنند سومین روز خود را پشت سر گذاشت.

تجمع کارگران در روز یکشنبه ۱۸ خرداد وارد ششمین روز شد. عباس هلاکویی، مدیر عامل قطار شهری اهواز ضمن تایید وقوع اعتراض صنفی توسط کارگران شرکت پیمانکاری کیسون مدعی شد؛ قطار شهری اهواز آماده پرداخت مطالبات کارگران معترض است اما به سبب بی تفاوتی مسئولان استانی بعد از شش روز از اعتراض کارگران هنوز اتفاق خاصی نیافتاده است.

*کارخانه ذوب آهن اردبیل به عنوان یکی از واحدهای بزرگ صنعتی این استان که در زمینه تولید آهن و فولاد فعالیت می کرد، از روز دوشنبه ۱۲ خرداد درهای خود را به روی ۲۷۵ کارگر فعال در این واحد تولیدی بست تا عملاً تعطیلی کارخانه و بیکاری کارگران خود را اعلام کند.

به گزارش مهر، پیش از ظهر روز دوشنبه تعدادی از کارگران کارخانه ذوب آهن اردبیل در مقابل اداره کار شهرستان اردبیل تجمع و خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند که البته در پاسخ به مطالبات خود واژه «شکایت کنید» را شنیدند.

*در پی تعطیلی غیرمنتظرانه کارخانه ذوب آهن اردبیل و بیکار شدن ۲۷۵ کارگر این کارخانه، کارگران در روز سه شنبه ۱۳ خرداد برای دومین روز متوالی تجمع کردند. به گزارش سبلان، جمعی از کارگران بیکار شده کارخانه ذوب آهن اردبیل در محل اداره کار، تعاون و رفاه اجتماعی شهرستان اردبیل تجمع کردند تا پیگیری حقوق معوقه و تعطیلی این واحد بزرگ صنعتی اردبیل شوند.

*به گزارش واحد مرکزی خبر، حدود ۵۰ تن از رانندگان کامیونهای حمل سیمان بجنورد در اعتراض به تغییر نکردن کرایه حمل بار، روز سه شنبه ۱۳ خرداد در مقابل انجمن صنفی کامیون داران تجمع کردند.

*اعضای تعاونی مسکن کارگران برق تهران روز یکشنبه ۱۸ خرداد مقابل مجلس رژیم تجمع کردند. به گزارش ایسنا، کارگران برق حدود ۴ سال قبل با پرداخت وجهی زمینهایی را در هشتگرد خریداری کردند و زمینهایشان سند منگوله دار دارد، اما به دلیل استنکاف اداره برق تهران، از تحویل این زمینها در تعاونی جلوگیری شده است.

*کارگران نورد پروفیل ساوه به علت خلف وعده کارفرما که دستمزد آنها را به حساب کارگران واریز نکرده، از روز دوشنبه ۱۹ خرداد مجدداً اعتصاب کردند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارفرما ناچار شد که مبلغ وعده داده شده یعنی عیدی و پاداش سال ۹۲ را به حساب کارگران واریز نماید. علیرغم این موفقیت، کارگران به اعتصاب خود پایان ندادند. با این اعتصاب متحد، کارگران ضمن گرفتن دو ماه عیدی و پاداش فوق طبق یک زمان بندی مشخص سایر مطالبات خود را دریافت کردند و در روز سه شنبه ۲۰ خرداد به اعتصاب خود پایان دادند.

*۵ هزار کارگران معدن سنگ آهن بافق از روز شنبه ۲۷ اردیبهشت در اعتراض به خصوصی سازی این معدن دست دست به اعتصاب زدند. اعتصاب و تحصن همگانی این کارگران در روز چهارشنبه ۱۴ خرداد وارد نوزدهمین روز خود شد. بافق یکی از شهرهای استان یزد است که معادن فراوان سنگ آهن، فسفات و سرب دارد. به گزارش ماین نیوز، کارگران متحصن خواستار لغو این واگذاری شبه دولتی و باقی ماندن مالکیت شرکت سنگ آهن مرکزی در اختیار دولت هستند.

*بیش از ۱۰۰ کارگر خباز سنندج عصر روز دوشنبه ۱۹ خرداد در اعتراض به افزایش نیافتن مزدشان برای سومین سال متوالی در مقابل فرمانداری سنندج تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این تجمع اعتراضی در پی خلف وعده مقامات دولتی سنندج مبنی بر افزایش دستمزد کارگران خباز از اوایل خرداد ماه، برگزار شد.

*مهندسان ناظر تولیدات کشاورزی آذربایجان غربی در اعتراض به وضعیت بلاتکلیفی استخدام خود در روز سه شنبه ۲۰ خرداد در جلوی استانداری تجمع کردند. به گزارش جوان پرس، تجمع کنندگان معتقدند که تمامی مراحل استخدامی آنها بنابر قانون موجود انجام گرفته اما مسئولان به دلایل مختلف از استخدام آنها طفره می روند.

*کارگران کارخانه سیمان داراب پس از سه روز تجمع در روزهای ۱۸ تا ۲۰ خرداد به سرکارشان برگشتند. به گزارش همگام داراب، روز ۲۰ خرداد در حالی تجمع کارگران شرکت سیمان داراب در اعتراض به مسائل صنفی و کارگری و آنچه که کارگران آن را خواسته های قانونی خود می دانند وارد سومین روز می شد که بالاخره جمعی از مدیران اجرایی شهرستان به کارخانه ی سیمان داراب رفتند و با کارگران معترض برای بررسی خواسته ها و مشکلات شان در یک جلسه مشترک برگزار کردند.

*به گزارش ایران کارگر، کارگران کارخانه قند تهران روز سه شنبه ۲۰ خرداد در اعتراض به پرداخت نشدن دو ماه حقوق عقب افتاده دست از کار کشیدند.

*روز چهارشنبه ۲۱ خرداد کارگران شرکت خدماتی «یاران جنوب کوشک» در شهرکرد، در مقابل شهرداری این شهر دست به اعتصاب زدند. به گزارش پیام این کارگران در اعتراض به عدم پرداخت ۲ ماه از دستمزدهای معوقه خود دست از کار کشیدند.

*حدود ۱۰۰ تن از کارگران شرکت گلفام در روز چهارشنبه ۲۱ خرداد در مقابل فرمانداری شهرستان سیرجان دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش سیرجان خبر، کارگران شرکت گلفام (یکی از شرکتهای تابعه گل گهر) در این تجمع اعتراضی با در دست داشتن پلاکارت و سردادن شعار خواستار توجه مسئولان نسبت به خواسته هایشان شدند.

*کارگران خدمات شهری شهرداری اهواز از روز دوشنبه ۱۹ خرداد تا روز پنجشنبه ۲۲ خرداد در اعتراض به عدم دریافت ۴ ماه حقوق اعتصاب کردند. به گزارش کارون پرس، یک کارگر شهرداری اهواز گفت؛ شما رقم حقوقی دریافتی کارگران را می دانید که این مبلغ کفاف حتی ۱۰ روز اول ماه را هم نمی دهد، حالا ببینید ما باید با این حقوق چگونه تا آخر ماه سر کنیم.

*کارگران مخابرات روستایی از چند استان کشور، صبح روز شنبه ۲۴ خرداد در اعتراض به وضعیت قرارداد، بیمه و دستمزدها در ابتدا مقابل ساختمان مجلس تجمع کردند و در ادامه برای پیگیری مطالبات صنفی و قانونی خود به دادسرای عمومی انقلاب اسلامی استان تهران واقع در میدان ارگ مراجعه کردند. به گزارش ایلنا، در این تجمع حدود ۱۵۰۰ تن حضور داشتند و در مجموع حدود ۱۰ هزار تن در مخابرات روستایی کشور مشغول به کارند.

*جمعی از کارگران کارخانه ایران تایر روز شنبه ۲۴ خرداد، در اعتراض به عدم پرداخت مطالباتشان در مقابل ساختمان بنیاد مستضعفان در تهران تجمع کردند. به گزارش ایلنا، بنیاد مستضعفان به عنوان سهام دار اصلی کارخانه ایران تایر در خصوص پرداخت مطالبات کارگران این واحد تولیدی بی توجه است و مدیرانی که از سوی این سازمان به مجموعه ایران تایر معرفی می شوند توجه چندانی به پرداخت مطالبات قانونی کارگران ندارند. تعداد کارگران شاغل در کارخانه ایران تایر حدود ۷۰۰ تن است.

*تعدادی از کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه صبح روز یکشنبه ۲۵ خرداد در اعتراض به عملکرد تعاونی مسکن مرکزی این شرکت در مقابل ساختمان شهرداری تهران واقع در خیابان بهشت تجمع کردند. به گزارش ایلنا؛ این شرکت تعاونی برای پروژه های ساختمانی سپیدار ۲ و ۳ از هر کدام از کارگران بین ۳۰ تا ۴۰ میلیون تومان هزینه دریافت کرده اما با گذشت یکسال از موعد تحویل این پروژه ها، هنوز خانه ای به کارگران تحویل داده نشده است.

*بالغ بر ۳۰۰ تن از پرسنل شهرداری تهران در روز سه شنبه ۲۷ خرداد در مقابل شورای شهر تجمع کردند. به گزارش فارس، به گفته یکی از اعضای تعاونی مسکن خدمات موتوری شماره ۲ شهرداری تهران، شهرداری تهران در سال ۸۶ زمینی را به تعاونی مذکور واگذار و این درحالی است که زمین اشاره شده تنها به یک سازمان تحت عنوان سازمان خدمات موتوری شهرداری تهران واگذار شده است.

*روز چهارشنبه ۲۸ خرداد بار دیگر جمعی از کارگران مجتمع کشت و صنعت هفت تپه در اعتراض به اجرا نشدن طرح طبقه بندی مشاغل در محوطه این کارخانه تجمع نمودند.

به گزارش ایلنا، کارگران معترض شاغل در بخشهای کشاورزی و صنعتی این کارخانه خواستار اجرای طرح طبقه بندی مشاغل هستند. گفتنی است که اجرای طرح طبقه بندی مشاغل برای کارگران نیشکر هفت تپه از اسفند سال ۸۸ ابلاغ شده اما کارفرما به بهانه داشتن هزینه مالی آن را عملی نمی کند.

*کارکنان سابق وزارت جهاد سازندگی که اراضی واگذار شده به آنها در ماهدشت با مشکل مواجه شده روز چهارشنبه ۲۸ خرداد مقابل وزارت جهاد کشاورزی تجمع کردند. به گزارش ایسنا، پس از تجمع مقابل وزارت جهاد کشاورزی، نوری بازرس ویژه وزیر، تجمع کنندگان را به مقابل وزارتخانه دعوت کرد و به آنها قول داد تا مشکلشان را طی ۲۰ روز آینده از طریق تعامل با وزارت راه و شهرسازی حل کند.

*به گزارش ایرنا، جمعی از اعضای تعاونی کارمندان بیجار شامگاه چهارشنبه ۲۸ خرداد برای دومین بار در اعتراض به فروش ساختمان تعاونی در مسجد امیر المؤمنین این شهر تجمع کردند. هم اکنون حدود سه هزار کارمند زن و مرد در بخشهای بهداشتی، فرهنگی، نظامی، انتظامی و اداری در ادارات و نهادهای بیجار شاغل هستند که در بیش از ۱۲ تعاونی مصرف و مسکن عضویت دارند.

*کارگران خدماتی بخش بارگیری و تخلیه بار (رمپ) ترمینال دو فرودگاه مهرآباد در اعتراض به «دریافت حقوق ناعادلانه و افزایش ناچیز دستمزد در سال جدید»، روز پنجشنبه ۲۹ خرداد برای دومین بار طی یک ماه اخیر دست از کار کشیدند. به گزارش ایلنا، اعتصاب کارگران خدماتی فرودگاه مهرآباد باعث توقف تحویل بار و ازدحام مردم در این فرودگاه شده است.

*روز چهارشنبه ۲۸ خرداد، رانندگان کامیونهای معدن در شرکت شهسوار ماشین، در معدن شماره ۴ گل گهر سیرجان در اعتراض به تاخیر ۱/۵ ماهه در پرداخت حقوق دست از کار کشیدند. به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، تعداد رانندگان در معدنهای ۲، ۴ و ۵ حدود ۷۰ تن است که با قراردادهای موقت ۳ ماهه کار می کنند.

*جمعی از کارگران کارخانه «قند و تصفیه شکر اهواز»، صبح روز شنبه ۳۱ خرداد در اعتراض به عدم دریافت ۴۵ ماه حقوق و مزایا در مقابل ساختمان مرکزی بانک ملی ایران واقع در خیابان فردوسی تهران تجمع کردند. به گزارش ایلنا، بانکهای ملی و ملت به عنوان مالکان اصلی کارخانه، آن طور که باید پیگیر امور کارخانه نیستند و همین مساله باعث شده تا از چند سال پیش در پرداخت مطالبات حدود ۸۰ کارگر این کارخانه مشکلاتی به وجود آید.

*اعتصاب بیش از ۵ هزار کارگر معدن سنگ آهن مرکزی بافق در روز شنبه ۳۱ خرداد وارد ۳۵ امین روز خود شد. به گزارش ایلنا، اعتصاب بیش از ۵ هزار کارگر معدن سنگ آهن مرکزی بافق در اعتراض به واگذاری ۲۸/۵ درصد از سهام این معدن به بخش خصوصی از روز شنبه ۲۷ اردیبهشت آغاز شد.

زنجیره انسانی در اعتراض به مصوبه شورای شهر شیراز

روز دوشنبه ۵ خرداد زنجیره انسانی دور تا دور باغ فرزانه شیراز در اعتراض به مصوبه شورای شهر در واپسین روزهای سال گذشته برای ساخت دو برج ۲۵ طبقه در این باغ تشکیل شد و گروههای مختلف شهروندان خواستار لغو این مصوبه و جلوگیری از تخریب تنها ریه تنفسی مرکز شهر شیراز شدند.

به گزارش مهر، در روزهای پایانی سال ۱۳۹۲، شهرداری شیراز تغییر کاربری و تفکیک باغ فرزانه در خیابان زند شیراز را در قالب طرحی دو فوریتی به شورای اسلامی شهر شیراز پیشنهاد داد و در تاریخ ۲۴ اسفند همین سال یعنی در شلوغی روزهای پایانی سال، مصوبه آن برای تفکیک باغ بزرگ و تاریخی فرزانه (تنها یادآور چهار باغ صفوی) گرفته شد تا به جای

فضای سبز شهری و در دسترس همگان، این باغ به ۲ برج ۲۵ طبقه بی شاخ و دم و ناهم‌خوان با بافت پیرامونی دگرگون شود. برج‌هایی که نه تنها گرهی از مشکلات این شهر و محور تاریخی و ارزشمند زند نمی‌گشایند، بلکه بر چالشهای زیست محیطی و ترافیکی آن به شدت خواهند افزود.

تجمع اعتراض آمیز دوستداران طبیعت در روستای سرکلایته خرابشهر

قطع درختان در جنگلهای روستای سرکلایته خرابشهر منجر به تجمع اعتراض آمیز دوستداران طبیعت و اهالی این روستا شد.

به گزارش ۱۹ خرداد رادکانا، قطع بی رویه درختان در جنگلهای روستای سرکلایته خرابشهر (تمیشه) موجب رنجش خاطر و اعتراض تعدادی از دوستداران طبیعت و مردم این روستای تاریخی شد.

تجمع اعتراضی در تبریز برای احیای دریاچه ارومیه

عصر روز سه شنبه ۲۰ خرداد، تجمعی خیابانی در اعتراض به آنچه «بدقولی رئیس جمهور حسن روحانی در خصوص دریاچه ارومیه» نامیده می شد در شهر تبریز انجام گرفت.

به گزارش تبریز بیدار، برخی فعالان در شبکه های اجتماعی خبر از برگزاری تجمعی در اعتراض به بدقولی رئیس جمهور حسن روحانی در خصوص رسیدگی به وضعیت اسف بار دریاچه ارومیه می دادند. این عده درست روزی را برای تجمع انتخاب کرده بودند که سال گذشته در چنین روزی حسن روحانی در سفر خود به تبریز و سخنرانی در سالن شهید پورشریفی وعده احیای دریاچه ارومیه را داد. براساس این گزارش، ماموران انتظامی تعدادی از تجمع کنندگان رابازداشت کردند.

چالشهای معلمان در خرداد ماه

فرنگیس بایقره

اخراج سه معلم در سردشت و بوکان

هرانا، ۱ خرداد - در ادامه روال برخورد با مسلمانان اهل سنت، این بار قرعه به نام شهرهای سردشت و بوکان (در جنوب آذربایجان غربی) در آمد.

شورش مصطفی زاده با ۱۲ سال سابقه، ابراهیم رستمی با ۱۰ سال سابقه و فریدون علی پور با ۴ سال سابقه به دلیل اعتقادات مذهبی از اداره آموزش و پرورش اخراج شدند.

این سه معلم که در شهرهای سردشت و بوکان به تدریس مشغول بودند، از اعضای "مکتب قرآن" بوده و به دستور اداره اطلاعات آذربایجان غربی از آموزش و پرورش اخراج شدند.

هم چنین یک شهروند اهل سنت دیگر در بوکان به نام محمد سرایی که از سوی آموزشگاه فنی و حرفه ای "سهیل" جهت تدریس دعوت شده بود، ابتدا به اداره اطلاعات بوکان احضار شده و سپس به دستور این اداره از تدریس او جلوگیری شد.

تعطیلات تابستانی از بهار آغاز شد

خبرگزاری فرهنگیان، ۱ خرداد - مشاور مدیرکل آموزش و پرورش شهر تهران در پاسخ به این پرسش که دانش آموزان ابتدایی از چه زمانی تعطیل می شوند و به تعطیلات تابستانی خواهند رفت؟ اظهار داشت: "دانش آموزان اول تا پنجم دبستانی از دیروز، ۳۱ اردیبهشت تعطیل شدند."

محمود ثقفی افزود: "دانش آموزان پایه ششم دبستان باید تا ۱۲ خرداد در مدرسه حضور داشته باشند."

امتحانات دانش آموزان تمام مقاطع تحصیلی از ۲۷ اردیبهشت آغاز شده است، تاریخ پایان امتحانات ۲۲ خرداد و پیش از آغاز مسابقات جام جهانی فوتبال اعلام شده است.

بیمه طلایی باید اعتماد فرهنگیان را جلب کند

فردا، ۴ خرداد - بیمه طلایی فرهنگیان در حالی برای پنجمین سال متوالی اجرا می شود که به دلیل نارضایتی این قشر از خدمات درمانی "بیمه ایران"، وزارت آموزش و پرورش قرارداد بیمه طلایی با این شرکت را لغو و قرارداد جدیدی را با شرکت "بیمه آتیه سازان حافظ" منعقد کرد. در همین باره اسماعیل عبدی، دبیرکل "کانون صنفی معلمان" می گوید: "به دلیل اجرای نامناسب بیمه طلایی در دوره های گذشته، نوعی بی اعتمادی میان فرهنگیان نسبت به این بیمه وجود دارد. به عنوان نمونه در سال گذشته دولت از پرداخت حق خود در بیمه طلایی سر باز زد و معلمان در طول ۱۱ ماه، سهم ۵۰ درصدی دولت را هم شخصاً به بیمه پرداخت کردند. هر چند با اعتراض فرهنگیان، دولت قبلی از تصمیم خود عقب کشید و قرار بر این شد که دولت طلب فرهنگیان از سهم بیمه را پرداخت کند، اما با روی کار آمدن دولت جدید تا کنون این امر محقق نشده است.

اگر در نظر بگیریم هر فرهنگی ۱۳ هزار تومان به مدت ۱۱ ماه پرداخت کرده است. می توان گفت به طور میانگین هر خانواده حدود ۳۰۰ هزار تومان بابت حق بیمه طلایی از آموزش و پرورش طلب دارد که اگر در تعداد معلمان دارای بیمه طلایی ضرب شود، رقم قابل توجهی می شود.

از زمان آغاز بیمه طلایی فرهنگیان گفته می شد که همه هزینه دارو و حق ویزیت از سوی بیمه پرداخت می شود، در حالی که در عمل یک دهم آن را بیمه پرداخت می کرد. همچنین، بیمه از پرداخت بسیاری از داروها که بعد از اجرای تحریم به شکل آزاد در آمده بود، اجتناب می کرد. برای بیماریهای مادرزادی هم از ابتدا از پرداخت آن سر باز زد. در قرارداد بیمه طلایی نیز که اخیراً منعقد شده، خدمات دندانپزشکی حذف شده.

کشته شدن ۷ دانش آموز در تصادف اتوبوس راهیان نور

شهروند، ۱۰ خرداد - ساعت ۳۰،۱۴ با اعلام خبری مبنی بر واژگونی یک اتوبوس در ۱۵ کیلومتری خط مرزی طلائی استان خوزستان بلافاصله اکیپی از ماموران راهنمایی و رانندگی عازم محل حادثه شد. تحقیقات نشان داد مسافران اتوبوس اسکانیا که ۴۰ دانش آموز پسر در مقطع اول دبیرستان و اهل زرنند کرمان بودند، در مسیر رفت به منطقه راهیان نور دچار حادثه شده اند.

پس از بررسیهای میدانی و در حالی که مشخص بود در این حادثه ۵ پسر نوجوان در دم جان باخته اند، بالگرد امداد و نجات جمعیت هلال احمر خوزستان به منطقه آمد و به مجروحان حادثه امداد رسانی کرد. وقتی ۵ مجروح این حادثه که به شدت آسیب دیده بودند به بیمارستانهای اهواز و هویزه منتقل شدند، ۲ نوجوان پیش از آن که تحت معاینات پزشکی قرار گیرند، روی تخت بیمارستان جان باختند. با مرگ ۲ پسر نوجوان، تعداد کشته شده های این حادثه به ۷ تن رسید. امدادگران و ماموران برای نجات جان پسران دانش آموز وارد عمل شدند و از سوی دیگر جرثقیلهایی برای جابجایی اتوبوس به محل حادثه اعزام و زخمیها به بیمارستان منتقل شدند.

در این حادثه ۳۵ دانش آموز مجروح شدند که ۱۰ تن از آنان به علت نیاز به درمان به بیمارستان منتقل و ۲۵ تن نیز به صورت سرپایی درمان شدند. تا کنون بیش از ۱۰۰ نفر در پروژه "راهیان نور" کشته شده اند.

آیا باز هم معلمان زیادی اند؟

حقوق معلم، ۹ خرداد - شهرستان زیر کوه در استان خراسان جنوبی با ۱۵۰ کیلومتر مرز مشترک، یکی از شهرستانهای محروم و مرزی است و این روزها "حق نوار مرزی" آن را به شهرستانی با یک بام و دو هوا تبدیل کرده است.

چندی پیش یکی از مسوولان دلیل عدم افزایش حقوق معلمان را این گونه توجیه کرده بود که معلمان زیادی اند. گرچه او در یک اشتباه لفظی به عمد یا به طور سهوی واژه "زیادند" را "زیادی" تلفظ نمود و موجب ناراحتی بسیاری از فعالان صنفی شد، ولی گویا در عمل باز هم دیدگاهها همان است که بود. موضوع تفاوت درصد افزایش حقوق میان معلمان و دیگر کارمندان این روزها راه به پیامکها نیز باز کرده، ولی موضوع پرداخت حق مرزی به دیگر کارکنان دولت و حذف معلمان در شهرستان زیرکوه، این گمانه را بیش از پیش در اذهان عموم پر رنگ تر نموده است.

حسین فروزان نژاد مدیر اداره آموزش و پرورش زیرکوه در گفت و گو با خبرنگار فارس در بیرجند در ارتباط با موضوع درخواست فرهنگیان زیرکوه برای دریافت حق مرزی اظهار داشت: "پرداخت حق مرزی برای فرهنگیان در این شهرستان انجام نگرفته، در صورتی که برای کارمندان برخی از دستگاه و ادارات دیگر در این شهرستان اعمال می شود." فرهاد فلاحی فرماندار زیرکوه نیز با بیان این که در حال حاضر تمام شهرستانهای استان با پرداخت نشدن حق مرزی برای فرهنگیان و برخی از ادارات دیگر روبرو هستند، یادآور شد: "این مشکل به این سبب بوده که برای این موضوع ادارات مربوطه تامین اعتبار نشده اند."

دلایل رای نیاوردن نظام رتبه بندی معلمان در مجلس تشریح شد

خبرگزاری فارس، ۱۶ خرداد - عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی علل رای نیاوردن نظام رتبه بندی معلمان در مجلس را تشریح کرد.

فرهاد بشیری، عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی گفت: "با توجه به اینکه دولت در این باره نظراتی داشت، طرح رای نگرفت و مجلس به آن رای نداد، امیدواریم در جلسه ای دیگر این بحث مطرح شود." بشیری در پاسخ به این پرسش که آیا مشکلات مالی باعث عدم رای آوردن طرح نظام رتبه بندی معلمان در مجلس شد؟ خاطر نشان کرد: "یک مقداری این موضوع بود و خود نماینده دولت هم در صحن مجلس اعتقاد داشت که این طرح نیاز دارد که بازگردانده شود و دوباره بررسیهایی انجام و جامع تر و پخته تر شود و سپس به صحن علنی مجلس بیاید." وی در پاسخ به پرسش دیگری مبنی بر اینکه آیا مجموعه کمیسیون موافق طرح رتبه بندی معلمان بودند؟ تصریح کرد: "در مجموع بله. نظر کمیسیون مثبت است و علاقه مند هستند که یک اتفاق خوب، جامع و دقیق در آموزش و پرورش رخ دهد که بتواند آموزش و پرورش را با نشاط تر کند و فرهنگیان هم بتوانند از شرایط و امکانات روز بیشتر استفاده کنند، همچنین در رابطه به معیشت آنها بتواند با تلاش و جنب و جوش بیشتری که ایجاد می شود در کارهایشان تاثیر بگذارد."

وزیر آموزش و پرورش: یک سوم دانش آموزان در مدارس تخریبی مشغول تحصیل هستند

خانه ملت - ۲۵ خرداد - علی اصغر فانی در نشست علنی امروز مجلس شورای اسلامی با ارایه گزارشی از وزارتخانه آموزش و پرورش گفت: "وزارت آموزش و پرورش در سال جاری افتخار خدمت رسانی به ۱۲.۵ میلیون دانش آموز را در کشور برعهده دارد که از این تعداد ۴۸ درصد آنرا دختران و ۵۲ درصد را پسران تشکیل می دهند." وی ادامه داد: "هنوز یک سوم از دانش آموزان در فضای آموزشی تخریبی و نیازمند مقاوم سازی مشغول تحصیل هستند و کماکان حدود ۱۳۰ هزار کلاس درس فاقد سیستم گرمایشی استاندارد هستند. در این میان هنوز حدود ۱۰ هزار واحد آموزشی به صورت دونوبته اداره می شود."

وزیر آموزش و پرورش افزود: "لازم به ذکر است که در حوزه بهداشت و درمان نیز به ازای هر ۱۶۷۰ دانش آموز تنها یک مربی سلامت مشغول به کار است."

نامه یک معلم زندانی به روحانی: از کدام اسلام سخن می گویی؟ از کدام قانون؟

هرانا، ۲۶ خرداد - رسول بدایقی، عضو "کانون صنفی معلمان ایران" در دهم شهریور ماه ۸۸ پس از احضار به اداره آموزش و پرورش اسلامشهر بازداشت و سپس در دادگاه انقلاب اسلامی به ریاست قاضی صلواتی و به اتهام "فعالیت تبلیغی علیه"



نظام" و "تبانی و تجمع به قصد برهم زدن امنیت ملی" به شش سال حبس تعزیری و پنج سال محرومیت از فعالیتهای اجتماعی محکوم شد. در زیر بخشهایی از نامه این معلم زندانی به حسن روحانی را می خوانید: جناب آقای حسن روحانی سلام، در یکی از روزهای زیبای بهاری در زندان رجایی شهر کرج، سالن ۱۲ سلول ۶، روزنامه ایران به دستم رسید که در آن جنابعالی به معلمان مطالبی را یادآوری کرده و آنان را در تخصص شان اندرز داده بودید.

از آنجایی که همواره قضاوت و ضابطان قوه قضاییه به خاطر نوشتن نامه و پیگیری حقوق ملت ایران زندانیان را از حقوق قانونی و طبیعی مصوب

خود جمهوری اسلامی محروم می کنند، بیم آن داشتم که با این نامه حکم تازه ای بر سه سال زندان من افزوده شود، اما اندیشه من بر احساساتم چیره گشت و به رسم انسانهای نترس و مبارز، بر آن شدم که شما را با برخی واقعیات آشنا کنم. جناب روحانی! شما در بخشی از نصایح خود در روزنامه ایران در مورخه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۳ که نشان از ناآگاهی شما از اوضاع کنونی مدارس داشت، گفته بودید: "دانش آموزان باید بتوانند بی دغدغه و به راحتی سوالات خود را بپرسند و پرسشگری را حق خود بدانند."

باید به اطلاع جنابعالی و بزرگترهای برسانم که امروزه دغدغه دانش آموزان پرسش از معلم نیست. دانش آموزان و معلمان از درد مشترکی به نام دیکتاتوری حاکمان خودکامه رنج می برند. آنان امروزه با همدیگر در یک صف بر علیه خفقان و سرکوب دینی به فکر راه چاره ای برای رهایی از زنجیر استبداد مافیای قدرت هستند.

دغدغه دانش آموزان بیکاری و اخراج پدران و مادران و هموطنان و در آینده ای نزدیک، بیکاری خود آنان و فقریست که باید با آن دست و پنجه نرم کنند. امروزه دغدغه دانش آموزان تورم فلاکت باریست که خانواده آنان و ملت شریف ایران را اسیر خود کرده است و دهها سال است که به یمن برکت امثال جنابعالی با این دغدغه روزگار می گذرانند. دغدغه های آنان آینده مبهمی است که شما و اطرافیان قدرت طلب برای آنان به ارمغان آورده اید. آزادی آنان دهها سال است که با ریاکاری و دروغ و دزدی حاکمان پیمان شده است.

آقای روحانی! من و همکاران فرهنگی ام در سراسر کشور به جرم انتقاد و یادآوری اصل سی قانون اساسی مبنی بر رایگان بودن آموزش و پرورش، خواستار دادن فرصتهای برابر آموزشی برای همه دانش آموزان کشور و حقوق قانونی برای معلمان شدیم، اما پاداش ما سالها زندان و محرومیت از حقوق قانونی و مدنی بوده است.

آقای روحانی از کدام اسلام سخن می گویی؟ از کدام قانون؟ از کدام انسانیت و رافت سخن می رانی و افسانه می سرایی؟ کجای ایران زندگی می کنی؟

آقای روحانی! پنج سال است بزرگترین آرزویم این است که برای لحظاتی فرزندان خردسالم را در آغوش بکشم. دردناک تر اینکه این آرزو را در چشمان آنان در پشت شیشه های کابین ملاقات نیز می خوانم. آقای روحانی تو رییس جمهور کشوری هستی که معلمانش از داشتن یک هفته نامه هم محروم هستند.

رسول بدافی - ۲۳ خرداد ماه ۹۳

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در

ایران را به شدت محکوم می کنیم.

سلامت با کدام سویه؟

امید برهانی

"طرح تحول نظام سلامت" که وزارت بهداشت از آن به عنوان یکی از مهم ترین اقدامات صورت گرفته در عرصه بهداشت و درمان کشور نام می برد، منتقدان بسیاری را به یادآوری مشکلات اجرای این طرح و نحوه تخصیص بودجه وزارت بهداشت برانگیخته است.

بر اساس بخش اعلام شده این طرح که روی آن تبلیغات وسیعی هم صورت گرفته، بیماران بستری در مراکز دولتی تنها ۱۰ درصد هزینه های درمان را خواهند پرداخت و ۹۰ درصد باقیمانده بر عهده دولت است. این در حالی ست که تا پیش از اعلام این طرح، ۳۰ درصد اسمی سهم بیماران از هزینه های درمان، در سالهای اخیر به ۷۰ درصد رسیده و با وجود این، بیمه شدگان با کیفیت پایین خدمات، کمبود دارو و تجهیزات، کمبود پرسنل درمانی، هزینه های سرسام آور بیمارستانهای خصوصی و عدم تعهد کافی سازمانهای بیمه گر (به ویژه بیمه های تکمیلی) نسبت به بیمه شدگان دست به گریبان هستند.

از طرف دیگر، سیاهه گره های ناگشوده سیستم بهداشت و درمان ایران امروز طولانی است که در صدر آنها بی توجهی به حقوق قانونی و معیشت و سختی کار و بازنشستگی به موقع پرستاران، زمینگیر شدن طرح پزشک خانواده، بدهی کلان دولت به سازمانهای بیمه گر و عملکرد ناهمگون قرار گرفته است. حال "دولت اعتدال و امید" که وزیر بهداشت اش از همین ابتدای راه عبارت "شرمنده ام" تکیه کلامش شده، با کدام توان و پشتوانه و تا کی می خواهد بار ۹۰ درصدی هزینه بستری را بر گرده بکشد، پرسشی ست که ارزش کمی درنگ پیش از پاسخ را دارد.

بودجه و بار مالی این طرح به ظاهر عدالت خواهانه از محل درآمد حاصل از حذف یارانه ها (پروژه ای به شدت نو - لیبرالی) تامین شده است. از همین جا می توان به جهت گیری اجتماعی آن نیز پی برد. دولت با حذف یارانه ها در کشور با وجود درآمد پایین کارورزان، تورم افسار گسیخته و محرومیت فرساینده طبقات زحمتکش و مزد بگیر، با ایجاد تاثیرات ناگوار بر تغذیه و شیوه زندگی و ایجاد استرسهای گوناگون جسمی و روحی، سطح سلامت فرد و جامعه را پایین و بار بیماری را بالا می برد و حال برای درمان این دردهای خودساخته ناچار به هزینه کردن بخشی از پول همان یارانه ها می شود. اما این کار ابدی نیست. با ورود تکنولوژیهای نوین پزشکی از یکسو، و رقابت کمپانیهای دارویی و تجهیزات پزشکی بر سر تصاحب بازارهای جهان سوم و رانت خواری، زد و بند و زد و خورد دولتیها و بخش خصوصی بر سر انحصار واردات این کالاها از سوی دیگر، فرآیندهای درمان پیچیده تر و هزینه های آن هرچه بیشتر می شود و زمانی می رسد که دولت ناچار یا خودخواسته از زیر وزن بودجه درمان شانه خالی می کند و بار یارانه باسمه ای درمان را به زمین می گذارد. به این ترتیب سیکل معیوب فرار دولت از مسوولیتهای خود، قطع خدمات اجتماعی و آزادسازیهای افسارگسیخته همچنان به گردش ادامه می دهد.

بر این اساس "طرح تحول نظام سلامت" از ابتدا نه عدالت خواهانه، بلکه کاملاً پوپولیستی است که توده های محروم را از صف یارانه نقدی و سبد کالا به صف انتظار بیمارستانهای دولتی کشانده و آنها را در وادی نا امن درمان سرگشته می کند. ضمن اینکه کارکنان بخش درمان که اکثرشان از همین توده ها هستند را بدون توجه به حقوق قانونی و حرفه ای آنها، با شرایط کار طاقت فرسا و ظالمانه مواجه می سازد.

بد نیست در این باره از زبان خود متولیان نظام سلامت جمهوری اسلامی بشنویم؛

مسعود پزشکیان، نماینده مجلس و وزیر اسبق بهداشت، نسبت به مخاطرات اجرای طرح تحول سلامت با توجه به روند فعلی هشدار می دهد و از دولت می خواهد در صرف هزینه های درمان بیشتر احتیاط کند.

وی می گوید: "بودجه ای که دولت در این راه گذاشته اعتبار خوبی است، ولی اگر درست هزینه نشود، این فرصت می تواند به تهدید تبدیل شود. آنچه در سیاستهای کلی و قانون برنامه ها بیان شده و بند ۵ سیاستهای کلی هم اشاره به آن دارد، این است که تنها در چارچوب نظام ارجاع می توان قرارداد بست، پول داد و مدیریت کرد. طبق این برنامه، پیشگیری مقدم بر درمان است. یعنی ارجاع، بخش بندی، پزشک خانواده و تمامی خدمات پزشکی باید بر اساس عدالت باشند، ولی

متاسفانه روندی که وزارت بهداشت در پیش گرفته، به جای پیشگیری از درمان شروع شده و دولت ۹۰ درصد هزینه های درمان افراد بستری در بیمارستان را تقبل کرده است. روشن است هر چقدر که بیشتر در امر درمان هزینه شود مردم راضی ترند اما در بلند مدت هزینه های درمان هم برای مردم و هم برای دولت بسیار زیاد افزایش پیدا می کند. از طرف دیگر، توقعات جامعه هم در این دوره افزایش پیدا خواهد کرد. اگر وزارت بهداشت به همین شکل بودجه مصرف کند، کل بودجه دولت را هم به وزارت بهداشت اختصاص دهند، باز هم کم می آید."

به نظر پزشکبان رتبه بندی بیمارستانی که به تازگی مطرح شده یعنی گسترش بی عدالتی: "این که کسی که پول بیشتری دارد خدمات بیشتری بگیرد و کسی که پول کمتری دارد خدمات کمتری بگیرد، خلاف عدالت است. در صورتی که رویه باید به گونه ای باشد که کسانی که پول کمتری دارند، خدمات بیشتری بگیرند. این رتبه بندی باید طبق قانون انجام شود."

جالب این جاست که این عضو کمیسیون بهداشت و درمان با وجود تمام مواضع به ظاهر عدالت خواهانه اش، پیرامون ارایه پیشنهاد یا تذکر یا ایستادگی کمیسیون با این رویکرد غیر قانونی دولت کاملاً از خود سلب مسوولیت کرده و می گوید: "پیشنهاد خاصی نداریم. کمیسیون تنها از دولت می خواهد تا مبتنی بر سیاستهای کلی و مدیریت درست، بودجه را هزینه کند. انتظار از وزارت بهداشت و درمان این است که در چارچوب قانون و سیاستهای کلی اقدام کند."

خبرها و گزارشهای مرتبط

نامه سرگشاده بیش از ۱۵ هزار پرستار به حسن روحانی

روزنامه اعتماد، ۲۲ خرداد - تعداد امضاهای نامه سرگشاده به رییس جمهور درباره مشکلات صنفی پرستاران فقط ظرف سه روز به بیش از ۱۵ هزار رسید؛ نامه ای که اواسط هفته جاری از سوی "خانه پرستار" خطاب به حسن روحانی نوشته شد با این امید که رییس جمهوری با اطلاع از مشکلاتی که در اثنای اجرای طرح ملی تحول سلامت برای جامعه پرستاری کشور ایجاد شده، به بازنگری در پیشنهادات وزارت بهداشت برای جبران کمبود پرستار با استفاده از دانشجویان پرستاری و همچنین ایجاد مشوقهایی برای حضور دوباره صدها پرستار خانه نشین یا بی رغبت به همکاری با وزارت بهداشت به علت بی صرفه بودن درآمد با هزینه های ایجاد شده، دستور دهد.

دو ماه قبل و در آستانه اجرای طرح ملی تحول سلامت، هنگامی که گزارش کمبود نیروی ارایه دهنده خدمات روی میز وزیر بهداشت آمد و مشخص شد که وزارت بهداشت به عنوان مجری طرح، با دو مشکل اساسی کمبود پزشک در مناطق محروم به دلیل بی رغبتی پزشکان به استقرار در این مناطق و کمبود پرستار در بیمارستانهای دانشگاهی و دولتی به علت بی رغبتی پرستاران برای اشتغال در شغل خود مواجه خواهد شد، وزیر بهداشت در جلسه ای با مسوولان دانشگاههای علوم پزشکی سه پیشنهاد برای جبران کمبود نیروی پرستاری در اثنای اجرای این طرح مطرح کرد:

۱- به کارگیری دانشجوی پرستاری با پرداخت دستمزد ساعتی پنج هزار تومان

۲- عقد قرارداد ۸۹ روزه با پرستاران مایل به فعالیت

۳- خرید خدمت پرستاری توسط بیمارستانهای مجری طرح از محل درآمد اختصاصی بیمارستانها.

مدیران بیمارستانها از دو گزینه اول و دوم به علت عدم الزام به ایجاد پوشش بیمه ای برای دانشجویان پرستاری و همچنین پرستاران مشمول قراردادهای ۸۹ روزه، استقبال بیشتری داشتند. با گذشت ۳۸ روز از اجرای طرح ملی تحول سلامت اما جامعه پرستاری نسبت به حجم فشار کاری که طی همین مدت متحمل شده معترض است و به نظر می رسد که پیشنهادات وزیر بهداشت هم نتوانسته راهگشای مشکلات پرستارانی که از ۷ سال گذشته تاکنون چشم انتظار اجرای قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری و دستیابی به حقوق صنفی خود هستند باشد.

شریفی مقدم، دبیر کل خانه پرستار می گوید: "اقدام وزیر بهداشت و معاون پرستاری او برای به کارگیری دانشجوی پرستاری به جای پرستار ماهر کاملاً آگاهانه است. هر پرستار که به طور متوسط، ۱۰۰ الی ۱۲۰ ساعت در ماه کار می کند،

ساعتی ۳۰ هزار تومان برای دولت هزینه ساز است، در حالی که اگر از دانشجوی پرستاری استفاده شود، فقط ساعتی ۵ هزار تومان برای دولت هزینه دارد ضمن آن که الزامی هم به بیمه کردن دانشجوی ندارد. اما مسوولان وزارت بهداشت متوجه نیستند که دانشجوی پرستاری فاقد مهارت لازم برای رسیدگی به امور بیماران است و در حالی که پیش از اجرای طرح تحول سلامت، کیفیت خدمات دهی پرستاران ۳۰ درصد بوده، امروز با به کارگیری دانشجوی پرستاری و کمبود پرستار ماهر در بخشهای بیمارستانی به کمتر از ۱۵ درصد کاهش پیدا کرده است."

بنا بر استانداردهای جهانی، باید به ازای هر هزار نفر جمعیت، ۳ پرستار مشغول به کار باشند در حالی که هم اکنون این رقم در ایران ۱/۲ پرستار است. همچنین بر اساس نتایج همین برآورد، باید به طور متوسط به ازای هر تخت بیمارستانی، ۲ پرستار فعال باشند که این ضریب هم در ایران به عدد ۱ کاهش پیدا کرده است.

طرح تحول نظام سلامت بدون اجرای قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری

پایگاه اطلاع رسانی نظام پرستاری، ۲۷ خرداد - عبدالله صفری، عضو شورای عالی نظام پرستاری گفت: "طرح تحول نظام سلامت طرحی خوب است، ولی بدون اجرای قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری به نفع پرستاران نیست." وی ادامه داد: "اگر چه این طرح به نفع مردم است و همواره یکی از آرزوهای دیرینه مردم و سیستم سلامت تحقق اهداف این طرح بوده، ولی به دلیل برخی بی توجهیها و تعللها در اجرای قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری، این قانون در طول این ۷ سال خاک خورده و عملیاتی نشده است. در نتیجه تیم سلامت، علی الخصوص پرستاران، به طرحهای اجرایی وزارت بهداشت از جمله طرح تحول نظام سلامت خوشبین نیستند."

وی افزود: "تا کنون کمبود بودجه و پول همواره مانعی بر راه اجرای قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری عنوان می شد، اما امروز شاهدیم که میلیاردها تومان به دانشگاههای علوم پزشکی تخصیص یافته است ولی قانونی که هم مجلس و هم شورای نگهبان آن را تایید و تصویب کرده و ابلاغ شده، به راحتی سالهاست که خاک می خورد."

وی اجرای قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری را یکی از اولویتهای جامعه پرستاری خواند و گفت: "بهتر این بود که پیش از اجرای طرح تحول نظام سلامت، ابتدا قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری را اجرایی می کردند تا پرستاران نیز با انگیزه بیشتری دنبال طرحهای وزارت بهداشت از جمله طرح تحول نظام سلامت می بودند. این طرح بار کاری مضاعفی را بر کل سیستم درمان به ویژه پرستاران تحمیل کرده است و در حال حاضر بسیاری از بیماران بخشهای خصوصی به بخشهای دولتی سرازیر شده اند و سنگینی این افزایش مراجعان بر دوش سیستم درمان بویژه پرستاران است. این در حالی است که هیچ تغییری در نظام پرداخت یا عادلانه شدن نظام پرداخت صورت نگرفته و در این طرح اغلب دستورالعملها معطوف به منافع یک گروه خاص در سیستم بهداشت و درمان می شود و انتظار این بود که تمام تیم درمان به صورت عادلانه دیده می شدند."

دلایل بحران کمبود پرستار در بیمارستانهای دولتی و خصوصی

ایلنا، ۲۸ خرداد - عضو هیات مدیره انجمن صنفی پرستاران استان اصفهان، گفت: "به دلیل پایین بودن دستمزد و سخت بودن شرایط کار، بیمارستانهای خصوصی و دولتی با مشکل جدی کمبود نیروی پرستار مواجه هستند." فروغ شفیعی در این باره گفت: "در حال حاضر در بیمارستانها هر پرستار به جای ۳ تا ۴ نفر کار می کند تا این کمبود نیرو تا حدی جبران شود."

وی در باره سخنان اخیر معاونت پرستاری وزیر بهداشت مبنی بر کمبود ۲۰ هزار پرستار در کشور، با بیان اینکه بیمارستانهای خصوصی با حداقل دستمزد بیشترین کار را از پرستاران می کشند، گفت: "بیمارستانهای خصوصی اکثر مزایای مصوب نظام پرستاری را پرداخت نمی کنند. از طرف دیگر هرچند در بیمارستانهای دولتی مزایای پرستاران طبق قانون پرداخت می شود، اما در این بیمارستانها نیز چند سال است جذب نیرو پرستار متوقف شده است."

این فعال صنفی با اشاره به قانون ارتقای بهره وری کارکنان نظام پرستاری تصریح کرد: "باوجود اضافه کاری پرستاران به علت کمبود نیرو، علیرغم این قانون، در اکثر بیمارستانهای خصوصی شب کاری پرستاران به جای سه شیفت، دو شیفت محسوب می شود. قانون بهره وری در این بیمارستانها اجرا نمی شود. علاوه بر مشکل شیفت شب، در ساعت تعویض شیفتها، کارفرما از ساعت کار پرستاران کم می کند و این درحالی است که پرستاران ساعات بین دو شیفت را هم پوشش می دهند."

وی گفت: "در چنین شرایطی پرستار مجبور است تا برای جبران ساعات کار حذف شده مدت زمان بیشتری را به انجام اضافه کاری اختصاص دهد تا از این طریق درآمد از دست رفته به نوعی جبران شود." این فعال صنفی ادامه داد: "طبق قانون ارتقای بهره وری، به ازای هر ۴ سال کار پرستاران باید مقداری از ساعت کاری آنها کاسته شود، اما این قانون هم در بیمارستانهای خصوصی اجرا نمی شود و ساعت کاری پرستاران تازه کار و سابقه دار یکسان است."

رویدادهای هنری ماه

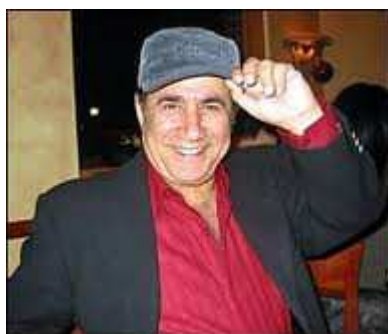
لیلا جدیدی

سخن روز :

- "وجود نویسندگان و هنرمندان اگر تنها یک علت داشته باشد، آن علت چیزی نخواهد بود جز سخن گفتن به جای همه کسانی که نمی توانند سخن بگویند (آلبرت کامو (۷ نوامبر ۱۹۱۳ - ۴ ژانویه ۱۹۶۰، نویسنده، فیلسوف و روزنامه نگار الجزایری - فرانسوی تبار. او خالق کتاب "بیگانه" است)

- زندگی شبیه دوچرخه سواری است. برای حفظ تعادل همیشه باید در حرکت باشی (آلبرت انیشتین (۱۴ مارس ۱۸۷۹ - ۱۸ آوریل ۱۹۵۵)، فیزیکدان نظری آلمانی. او بیشتر به خاطر نظریه نسبیت و به ویژه برای هم ارزی جرم و انرژی $E=mc^2$ شهرت دارد)

تیاتر



آیا صمد سیاسی شده است؟

پرویز صیاد برای اجرای نمایش به اروپا سفر کرده است. این هنرمند پرسابقه در گفت و گو با "دویچه وله" از سینمای ایران و از محدودیتهای فیلمسازی در خارج از کشور می گوید و همچنین از رابطه خودش با سیاست.

او در پاسخ به این سوال که برخی انتقاد می کنند که صمد خیلی سیاسی شده و دوست دارند صمد سابق را روی صحنه ببینند، شما نظرتان در این رابطه چیست؟ می گوید:

"صمد سیاسی نشده، بلکه صمد عضوی از جامعه تحت ستم ایران و تحت تاثیر شرایط سیاسی اجتماعی آن جامعه است که نسبت به مسایل واکنش نشان می دهد. حالا اگر برخی فکر می کنند که صمد سیاسی شده، به دلیل این است که خودشان غیرسیاسی شده اند و ضرباتی که از سیاسی بودن و یا از گرایشهای سیاسی خوردند، فکر می کنند که رفاه و آسایش نسبی از غیرسیاسی بودن فراهم می شود. در حالی که حقیقت این است که هر کدام از ما در هر گوشه ای از دنیا قربانیان این سیاستهایی هستیم که خودمان هیچ نقشی در آن نداشتیم. بنابراین می توانیم در برابر سیاست آسیب پذیر باشیم."

همین آسیب پذیری باعث می شود که برخی فکر کنند برای رهایی از آسیب، نباید سیاسی بود! یعنی در برابر وقایع و فجایع نباید واکنشی نشان داد! آیا با عکس العمل نشان ندادن می توان به آرامش و آسایش فکری رسید؟"

کشمکش بین وزیر ارشاد و قوه قضاییه بر سر نمایشنامه "تانگوی تخم مرغ داغ"

اجرای نمایشنامه "تانگوی تخم مرغ داغ"، سیزدهمین نمایشنامه اکبر رادی با کارگردانی هادی مرزبان و بازیگری علی نصیریان که از اردیبهشت امسال به مدت یک ماه و نیم در تالار وحدت روی صحنه بود، متوقف شد.



اجرای این نمایشنامه با حکم قوه قضاییه متوقف شده و برای آن پرونده قضایی تشکیل شده است. علت پیگرد قضایی، بنابر اعلامیه دادستانی تهران، "ارتکاب برخی اقدامات و حرکات خلاف موازین

اسلامی" و "صحنه های نامناسب که اکثرا توسط زن اجرا می شود"، بیان شده است. وزیر ارشاد در این باره گفته بود: "برخی در قوه قضاییه اعتقاد دارند می توانند در هر جایی هر تصمیمی را به طور قانونی بگیرند؛ بیایند و توقیف کنند و این موضوع را از جمله اختیارات خود می دانند." اما در اعلامیه دادستانی آمده است: "بدیهی است توقیف و بازداشت نه تنها اختیار، بلکه از وظایف مسلم مراجع قضایی است و اقدامات قضایی زمانی صورت می گیرد که مسوولان مربوطه در انجام وظایف محوله مسامحه نمایند." به گزارش منابع خبری رسمی، این نمایشنامه پس از تغییراتی اجازه اکران یافت. روشن نیست که تغییراتی که این منابع به آن اشاره می کنند چیست؟

موسیقی



باز هم درهای بسته تالار وحدت به روی زنان هنرمند

جشنواره موسیقی زنان بعد از شش سال که برگزار نشده بود، امسال هم بهم خورد. مسوولان وزارت ارشاد می گویند این برنامه از اول هم در جشنواره نبود و بلیت هم به اندازه کافی فروش نرفته بود. این در حالیست که زنان هنرمند می گویند، امکان تبلیغات برای آنها فراهم نشده بود و با این حال مردم استقبال کرده بودند.

بر اساس قوانین موجود، بانوان هنرمند فقط از ساعت ۱۳ تا ۱۵، یعنی در بدترین ساعتهای روز می توانستند روی صحنه تالار وحدت بروند و برنامه اجرا کنند. این امر و بسیاری دیگر از محدودیتها سبب شکوه و گلایه هنرمندان شده است. آنها که امیدوار بودند در دولت روحانی فرصتی برای زنان موسیقیدان فراهم آید، درهای تالار وحدت را بار دیگر در مقابل خود بسته دیدند.

اعتراض به قوانین تازه یوتیوب

یوتیوب گفته است که موزیک - ویدیوهای خواننده ها و گروههایی از قبیل "ادل"، "آرکتیک مانکیز" و "ریدیوهد" را حذف می کند زیرا لیبلهای مستقل تولیدکننده این آثار حاضر به پذیرش شرایط قرارداد تازه یوتیوب نشده اند.



از مدتی پیش گوگل که مالک سایت یوتیوب است، در حال مذاکره با شرکتهای تولیدکننده موسیقی برای بستن قراردادهای تازه مرتبط با سرویس عضویت موسیقی بوده است.

یک سخنگوی شرکتهای مستقل موسیقی گفته است که یوتیوب در حال ارتکاب خطای فاحشی است که بر قضاوت نادرست مالی مبتنی است.

یوتیوب گفته است که قصدش این است که با

راه اندازی سرویس پخش موسیقی بر اساس تقاضا، نظام تازه پرسودی برای صنعت موسیقی به ارمغان بیاورد. "رابرت کیند"، سرپرست بخش محتوا و بازرگانی یوتیوب به فایننشیل تایمز گفته است که اگر مذاکره به نتیجه نرسد، ممکن است آثار تولیدشده شرکتهای مستقل موسیقی ظرف چند روز از یوتیوب حذف شود. شرکتهای عمده تولید موسیقی یعنی "یونیورسال"، "سونی" و "وارنر" شرایط تازه این سایت را پذیرفته اند، ولی شرکتهای مستقل و کوچک تر حاضر به پذیرش شرایط یوتیوب نشده اند. "اد اوبراین"، گیتاریست گروه ریڈیو هد، گوگل را متهم کرده است که تلاش می کند شرکتهای مستقل را وادار به پذیرش قراردادهای یکجانبه کند.



نشان "شوالیه" به شجریان

نشان "شوالیه"، جایزه ملی لیاقت فرانسه به محمدرضا شجریان اهدا می شود. شجریان پس از شهرام ناظری، دومین خواننده ایرانی است که این جایزه را دریافت می کند.

نشان شوالیه در سال ۱۹۶۳ توسط ژنرال شارل دوگل، رئیس جمهور وقت فرانسه ابداع شد. این نشان به تمام نظامیان و شهروندان غیرنظامی که نام ماندگاری در عرصه فعالیت شان از خود به جای گذاشته باشند، اهدا می شود.

تاکنون از ایران محمود حسابی (فیزیکدان)، عباس کیارستمی (کارگردان سینما)، پری صابری (کارگردان تئاتر)، جلال ستاری (اسطوره شناس)، محمدعلی سپانلو (شاعر)، رضا دقتی (عکاس)، لایلا حاتمی (بازیگر سینما) و اصغر فرهادی (کارگردان سینما) این نشان را دریافت کرده اند.

رکورد جدید موزیک ویدیو

موزیک ویدیوی **Gangnam Style** با گذر از مرز ۲ میلیارد بیننده، به عنوان پر بیننده ترین ویدیو در وبسایت یوتیوب رکورد جدیدی برجا گذاشت. این کلیپ با اجرای "سای"، خواننده رپ اهل کره جنوبی در ژوئیه ۲۰۱۲ منتشر شد و شهرت جهانی پیدا کرد. نام این موزیک ویدیو از محله ای در حاشیه شهر سئول، پایتخت کره جنوبی گرفته شده است و در آن چهره اصلی با افراد مختلف و حتی



چهره های شناخته شده مانند بان کی مون در مکانهای گوناگون و در وضعیتهای متنوع می رقصند.

این خواننده کره ای ویدیوی دیگری به نام **Gentleman** نیز بر روی یوتیوب منتشر کرده است که حدود ۷۰۰ میلیون بازدید کننده داشته است.

این ویدیو همچنین رکورد بیشترین بیننده در یک روز (۳۸ میلیون نفر) را نیز از آن خود کرده است. نزدیک ترین رقیب **Gangnam Style**، موزیک ویدیویی از جاستین بیبر، خواننده کانادایی با عنوان **Baby** است که حدود یک میلیارد بیننده داشته است.

سینما



جایزه یک عمر دستاورد هنری برای جین فوندا

چهل و دومین جایزه دستاورد هنری انجمن فیلم آمریکا (AFI) به "جین فوندا"، بازیگر صاحب نام و فعال سیاسی اهدا شد.

در مراسم اهدای این جایزه، شمار زیادی از ستاره های هالیوود به وی ادای احترام کردند.

"مریل استریپ"، "سالی فیلد"، "ساندرا بولاک" و "کامرون دیاز" از جمله کسانی بودند که این بازیگر ۷۶ ساله و برنده اسکار را در هالیوود ستایش کردند.

جین فوندا گفت: "من خوشحالم که نام زن دیگری را به فهرست دریافت کنندگان این جایزه اضافه کرده ام." فوندا که تاکنون نامزد هفت جایزه اسکار شده است، دو جایزه اسکار را برای فیلمهای "کلوت" در سال ۱۹۷۱ و "بازگشت به خانه"، محصول ۱۹۷۸ برده است. فوندا هنگام دریافت جایزه به حضاران سالن که به طور عمد از چهره های سرشناس سینمایی بودند توصیه هایی کرد و گفت: "سوال کنید، کنجکاو بمانید. علاقمند بودن بسیار مهم تر از جالب بودن است."

ناصر تقوایی: کجای دنیا واژه ها مجرم هستند؟



ناصر تقوایی، نویسنده و فیلمسازی که ساخت سریال دایی جان ناپلئون و فیلمهایی نظیر "ناخدا خورشید" و "کاغذ بی خط" و مجموعه داستان "تابستان همان سال" (چاپ پیش از انقلاب ایران) را در کارنامه هنری خود دارد، در مراسم بزرگداشتی که برای وی از سوی "خانه هنرمندان تهران" برگزار شده بود، به سانسور وزارت ارشاد اعتراض کرد.

وی گفت: "تاکنون سانسور، سانسور مضمونی بوده است، اما امروز دیگر صحبت از مضمون نیست و این روزها کار به جایی رسیده

است که واژگان را سانسور می کنند و می گویند فلان واژه را استفاده نکنید. واژه "می" را از دامنه واژگان حذف کردند.

مگر می شود این واژه حذف شود؟ با اشعار حافظ چه می کنید؟ کجای دنیا واژه ها مجرم هستند؟"

این در حالی است که علی جنتی، وزیر ارشاد، گفته است: "ما قایل به سانسور نیستیم و آنچه به آن عمل می کنیم، قانون است؛ قانونی که توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی در حوزه کتاب و نشر به تصویب رسیده است."

او محدودیتهای قوانین رژیم را مواردی نام برد که "با امنیت ملی، اخلاق عمومی و عفت عمومی در تعارض باشد."

اما ناصر تقوایی می گوید: "نمی توانم کار کنم. همسرم می داند که چقدر کار نوشته شده دارم. اما نمی توانم آنها را چاپ کنم. اگر قرار است کاری کهنه بشود، بگذارید بشود."

در این مراسم مسعود کیمیایی، سعید پورصمیمی، مجید سرسنگی و مرضیه وفامهر، همسر ناصر تقوایی که به دلیل بازی در فیلم "تهران من حراج" به زندان و شلاق محکوم شده بود، حضور داشتند.

بیلگه جیلان جایزه نخل طلایی را به جوانان معترض ترکیه تقدیم کرد.



جایزه نخل طلایی جشنواره کن به فیلم ترکی "خواب زمستانی" به کارگرانی "نوری بیلگه جیلان" تعلق گرفت. داستان فیلم "خواب زمستانی" درباره یک هتلدار بی رحم و مستبد در یک روستای ترکیه واقع در آناتولی (شرق ترکیه) است.

"نوری بیلگه جیلان" در سال ۲۰۱۱ برای فیلم "روزی روزگاری در آناتولی" و در سال ۲۰۰۸ برای فیلم "سه میمون" و در سال ۲۰۰۲ نیز برای فیلم "دور دست" جایزه بزرگ جشنواره کن را دریافت کرده بود.

بیلگه جیلان پس از دریافت جایزه خود از "ژیل ژاکوب"، رییس جشنواره کن، از انتخاب این فیلم تشکر کرد. جیلان در پایان، جایزه خود را به جوانان ترکیه که در اعتراضهای سال گذشته این کشور جان خود را از دست دادند، تقدیم کرد.

کتاب

کتابهای الکترونیکی تا سال ۲۰۱۸ از کتابهای چاپی پیشی می گیرد

یک موسسه تحقیقاتی پیش بینی کرده است تا سال ۲۰۱۸ فروش کتابهای الکترونیکی از کتابهای چاپی پیشی می گیرد. با پیشرفت فناوری و دسترسی به محتوای مختلف از طریق تلفن هوشمند، کتاب خوانی دیجیتالی محبوبیت به سزایی در بین مردم، به ویژه جوانان پیدا کرده است. بر اساس گزارش موسسه "پرایس واترهایوس کوپرز"، ارزش بازار کتاب الکترونیکی که شامل کتابهای درسی و راهنما نیز می شود، از ۳۸۰ میلیون پوند به یک میلیارد پوند افزایش خواهد یافت. همچنین در این گزارش پیش بینی شده که همزمان فروش کتابهای کاغذی به میزان یک سوم افت خواهد داشت.

شعر

شعری که سرکشی نکند هم به میزان باج می دهد هم به عوام

مسعود احمدی، خالق کتاب "دوزن"، با ابراز اینکه در دولت قبلی باوجود تلاشهای ناشران هیچیک از کتابهای وی موفق به اخذ مجوز نشدند، می گوید: "در این دولت، میزان حدود ۳۰ درصد اشعار مجموعه شعر "دارم به آخر خودم نزدیک می شوم" را حذف کرده اند؛ از این رو دست به شعر نمی زنم. کل شعر را حذف می کنم." مسعود احمدی با اشاره به رسالت هنرمند در جامعه گفت: "هنرمند بزرگ به مخاطب نگاه نمی کند. صاحب فکر و اندیشه است. وظیفه هنرمند، ارتقای سطح دانش عمومی است. وظیفه هنرمند این است که از جامعه جلوتر باشد. جامعه خودش را به او می رساند."

شعری از مهرداد.م

چکه می کند
گلدان خانه ام

غرورش را
سبز می شود
آغوش پنجره
سرخ می شود
نگاه خیابان

شعری از مهرداد عرفانی

اتفاقی افتاده که ممنوع است ملاقات؟
امشب دوباره تیرباران می شویم
هی هر شب باید بمیریم و شهید شویم
برویم مثل یک تئاتر بچسبیم به جوخه و
سوراخ شویم و بیفتیم زمین
یکی بیاید توی مغزمان بزند خلاص را
هی همش خسته شدیم اینقدر که مردیم ما
نقش دیگری بدهید آقای کارگردان
خر که نیستیم
سی سال نمی شود توی یک نقش بازی کنیم
صحنه را عوض کنید آقای تهیه کننده
خسته شدیم از بس عاشق نمی شویم
کمی شادی
کمی رنگ
و بگذارید توی خیابان راه برویم
به یک نفر متلک بگوییم
و بعد او عاشق ما بشود
برادرش بیاید
دعوا بشود
برویم خواستگاری
فیلم تمام شود

بیانیه جمع کثیری از زندانیان سیاسی زندان گوهردشت کرج در محکومیت اعدام ضدبشری غلامرضا خسروی

بیانیه جمع کثیری از زندانیان سیاسی زندان گوهردشت کرج در محکومیت اعدام ضدبشری شهید راه آزادی مردم ایران غلامرضا خسروی جهت اطلاع عموم و انتشار در رسانه ها در اختیار « فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران » قرار داده شده است متن بیانیه به قرار زیر است:

اعدام خسروی خشونت طلبی رژیم و رسوایی مدعیان حقوق بشر

مدتی پیش آقای صادق لاریجانی به اصطلاح رئیس قوه قضاییه رژیم اسلامی حاکم بر ایران با صراحت اعلام کرد ما اعدام



سیاسی نداریم. این دروغگویی آشکار به هیچ وجه شگفت انگیز نیست برای اینکه دروغگویی خصیصه ذاتی این رژیم به یادگار مانده از خمینی است.

حکومت موسوم به جمهوری اسلامی هر گاه در تنگنا قرار گیرد دست به هر جنایتی می زند تا

به هواداران خود روحیه دهد و به زعم خود در درون نیروهای دموکراسی خواه هراس ایجاد نماید.

انتقام جویی، خشونت طلبی، خدعه و دروغگویی جزو ذات این حکومت دیکتاتوری است و هیچگاه تغییر نخواهد کرد. در شرایطی که شاید رشد جنبشهای اجتماعی مثل مخالفت عمومی با اعدام، نه به پوشش اجباری، اعتصابات پی در پی طبقه کارگری برای رسیدن به مطالبات بر حق خود، فراگیر شدن مطالبات بر حق آزادی بی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی عقیدتی، استقلال قوه قضاییه و دادرسی منصفانه و سایر مطالبات هستند، تا زمانی که در سیاستهای خارجی شکست خورده پیامد آن انزوای بیشتر، تحریمهای شدیدتر علیه رژیم، و در نتیجه تشدید اعتراضات عمومی دست به خشونت‌های بیشتر نیز خواهد زد.

آنها به هر قیمت در پی حفظ قدرت و ثروت هستند. به همین دلیل خسرویها را به دار می آویزند. تا به سایر زندانیان سیاسی پیام دهند که مقاومت در برابر سرکوب آنگونه که در بند ۳۵۰ اوین اتفاق افتاد پیامد سختی دارد. اما از این واقعیت غافل هستند که اگرچه اعدام خسرویها برای زندانیان سیاسی بسیار دردناک و سنگین است، اما زندانی نیز از اقدامات جنایتکارانه چند جنایتکار در کرسی قدرت و ثروت نشسته منزجر هستند که این امر را از نزدیک شاهد بودیم. در عین حال اعدام غلامرضا خسروی شاید بیشتر بر زندانیان سیاسی این پیام را به دول غربی که به دروغ ادعا می کنند در مذاکرات و تعاملات خود با رژیم سراسر جنایت، خشونت و فریبکار حاکم بر ایران مسئله حقوق بشر را مورد توجه قرار می دهند، دارد که از زمان شروع چنین مذاکراتی بر تعداد اعدامها افزوده شده و نقض سیستماتیک حقوق بشر به شدت ادامه دارد.

زندانیان سیاسی زندان رجایی شهر

۱۴ خرداد ۱۳۹۳ خورشیدی

مجید اسدی، حسین اسدی، حسن آشتیانی، رضا اکبری منفرد، محمد امیرخیزی، پیشه ور، ماشاءالله حائری، خالد حردانی، افشین حیرتیان، شاهرخ زمانی، علی ترلان پور، حشمت الله طبرزدی، اصغر قطان، صالح کهندل، سعید ماسوری، محمدعلی منصور، جواد فولادوند، میثاق یزدان نژاد، ناصر یوسفی، اسد الله هادی.

www.hrdai.net

<http://hrdai.blogspot.com>

pejvakzendanyan@gmail.com

Tel.:0031620720193

منبع: فعالین حقوق بشر و دموکراسی در ایران

فراسوی خبرها.....

پوشش اجباری، ارتجاعی، اعمال زور و کنترل مزورانه است

لیلا جدیدی

فراسوی خبر... شنبه ۱۰ خرداد

از دیده ها پنهان نیست که همزمان با عقب نشینی هسته ای، سرکوب و فشار بر جامعه نیز شدت و حدت یافته است. به همان میزان که رژیم در برابر کشورهای غربی تعظیم می کند، حس تهدید از سوی جامعه ای که آن را با دستاویز غرب ستیزی سرکوب می کند و به همین بهانه به فلاکت و ویرانی کشانده، بیشتر می شود. در یک واکنش زبوانه و سرکوبگرانه ناشی از این وضعیت، آقای حداد عادل از زاویه دفاع فرهنگی به جامعه ای که به فرهنگ ارتجاعی حکومت "شبیخون" زده، حمله ور شده تا با یک تیر دو نشان بزند، جامعه و رقیب را!

غلامعلی حدادعادل، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی جمهوری اسلامی در یک برنامه تلویزیونی عقده های رژیم ضد زن را با حرفی علیه "بد حجابی" بیرون ریخته و ناخودآگاه به این امر که عدم تسلیم زنان ایرانی به حجاب اجباری "دغدغه روز" رژیم شده، اقرار می کند. وی خواهان رعایت و حتی تصحیح قانون در باره آنچه که "همچون اعتیاد موضوعی پیچیده" شده است، می شود.

این امر که حجاب اجباری "دغدغه" حکومت توصیف می شود، حرف امروز نیست. پوشش اجباری همواره پاشنه آشیل نظام بوده است، به صورتی که پوشش "غیرمجاز" به نمادی از مخالفت با قوانین، فرهنگ و هنجارهای عقب مانده و ارتجاعی رژیم استبدادی - مذهبی ولایت فقیه بدل شده است. حداد عادل به همین دلیل عاجزانه برای حجاب زن ایرانی تاریخ تراشیده و آن را به دوره پیش از اسلام ربط داده و برای اثبات جعلیاتش به نقشهای تخت جمشید و نبودن تصویر زن در آن متوسل می شود. او وقاحت را به حدی می رساند که یکباره مدعی می شود بیش از ۶۰ درصد فرزندان آمریکایی خانواده ندارند. صرف نظر از فی البداهه بودن آمار وی که ربطی هم به موضوع ندارد، بی حرمتی این دست پروده نظام ولایت فقیه به مردم یک سرزمین دیگر، او را در جایگاه یک اوباش لیچارگوی به تمام معنی قرار می دهد.

از دیگر افاضات این فریبکار حکومتی اعلام این مطلب است که "خیلیها بیش از این که در مورد گرانی و مسایل اقتصادی صحبت کنند، نگرانی خود را در مورد مساله عفاف و حجاب بیان می کنند". او با این ادعا یک کاربرد دیگر "حجاب و عفاف" برای رژیم، یعنی استفاده از آن به عنوان پوشش مشکلات معیشتی مردم و بی لیاقتی و فساد حکومت را آشکار کرده.

"حجاب" یا - بهتر بگوییم - پوشش اجباری نشانه بی برو برگرد تحمیل غیر دمکراتیک و خودسرانه هر حکومت، جامعه و حتی خانواده ای است که تلاش می کند با همزنگ کردن پوشش، ایده ها و تفکرات انسان آزاد و مستقل را کنترل کند. زنان ایرانی به بهای سنگینی زیر بار این اسارت نرفته اند.

برای جمهوری اسلامی، حجاب موضوع رعایت قانون نیست - که خود همان را هم رعایت نمی کند - بلکه گرفتن مهار جامعه در دست برای تداوم بقای خود است.

به حکم بیدادگاه ولی فقیه، غلامرضا خسروی اعدام شد

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر دوشنبه ۱۲ خرداد

سحرگاه یکشنبه ۱۱ خرداد، زندانی سیاسی، غلامرضا خسروی به دست ماموران رژیم ولایت فقیه اعدام شد. علیرغم اعتراض بین المللی به این حکم و تقاضای نهادهای بین المللی مدافع حقوق بشر برای جلوگیری از اجرای این حکم ظالمانه، غلامرضا خسروی بعد از تحمل سالها رنج، درد و شکنجه اعدام شد.



غلامرضا خسروی، هوادار سازمان مجاهدین خلق، از زندانیان سیاسی دهه ۶۰ (در سن ۱۶ سالگی) بعد از گذراندن ۱۲ سال حبس در سپاه‌چالهای ولایت فقیه به جرم ایستادگی در برابر دیکتاتوری جهل و جنایت جانش را از دست داد. غلامرضا خسروی از جمله زندانیانی بود که در جنایت سازمانیافته روز ۲۸ فروردین در بند ۳۵۰ اوین، در پی ضرب و شتم مهاجمان مجروح گردید. وی به مدت ۲۳ روز تا هنگام بازگشت به بند ۳۵۰ اوین دست به اعتصاب غذا زد.

جنایتکاران جمهوری اسلامی بارها این زندانی سیاسی را جهت مصاحبه و توپسازی زیر فشار قرار داده بودند. در نهایت غلامرضا خسروی سرفرازانه به دیکتاتوری نه گفت و تسلیم نشد. با تسلیت به خانواده غلامرضا خسروی و به سازمان مجاهدین خلق ایران، همراه با تنفر همگانی از این اقدام جنایتکارانه، یادش را گرامی می‌داریم.

سالمرگ خمینی و "ترافیک بسیار سنگین" منزجران

لیلا جدیدی

فراسوی خبر... شنبه ۱۷ خرداد

بیست و پنجمین سالمرگ خمینی، این مستبد جنایتکار، اینگونه گذشت: از یکسو مردمی که امکانش را داشتند، از سه روز تعطیل اعلام شده برای نمایشات دولتی استفاده کرده و راهی خارج شهر شدند و عده ای هم به تفریحات خانوادگی و گردشگاه های نزدیک رو آوردند. از سوی دیگر، اتوبوسهای آماده به خدمت برای انتقال سیاهی لشکر با آمادگی قبلی راهی گور "امام" شدند تا شاهد بر سرو کله یکدیگر زدن میراث دارانش باشند.

خمینی، ملای مزور و فریبکاری بود که برای سوار شدن بر موج انقلاب ضد دیکتاتوری و ضد سلطنتی مردم ایران، فرصت طلبانه با جنبش دموکراتیک علیه دیکتاتوری شاه، سیستم تک حزبی و رژیم اعدام و جنایت او همراه شد. اما دیری نپایید که سوار بر موج هیجان و اشتیاق مردم برای تغییر، خود حکومت فاسد و سرکوبگر دیگری را پایه گذاری کرد.

خمینی تنها به این دلیل که مستبد جنایتکاری بود، مورد انزجار مردم نیست، بلکه میراث خونبار و درنده خویانه ای که بر جا گذاشت و ۳۵ سال حاکم است نیز بیزاری از او را در خلال این مدت سال به سال افزایش داده است. او حکومتی منحط با پایورانی فاسد از نظر مالی و فرومایه از نظر اخلاقی به جا گذاشت که هرگز ثبات پیدا نکرد و گردانندگانش بر سر تاراج ثروت مردم بر سرو کله هم می‌کوبند. آنها اما به توصیه پدر معنوی شان در سرکوب و قتل و اعدام و اعمال جنایتکارانه ضد بشری "همه با هم" در توافق کامل هستند.

خمینی، معلم و پیشوای سردمداران حکومت فعلی از بگیر و ببند و "شکستن قلم مطبوعات" شروع کرد. سپس دست به قتل عام در کردستان، کشتار و اعدامهای دستجمعی در مهاباد و سنندج زد و در انتهای کار خود فرمان قتل هزاران زندانیان سیاسی در دهه ۶۰ را داد. او کینه توزانه و سنگدلانه می‌گفت: "چرا هی آیات رحمت را در قرآن میخوانید و آیات قتال را نمی‌خوانید" و "ما خلیفه می‌خواهیم که دست ببرد و حد بزند و رحم نکند".

خمینی با فرمان اعدام مخالفان زیر عنوان "محارب"، صدور فتوای هولناک و جنایتکارانه و تراشیدن توجیه شرعی برای شکنجه و تجاوز در زندانها، راه را برای حاکمان امروز باز کرد.

اگرچه جنایتهای او مثنوی هفتاد من کاغذ است که در تاریخ ایران ثبت شده، اما به یک نکته دیگر باید اشاره کرد و آن رساله او است که نشانگر تفکر سادیستی و کثیف وی است. او بر همین اساس نظامی ضد زن بر پا کرد که به دختران باکره پیش از اعدام تجاوز می کند، زنان را در گودال فرو کرده و سنگسار می کند، زنان و دختران را در کوچه و خیابان به خاطر پوششان ضرب و شتم کرده و هر گونه بی حرمتی را بدانها روا می دارد، چند همسری را مجاز و زنان متعلق به اقشار فقیر را تحت عنوان "صیغه" به روسپیگری سوق می دهد.

در سالمرگ او، علی نوری پور، رییس اداره راه و شهرسازی لاریجان مازندران از "ترافیک بسیار سنگین از تهران به مازندران" خبر داد. مردم فقط به مراسم مسخره تعزیه او پشت نکرده اند، آنها "نظام"ی که این جلاذ آرمانها و آرزوها بنیان گذاشت را پشت سر گذاشته اند.

رد شکایت کارگران به نفع دولت ضد کارگر

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر یکشنبه ۱۸ خرداد

روز شنبه ۱۷ خرداد، هیات مشاوران دیوان عدالت اداری رژیم، رای هیات تخصصی این دیوان در مورد باطل کردن شکایت کارگران به مزد سال ۹۲ را مورد تایید قرار داد. رای دیوان عدالت اداری در باطل اعلام کردن شکایت، زیر پا گذاشتن راه قانونی افزایش دستمزد پایه به ضرر کارگران و به نفع دولت به عنوان مدافع سرمایه داران، بزرگترین کارفرما و استثمار کننده کارگران است.

شورای عالی کار با ترکیبی از دولت، نماینده کارفرمایان و طرف سومی که هیچگاه نماینده کارگران نبوده، حداقل دستمزد را تعیین می کند.

تا کنون بدون توجه به ماده ۴۱ قانون کار، مبنی بر افزایش حداقل حقوق متناسب با نرخ تورم، حداقل دستمزد را به گونه ای تعیین کرده اند که منجر به فقیر تر شدن و کاهش قدرت خرید کارگران شده است.

شکایت کارگران در مورد مزد سال ۹۲ برای تعیین حداقل افزایش دستمزد منطبق با ماده ۴۱ قانون بود. این شکایت در تاریخ ۲۴ اردیبهشت توسط هیات تخصصی دیوان عدالت اداری باطل و مصوبه مزد ۹۲، قانونی اعلام شد.

رای هیات مشاوران بر تایید رای هیات تخصصی دیوان فوق، راه اعتراض به افزایش مزد سال ۹۳ را بر منوال ضد کارگر تعیین شده می بندد. دیوان عدالت اداری مانند شوراهای اسلامی کار ابزاری در دست حکومت برای حفظ منافع سرمایه داران است.

سرنوشت افزایش حداقل دستمزد تا جایی که منافع حکومت و سرمایه داران را مد نظر دارد نه در مسیر بهبود وضعیت معیشتی کارگران و مزدبگیران بلکه به افزایش فاصله طبقاتی و بالارفتن درجه استثمار ختم می شود. تنها مبارزه متحد طبقاتی و مشارکت کارگران و مزدبگیران از طریق تشکلهای مستقل خود می تواند سرنوشت مزد میلیونها مزدبگیر را تغییر دهد.

در رویدادی دیگر در روز شنبه ۱۷ خرداد، اعتصاب چندین هزار کارگر سنگ آهن بافق وارد بیست و یکمین روز خود شد. کارگران معدن سنگ آهن در استان یزد به خصوصی سازی این معدن اعتراض دارند و برای همین اقدام به اعتصاب کرده اند. همبستگی با کارگران معدن بافق و پشتیبانی از خواست برحق آنان وظیفه همه انسانهای آزادیخواه است.

هر روز فراسوی خبر را در سایتهای ایران نبرد و جنگ خبر بخوانید

www.iran-nabard.com
www.jonge-khabar.com

نافرمانی علیه حجاب اجباری

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر سه شنبه ۲۰ خرداد

حجاب اجباری و یا حجاب حکومتی، از جمله بخش مهمی از تبعیض جنسیتی است که توسط رژیم اعمال شده است. اگر چه پوشش آزاد به معنای رفع نابرابری جنسیتی و آزادی زنان نیست، اما دفاع از انتخاب آزاد پوشش یکی از موارد مهم فعالیت پیکارگران راه آزادی و برابری جنسیتی است. در کشورهایی که بنیادگرایان اسلامی حکومت می کنند و یا نیروهای ارتجاعی اسلامی قدرت اعمال نظر دارند، پوشش اجباری برای زنان به ابزار خشونت برای نهادینه کردن نابرابریهای جنسیتی تبدیل می شود.

آزادی زنان برای حکومت‌های بنیادگرای اسلامی یک تهدید جدی است. به همین خاطر زنان در خط مقدم سرکوب و خشونت رژیم ولایت فقیه قرار گرفته اند. زیرا این نیروهای مُتَحَجِر با تکیه بر سرکوب زنان پیشبرد منافع اقتصادی خود را دنبال می کنند. از نگاه مُرتجعان اسلامی جایگاه زن به عنوان ابزار خانواده مقدس تعیین می شود که در محدوده خانه می تواند اعمال نظر کند و خارج از خانه در حیطه قدرت مرد قرار دارد.

روز دوشنبه ۱۹ خرداد، محسن اژه ای سخنگوی قوه قضائیه رژیم در برابر چگونگی عدم رعایت حجاب حکومتی از طرف زنان موضع گرفت. وی عدم رعایت حجاب اجباری در شکل نافرمانی مدنی به شکل گروهی را به «شلاق، جریمه نقدی، حبس و محرومیت‌های اجتماعی» تهدید نمود. تهدید اژه ای در به کارگیری خشونت علیه زنان، پدیده جدیدی نیست. این امر طی بیش از سه دهه اعمال شده است. برخی از مسافران جا مانده از قطار حکومت، مانند آقای ناطق نوری امروز به شکست سیاست‌های رژیم در برابر حجاب اجباری اعتراف می کنند. تهدید اژه ای هم هیچ تاثیری بر عقب راندن موج گسترده ای که علیه حجاب اجباری راه افتاده است نخواهد داشت. به ویژه این که عدم رعایت حجاب حکومتی همراه با نافرمانیهای مدنی تبدیل به حرکتی گسترده شده است. در شرایط گسترش و تعمیق شکاف در لایه بالایی هِرم قدرت، هر میزانی که نافرمانیها و اعتراضها علنی تر انجام شود، می تواند رژیم را در مانده تر و عقب نشینی را بر آن تحمیل کند.

ترکیه پنجره خروج از انزوای سیاسی یا سوراخ تنفس؟

منصور امان

فراسوی خبر... چهارشنبه ۲۱ خرداد

با سفر حُجّت الاسلام روحانی به ترکیه برای امضای قراردادهای جدید اقتصادی، بازرگانی و انرژی با آنکارا، دیپلماسی دسته چک جمهوری اسلامی یک گام دیگر به جلو برداشته است، با این تفاوت که اگر در رابطه با کشورهایی همچون روسیه و چین، سود کلان اقتصادی با پشتیبانی سیاسی و فرار از ایزوله بین المللی تاخت زده می شد، این بار حتی پاداش سیاسی نیز روی پیشخوان نیست و فقط فاکتور تنگناهای اقتصادی است که مُعامله گران دست و دل باز را پیش می راند. براساس گزارش رسانه ها، مسافران دولتی از ایران، قراردادهایی با میزبان خود امضا کرده اند که از فعالیت شرکتهای تُرک در پروژه های ساختمانی ایران تا گسترش روابط بازرگانی و صادرات گاز و نفت را دربر می گیرد. هر دو طرف می گویند که مایلند حجم فعلی مُعاملات بین خود را به رقم ۳۰ میلیارد دُالر در سال برسانند. تا هنگام اعمال تحریمهای فلج کننده در سال ۲۰۱۲ میلادی، ارزش این مُبادلات به ۲۱ میلیارد دُالر می رسید. یک سال بعد، رقم مزبور به ۱۳ میلیارد دُالر سُقوط کرد.

رابطه اقتصادی نزدیک جمهوری اسلامی و ترکیه در حالی در این سطح کلان رقم خورده که بین آنها پیرامون مُهمترین مسایل بُحرانی خاورمیانه اختلافهای عمیقی وجود داشته و مُناسبات مزبور بدون تاثیر بر محورهای اختلاف و موازی با آنها جریان یافته است. همچنانکه ترکیه نگران دستیابی رژیم مُلاها به بُمب اُتمی است، تضاد منافع عمیقی در مورد سوریه و عراق نیز وجود دارد؛ اختلافی که ریشه آن به رقابت بر سر نُفوذ در مناطق بین مرزهای اسراییل تا ترکیه برمی گردد.

رونق روابط اقتصادی با وجود شکاف سیاسی بین دو طرف، مدیون تنگنای رژیم تحت تحریم ولایت فقیه از یک طرف و سود سرشار و بی دردسر ترکیه از درماندگی آن از طرف دیگر بوده است. در این چارچوب به صادرات گاز ایران به ترکیه می توان اشاره کرد که همواره با خواسته های طرف ترک برای گرفتن تخفیف بیشتر همراه بوده است و حتی یک تقاضای غرامت دو میلیارد دلاری را به دادگاه لاهه برده است.

با این حال، سودآوری تجارت با مِلاها فقط به دیکته قیمت و دست باز برای دبه درآوردن پایان نمی یابد؛ ترکیه گاز را با طلا مبادله می کند و فراتر از آن، طلای پرداخت شده را نیز در بانکهای خود نگه می دارد. در اواخر سال گذشته یک شبکه گسترده قاچاق، پولشویی و فرار از مالیات در ترکیه کشف گردید که گرد این خوان یغما شکل گرفته و در این رابطه نام پایوران ارشد دولت آقای اردوغان و جمهوری اسلامی به میان کشیده شد.

بدون حل چالشهای سیاسی، توافقه های اقتصادی دارای ارزش سیاسی محدود و مهلت داری هستند که بیشتر انگیزه های منفعت طلبانه ی تجاری را در پایه دارند. تردیدی نیست که متقاضیان گشاده دست و مراجعه شوندهگان آزمند، ترکیب خوبی برای سر گرفتن معامله هستند، این اما هنوز برای خارج شدن از انزوای بین المللی کافی نیست.

جمهوری اسلامی یکسال بعد از "حماسه سیاسی"

منصور امان

فراسوی خبر... آدینه ۲۳ خرداد

یکسال پس از واگذاری پُست ریاست جمهوری به جناح میانه حکومت، شکاف در دستگاه قُدرت جمهوری اسلامی با شتاب در حال عمیق تر شدن است. برندگان "حماسه سیاسی"، اجازه برگزاری جشن سالگرد پیروزی خود در یک ورزشگاه عمومی را نیافته اند و به جای آن ناچار به گردهمایی محدود و کنترل شده در یک سالن دولتی شده اند. این پروسه ای برخلاف پیش بینی و انتظار رُووسای دولت جدید است که امیدوار بودند با قرار دادن موضوع حل بحران خارجی در صدر دستور کار خود، پُرسشهای حیاتی پیرامون تعادل قوای داخلی و تقسیم سهم را به مرحله پس از آن مُنتقل کنند.

منافع عام "نظام" در خروج از تله بحران هسته ای و تحریمهای فلج کننده، فاکتوری بود که جناح میانه حکومت را به برقراری یک آتش بس موقت در ساختار قُدرت امیدوار می کرد. این در حالی است که سیاست خارجی در نظام ولایت فقیه خود همواره به عنوان ابزار تولید اقتدار و قُدرت سازی دیده شده و با همین ویژگیها نیز از سوی رهبران و پایوران آن به نفع خود یا علیه دیگری به کار گرفته شده است.

از این رو، روابط خارجی به مثابه جزیره ای ایزوله از سرزمین اصلی، فقط در پندار کسانی وجود داشت که مایل بودند با بندوبست و بدون کمترین هزینه، بهترین مکان در کرانه قُدرت را برای خود رزرو کنند. غیرواقعی بودن این خوش خیالی را ابتدا لباس شخصیهای بی نام و نشان با لنگه کفش مَهر کردند و اکنون با نعلین و چکمه سرشناسها گواهی می شود.

جناح میانه حکومت - برخلاف تمایل اش - برای جلوگیری از جراحی سفید یا همراه با خونریزی خود، ناچار به برخاستن از بین دو صندلی و دفاع از آنچه است که به دست آورده. این همزمان به معنای از دست دادن مُتحدانی در میان راست مُحافظه کار است که در هراس از نقشه "یکدست سازی" قُدرت توسط آقای خامنه ای، شُرکا و همدستانش به اُردوی رقیب پناه برده اند، اما جایگاه خویش در هیرارشی قُدرت را مدیون سیستم سرکوب و تفتیش آنها هستند.

چنین می نماید همانگونه که تاکنون چالشها، برنامه عمل را به حُجت الاسلام روحانی دیکته کرده، پیرامون شتاب و ابزاری که وی بدانها پاسُخ می دهد نیز روند رویدادها تعیین کننده باشد. این مُسابقه ای با چشمان بسته است که دونده بخت برگشته نه قادر به ارزیابی سُرعت رُقا است و نه می تواند سبقت گرفتن آنها را ببیند.

ماشین کشتار ولی فقیه بدون دنده و ترمز پیش می رود

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر دوشنبه ۲۶ خرداد

افزایش اعدام و تشدید خشونت در سیاهچالهای رژیم و دارزدن زندانیان اقلیتهای مذهبی باید به کارنامه بی رونق حسن روحانی در سال گذشته باید اضافه کرد. خامنه ای با تشدید خشونت و ایجاد رعب و وحشت می خواهد ماندگاری نظام را در این شرایط بحرانی بیمه کند. به جرات می توان گفت بخش اطلاعات و ساوامای رژیم بار بخشهای غیر فعال تولید، بیکاری و نابسامانیهای اجتماعی را بر دوش کشیده و زندانیان سیاسی را برای جلوگیری از هر تحول احتمالی قربانی می کند. روز پنجشنبه ۲۲ خرداد، دو زندانی سیاسی اهل سنت از فرزندان مردم اهواز توسط عوامل سرکوبی ولی فقیه اعدام شدند. این دو زندانی سیاسی با نامهای علی چه بیشاط و سید خالد موسوی مخفیانه اعدام شدند.

روز شنبه ۲۴ خرداد، تعدادی از خانواده های زندانیان اهل سنت در اعتراض به جابه جایی فرزندان شان جهت اجرای حکم اعدام در مقابل زندان گوهر دشت کرج دست به اعتراض زدند. جلادان رژیم ولایت فقیه روز شنبه ۴ زندانی اهل سنت به نامهای حامد احمدی، جهانگیر دهقان، جمشید هان و کمال ملایی را برای اجرای حکم اعدام به قتلگاه دیگری منتقل نمودند. خشونت و اعدام در رژیم ضد بشری ولایت فقیه نهادینه شده و پایوران رژیم به ریختن خون زندانیان، بریدن دست و درآوردن چشم و ... معتاد شده اند. این که بعد از سه دهه و علیرغم کشتار و قتل عام در بیش از سه دهه این چنین فعالانه به قلع و قمع جوانان دست می زند، نشان دهنده وضعیت بحرانی رژیمی است که فقط به زور سرکوب بر جا مانده است. رژیم ولایت فقیه با توسل به دین حکومتی و سرکوب اقلیتهای دینی، فقر و بیکاری گسترده در جامعه را سرپوش می گذارد.

۷ ماه پس از انتشار "منشور حقوق شهروندی"

منصور امان

فراسوی خبر... آدینه ۳۰ خرداد

سرنوشت یک ژست حقوق بشری پُر سرو صدای حُجت الاسلام روحانی، همچنان در ابهام مانده است. ۷ ماه پس از انتشار "منشور حقوق شهروندی" از سوی رییس دولت جدید جمهوری اسلامی، هیچ رد پای از این سند نه فقط به طور واقعی در زندگی روزمره شهروندان یافت نمی شود، بلکه حتی به گونه ظاهری و در شکل تصویب قوانین یا گذراندن آیین نامه های لازم الاجرا نیز نشانی از آن به چشم نمی خورد.

ناهمگونی بین سکوت سماجت آمیز کُنونی در باره این "منشور" با هیاهوی اولیه طراحان دولتی و هورا کَشهای حرفه ای یا افتخاری آن، بی محتوایی و گمراه کننده بودن ژستهایی را آشکار می سازد که نمایش آنها نه به قصد بهبود یا تغییر واقعیت موجود، بلکه تحمّل پذیر کردن آن با ارزانترین و بی هزینه ترین وسیله در دسترس، یعنی عوامفریبی صورت می پذیرد. تازه ترین خبر از ناپدید شدن تابلوی رنگ و روغنی آقای روحانی از صحنه سیاست جمهوری اسلامی، تکذیب این امر بدون دادن نشانی مکان فعلی آن است.

روز چهارشنبه مُعاونت حُقوقی نهاد ریاست جمهوری خبر "بایگانی شدن منشور حقوق شهروندی" را رد کرد و آن را "خلاف واقع" نامید. دایره مزبور علت دیدن نشدن اثری از سند مزبور روی میز کار دولت با این وجود را اینگونه توضیح داد که "منشور" در اختیار آقای روحانی است و وی در حال خواندن آن است.

همچنین "معاونت" حُجت الاسلام به جای دادن آدرس "منشور" در برنامه عمل دولت، راه حل کم خرج تری را برگزید و اعلام داشت حاضر است "بولتنهای" نظرات رسیده در باره آن را "برای آگاهی عُموم" منتشر کند.

در هر صورت، "منشور" آقای روحانی یا هر بیانیه سیاسی و حُقوقی دیگر - حتی اگر بدان جامه قانون نیز پوشانده شده باشد - بدون وجود اراده سیاسی واقعی و لازم برای اجرایی کردن آن، بی ارزش بوده و مُتضمن هیچ تحولی نیست. بازی رییس و پایوران دولت با "منشور" خود، روشن ترین گواه نبود چنین اراده ای است.

شهادت فدایی در تیر ماه



فدایی شهید گلرخ مهدوی

رفقا: کاظم سلاحی - احمد خرم آبادی - محمد کاظم غبرایی - بهمن راست خدیو - محمد علی خسروی اردبیلی - نسترن آل آقا - گلرخ شهرزاد مهدوی - نادعلی پورنغمه - حمیدرضا هزارخانی - مارتیک قازاریان - زهت السادات روحی آهنگران - محمود عظیمی بلوریان - یدالله زارع کاریزی - اسماعیل نریمیسا - حبیب برادران خسروشاهی - محمد رضا (امیر) قصاب آزاد - محمد علی خسروی اردبیلی - مسعود فرزانه - علی رضا الماسی - حمید اشرف - یوسف قانع خشکه بیجاری - غلامرضا لایق مهربان - محمدرضا یثربی - فاطمه حسینی - محمدحسین حقنواز - طاهره خرم - عسگر حسینی ابرده - محمد مهدی فوقانی - غلامعلی خراط پور - علی اکبر وزیری - مهدی (بهزاد) مسیحا - حمید آریین - بهزاد امیری دوان -

افسرالسادات حسینی - نادره احمد هاشمی - سیمین توکلی - علی خصوصی - علی اکبر حق بیان - عبدالله سعیدی بیدختی - حجت محسنی کبیر - حمید ژیان کرمانی - کامران رضوانی - غلامرضا جلالی - خسرو مانی (مائی) - توفیق قریشی - آسمر آذری یام - بهمن راست خدیو - شفیع رضوانی - نادر ایازی - کریم فتحی - غلام حسین خاکباز - عبدالحسین عنانی شیشوان - سیاوش حمیدی - علی حمیدی مدنی - طوبی مولودی - علی اکبر حیدریان - کمال محمدی - سینا کارگر - روح انگیز دهقانی - نوروز قاسمی - ناصر فضل الهی - حمید فضل الهی - حسین تنگستانی - علی رضا فارسیان - اسماعیل حسینی - فرشته گل عنبریان - هادی کاکاخانی - احمد باختری - ناصر ممی وند، طی سالهای ۴۹ تاکنون در مبارزه مسلحانه با مزدوران امپریالیسم و ارتجاع و یا در زندانهای دژخیمان ستمگر شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

انتشارات تصویری



فیلم یادمان سی و نهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

درهمبستگی با قیام رنگین کمان بیشماران

سخنران: زینت میرهاشمی

رستاخیز سیاهکل، خیزش بیشماران و مواضع ما

گفتگو و تبادل نظر: جعفر پویه و منصور امان

برنامه هنری: ترانه سرودهای به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۱۰ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید



دو DVD در یک بسته

۱- فیلم کامل یادمان چهلمین سالگرد رستاخیز سیاهکل در کُنن - آلمان،
 ۲-چهلمین سالگرد حماسه سیاهکل در تلویزیونهای آسوسات، سیمای آزادی و تیشک

۹ ساعت در این مجموعه

قیمت: ۱۰ یورو یا ۱۵ دلار

برای دریافت این بسته با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com



چهل و یکمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

در همبستگی با بهار عرب و جنبش اشغال وال استریت

سخنرانان: زینت میرهاشمی و مهرداد قادری

گفتگو و تبادل نظر با سخنرانان
برنامه هنری ترانه سرودهای به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران
قیمت ۷ یورو (۱۰ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید



۳۳۳ شماره نبرد خلق در یک سی دی
قیمت ۱۰ یورو ۱۵ دلار

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید
nabard@iran-nabard.co

NABARD - E - KHALGH

No : 339 23 sept. 2013 / Price: \$ 1 – 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE

NABARD / P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION